

در گفت و گو با دکتر محمد صنعتی درباره کتاب «مرگ» مطرح شد

# پشت کردن به زندگی کفران نعمت است



رنسانس بسیار بارز شد. سخن بسیاری از آنها مثل پترارک این بود که بالاخره این جهان و این زندگی هم آفریده خداست و انکار کردن و پشت کردن به این زندگی در واقع کفران نعمت است و چرا ما نباید زیبایی های این جهان را ببینیم و همه آنها را شیطانی تلقی کنیم.

در تمامی طول تاریخ اندیشه فلسفی غرب از یونان باستان تا رنسانس ما غلبه مرگ اندیشی و مرگ پذیری را در اندیشه غرب و حتی انکار هراس از مرگ را داریم. اما تغییر این دیدگاه در غرب از پیش از رنسانس توسط یکی - دو اندیشمند مثل ابلارد و پترارک شروع شد و در دوره

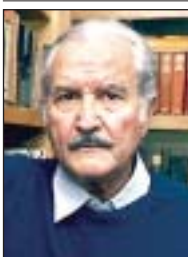
# کتابخانه

شنبه ۷ شهریور ۱۳۸۸  
۸ رمضان ۲۹، ۱۴۳۰ آگوست ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۶، پیاپی ۸۴۷  
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۴-۶۶۹۶۶۱۵۱  
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



کارلوس فونتس  
نویسنده مکزیکی  
از پنج منظر

۲۳



کتاب، رسانه برتر  
ترویج فرهنگ  
شهر وندی

۲۰



کاهش تولید  
کتاب، دروغی  
بزرگ است

۶

نیش قبر شاعر اسپانیایی «در ساعت پنج عصر»

## لورکا از قبر بیرون می آید

«فدریکو گارسیا لورکا» در آگوست ۱۹۳۶، یک ماه پس از آغاز جنگ های داخلی اسپانیا، نزدیک شهر «گرانادا» به دست طرفداران ژنرال فرانکو، دیکتاتور وقت، شبانه تیرباران شد. اما موضوع مرگ او و هویت واقعی قاتلان همواره در پرده ای از ابهام بوده است.



خانواده لورکا که مدت های طولانی در برابر نیش قبر این شاعر بزرگ مقاومت می کردند، سرانجام این امر را پذیرفتند. ابتکار عمل بر سر این دعوی حقوقی زمانی به دست دولت آندلس افتاد که قاضی گرانادا، این مناقشه را خارج از حوزه مسوولیت های خود برشمرد.

فدریکو گارسیا لورکا، درخشان ترین چهره شعر اسپانیا در سال ۱۸۸۹ میلادی در فونته واکه روس (دشت حاصلخیز غرناطه) در چند کیلومتری شمال شرقی شهر گرانادای اسپانیا متولد شد و تنها ۳۸ سال زندگی کرد. وی علاوه بر شعر، چندین نمایشنامه نیز خلق کرده است که «عروسی خون» و «خانه برنارد آلبا» از این دسته اند.

در ایران، مترجمانی چون نجف دریابندری، احمد شاملو، احمد پوری، نجمه شبیری، فانوس بهادر وند، رضا معتمدی، محمود کیانوش، نازنین میرصادقی، عباس میراحمدی، و یدالله رویایی برخی از آثار لورکا را به زبان فارسی ترجمه کرده اند.

سرانجام پس از کشمکش های طولانی قضایی بر سر نیش قبر شاعر و نویسنده بلند آوازه اسپانیا «فدریکو گارسیا لورکا»، این کار با موافقت بستگان وی انجام می شود.

به گزارش نشریه «ال پاپس»، موافقت خانواده «لورکا» توسط «لائورا گارسیا لورکا» خواهرزاده این شاعر اعلام شد. احتمال می رود در کنار بقایای جسد شاعر، اجساد دو انقلابی و یک معلم که همراه وی تیرباران شدند نیز کشف شود.

از یک سال پیش که یک قاضی اسپانیایی برای کشف علت واقعی مرگ این هنرمند، دستور نیش قبر او را داد، این موضوع بسیار مناقشه برانگیز بوده و با مخالفت های بسیاری روبه رو شده است.

قاضی پرونده ای که پارسال دستور نیش قبر لورکا را داد، بر این عقیده است که با این عمل قانون یک قدم به کشف حقیقت مرگ لورکا و ده ها تن از شهروندان که ۷۳ سال پیش به دست فاشیست های اسپانیا کشته شدند، نزدیک تر می شود.

دولت محلی «آندلس» روز دوشنبه اعلام کرد نیش قبر در صورتی انجام می شود که بستگان نزدیک «لورکا» در مهلت ۱۵ روزه به این امر اعتراض نکنند. این نیش قبر با تحقیقات گسترده ای که در مورد خشونت های اعمال شده در دوره جنگ های داخلی اسپانیا (۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹) در حال انجام است، ارتباط دارد.

### سرآغاز

### قنوتی برای کتاب

نشسته ایم سر سفره ای که به جای بوی طعام، بوی سلام و صیام می دهد؛ بوی سلامتی. سفره ای که لبریز است از عطر نعنای اطاعت و طعم خوش خرمای سکوت و بوی روح نواز طعام حلال عبادت.

قنوت، ظرف کوچک درخواست هایمان راه این بار پر کنیم از دعا برای کتاب! آری کتاب هم به دعا محتاج است و در این روزگار، شاید اگر نه بیشتر، که مثل بقیه نیازمند دعاست. می دانم که مولف بهترین و برترین کتاب ها، دعایمان را مستجاب می کند.

دعا کنیم تا کتاب، بیش از این مهجور نماند، اینقدر غریب نباشد، این گونه بی مهری نبیند، هرگز از یاد نرود، آخر همه به چشم نیاید، ته ته سید خانوار جا خوش نکند، بین او و یک عروسک چوبی روی قفسه فرق بگذارند، زود به زود غبار رویی شود، هی به دنیا بیاید، هرگز نمیرد، پیش پای سیاست، قربانی نشود، نردبام دنیا نباشد، چتر امن آخرت بماند، به دست اهلبش برسد و خوانده شود، خوانده شود، خوانده شود...

۲  
استقبال گسترده  
از بخش مکتوب  
نمایشگاه قرآن

۳  
• کرول اوتس  
با یک اثر دیگر  
از راه می رسد

• باراک اوباما  
رمان های جنایی  
می خواند

۴  
کتابخانه های باز  
در استان های  
کشور راه اندازی  
می شوند

کتاب، دروازه‌ای به سوی جهان گسترده دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. کسی که با این دنیای زیبا و زندگی بخش، دنیای کتاب، ارتباط ندارد، بی شک از مهم ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن با کتاب سروکار نداشته باشند و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب مانوس و همواره در حال بهره گیری از آن، یعنی آموختن چیزهای تازه باشد.

پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب  
۱۳۷۲/۱/۴

## جدیدترین اثر

### آیت الله جوادی آملی

ایکنا - جلد سوم «تسبیم اندیشه» عنوان جدیدترین اثر آیت الله العظمی جوادی آملی است که در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم عرضه شده است.

این اثر به سوالات کتبی و شفاهی مردم و پاسخ های آیت الله جوادی آملی اختصاص دارد و هفت فصل را شامل می شود.

حکومت دینی و اسلامی، ضرورت ولایت فقیه و جایگاه علمی آن، نصب، ولایت و انتخاب، جایگاه مجلس خبرگان، ولایت مطلقه و اختیارات رهبر، جمهوری اسلامی و نقش مردم، قانون اساسی، جامعه مدنی و دموکراسی عناوین فصل های این کتاب را به خود اختصاص می دهند. موسسه تحقیقی اسری، یکصد و ۱۸ اثر از آیت الله جوادی آملی را در قالب بیش از ۱۱۰ اثر در نمایشگاه قرآن ارائه کرده است که از آن جمله می توان به «تفسیر موضوعی ریحیق مختوم»، جلد های یکم تا شانزدهم «تفسیر تسبیم»، «ادب فنای مفریان»، «امام مهدی، موجود موعود»، «زن در آینه جمال و جلال» و «منبع الفکر» اشاره کرد. یادآوری می شود، جلد اول و دوم این اثر از این به کوشش موسسه تحقیقاتی اسری به چاپ رسیده است. جلد سوم «تسبیم اندیشه» در سه هزار نسخه و به بهای ۳۲ هزار ریال منتشر شده است.

## شش هزار کتاب در بخش پژوهش نمایشگاه قرآن

ایکنا - بخش پژوهش در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم بیش از شش هزار عنوان کتاب را با موضوع علوم اسلامی و قرآنی به مخاطبان خود در نمایشگاه ارائه کرده است.

بخش پژوهش در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم شش هزار عنوان کتاب را به منظور پیشینه سازی جهان اسلام به زبان های فارسی و عربی برای بهره برداری محققان و پژوهشگران ارائه کرده است.

این آثار که عمدتاً به زبان های فارسی و عربی تالیف شده اند در بخش عربی پژوهش های قرآنی صورت گرفته در جهان اسلام و در بخش فارسی نیز پژوهش های مکتوب انجام شده در داخل کشور را شامل می شوند.

بخش پژوهش در نمایشگاه بین المللی قرآن در سال جاری علاوه بر ارائه تمامی پژوهش های مکتوب شده در حوزه علوم قرآنی در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امکان استفاده از این آثار را نیز برای محققان این حوزه فراهم آورده است و این دسته از افراد علاوه بر فراهم بودن امکان مطالعه این آثار در محل غرفه بخش پژوهش، می توانند حداکثر تا ۵۰ صفحه از این آثار را نیز به صورت تهیه کپی از آنها مورد استفاده قرار دهند.

# استقبال گسترده از بخش مکتوب نمایشگاه قرآن

۴۰ ناشر کلید خورد اما با توجه به فروش خوبی که داشت این رقم از ۴۰ به ۱۴۰ ناشر رسید. همچنین طبق پیش بینی ما عناوین کتاب ها برای ارائه در این فروشگاه هزار عنوان بود که این رقم نیز تاکنون به بالای سه هزار عنوان رسیده است.»

سبز علیان در پاسخ به این سوال که چرا میزان تخفیف قیمت ها در این فروشگاه ۲۰ درصد تخفیف سایر غرفه ها ۱۰ درصد است گفت: «برای این که بتوانیم این فروشگاه را جایبندازیم پیشنهاد تخفیف ۲۰ درصدی دادیم و ناشران هم آن را پذیرفتند و تاکنون اعتراضی از سوی آنان به این موضوع نشده است البته شاید به این دلیل کتاب هایشان از فروش خوبی برخوردار بوده است.»

وی همچنین در پاسخ به این سوال که تاکنون آیا تخلفی از سوی ناشران در نمایشگاه صورت گرفته؟ اظهار داشت: «تخلفی به آن معنا وجود نداشته اما به رغم این که در دستور العمل انضباطی نوشته بودیم که ناشران مجاز به داشتن نمایندگی و فروش آثار ناشران دیگر نیستند، برخی این مورد را رعایت نکردند که با تذکر این مشکل رفع شد.»

سبز علیان درباره نحوه ممیزی کتاب هایی که مجوز حضور در نمایشگاه قرآن را گرفته اند، یادآور شد: «در ممیزی این کتاب ها سه مولفه مورد نظر بود؛ کنترل مجوز های قبل از چاپ، اعلام وصول و داشتن مجوز مرکز علوم قرآنی. غیر از این موارد، ممیزی مجدد دیگری مثلاً در مورد مطالب کتاب ها در کار نبود.»

هفدهمین نمایشگاه قرآن کریم تا پایان ماه مبارک رمضان در مصلاهی تهران برقرار است.



دیگر را نداشتند، برای حل این مشکل بخشی را با عنوان فروشگاه متمرکز بخش مکتوب راه اندازی کردیم تا نمایندگی فروش آثار ناشرانی را که نتوانستند در نمایشگاه حضور پیدا کنند، برعهده بگیرد. تاکنون حدود ۱۴۰ ناشر نمایندگی فروش کتاب هایشان را به این بخش داده اند.»

سبز علیان با تأکید بر این نکته که آثار ارائه شده در فروشگاه متمرکز بخش مکتوب از تخفیف ۲۰ درصدی برخوردارند، ارائه موضوعی کتاب ها را در این فروشگاه، از مزیت های مهم این بخش عنوان کرد و درباره استقبال ناشران و همچنین مردم از این فروشگاه اظهار داشت: «شروع کار این فروشگاه با

ثبت نام ناشران در بخش مکتوب هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن در مقایسه با سال گذشته ۲۰ درصد رشد داشته است.

تقی سبز علیان مدیر بخش مکتوب هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن در گفت و گو با کتاب هفته، با اعلام این خبر، استقبال ناشران حوزه دین را از نمایشگاه قرآن امسال از نظر کمی و کیفی، استقبالی بسیار خوب ارزیابی کرد و گفت: «امسال بیشتر ناشران سعی کردند آخرین منشوراتشان را در نمایشگاه قرآن رونمایی کنند و تاکنون درشت ترین خط قرآن کریم توسط ناشران در نمایشگاه رونمایی شده است.»

سبز علیان افزود: «حدود ۱۵ تا ۲۰ غرفه، جدیدترین کتاب هایشان را برای نمایشگاه قرآن آماده و رونمایی کرده اند و به گفته خود ناشران، میزان فروش در نمایشگاه امسال به رقم بالایی رسیده است.»

به گفته سبز علیان بخش مکتوب هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن با حدود ۲۲۰ ناشر داخلی و خارجی و دولتی و عمومی مشغول کار است و غیر از ناشران داخلی، سه ناشر خارجی هم از کشور لبنان در نمایشگاه حضور دارند که این سه ناشر، نمایندگی منشورات ۱۷ ناشر خارجی دیگر را که جزو ناشران برجسته نمایشگاه بین المللی کتاب بودند، برعهده دارند.

مدیر بخش مکتوب هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن همچنین از تخفیف ۱۰ درصدی قیمت کتاب ها در نمایشگاه قرآن خبر داد و گفت: «از آنجا که طبق ضوابط، ناشران فقط مجاز به ارائه آثار خودشان بودند و حق گرفتن نمایندگی ناشران

## جزئیات هفته فرهنگی فردوسی در آلمان

# دبیر کل بنیاد فردوسی از اجرایی نشدن مصوبه ها انتقاد کرد

سازمان ها برای برگزاری هفته فرهنگی فردوسی قول مساعد داده بودند؛ اما بسیاری از آنها به وعده های خود عمل نکردند. ما از سال ۸۵ تاکنون یک سری مصوبه داشتیم که هیچ یک از آنها از سوی نهادهای فرهنگی اجرایی نشده اند. تاکنون هیچ برنامه ای برای تاسیس و راه اندازی موزه و گنجینه فردوسی و آثار مرتبط با شاهنامه که توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اعلام رسمی شده، اجرا نشده است. او همچنین یادآور شد: «از دیگر مصوبات این بنیاد، راه اندازی فرهنگسرای فردوسی از سوی شهرداری بود که درباره این موضوع هم اقدام خاصی صورت نگرفته است.»

همچنین، کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران قرار بود ویژه برنامه هایی برای بزرگداشت فردوسی برگزار کند و مکان هایی به نام این شاعر راه اندازی شود که هیچ یک از آنها تا امروز انجام نشده است.

موحدفرد با اشاره به برپایی سه هفته فرهنگی در سه کشور اروپایی که قرار بود توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شود، توضیح داد: «برای برگزاری این برنامه از سوی این سازمان هنوز جواب قطعی نگرفته ایم و مراحل اجرایی آن مشخص نشده است.»

او در پایان متذکر شد: «بنیاد فردوسی در مشهد نیز اخیراً با مشکلاتی مواجه شده است. مسوولان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با این دفتر که از سوی یکی از خیرین راه اندازی شد، همکاری نمی کنند و فعالیت های این بنیاد در این شهر متوقف شده است.»

دبیر کل بنیاد فردوسی با انتقاد از همکاری نکردن سازمان ها در برگزاری برنامه های بزرگداشت فردوسی، از جزئیات بیشتر برنامه های هفته فرهنگی فردوسی در آلمان خبر داد.

یاسر موحدفرد یادآور شد: «هفته فرهنگی فردوسی در آلمان از سوی بنیاد فردوسی برگزار می شود که ما با یکی از دانشگاه های معتبر شهر برلین مذاکراتی داشته ایم و این دانشگاه برای در اختیار قرار دادن محلی برای برگزاری این هفته، قول مساعد داده است.»

به گفته او، در این هفته، علاوه بر به نمایش درآمد نقاشی های منصور وفایی شامل ۲۳ تابلو نقاشی قهوه خانه ای، قرار است ۲۰۰ اثر از گلپهار حیاتی از نقاشی آبستره تا کلاژ و طراحی پیکره هایی از فردوسی، خیام، مقبره کوروش و بازنمایی از مقبره گوته و برج ایفل به نمایش درآید.

در هفته فردوسی در آلمان، علاوه بر برپایی نمایشگاه، تندیس های اساطیر «شاهنامه» ساخته شده، در خارج از کشور عرضه خواهد شد. از دیگر برنامه های این هفته هم اجرای نقالی است که توسط فاطمه حریری زاد (گردآفرید) اجرا خواهد شد.

در این هفته، جلال خالقی مطلق، میر جلال الدین کزازی، شهین سراج و محمدحسین طوسی وند سخنرانی خواهند کرد.

دبیر کل بنیاد فردوسی در ادامه با انتقاد از همکاری نکردن سازمان هایی که قرار بود بر اساس مصوبات بنیاد فردوسی، برنامه هایی را اجرا کنند، گفت: «همه

## منظومه «علی نامه» رونمایی می شود

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران و موسسه مطالعات اسماعیلیه انتشار یافته است.

در این نشست تخصصی مرکز پژوهشی میراث مکتوب که ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ برگزار می شود، استادان و نسخه پژوهانی چون علی اشرف صادقی، محمدحسین ساکت، منصور صفت گل، محمود عابدی، محمد روشن و ابوالقاسم امامی حضور خواهند داشت. پژوهشگران و علاقه مندان برای شرکت در این نشست می توانند در ساعت یاد شده در مرکز پژوهشی میراث مکتوب در خیابان انقلاب، روبه روی سینما سپیده، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲ طبقه دوم حضور یابند.

مراسم رونمایی از منظومه «علی نامه» که با مقدمه شفیع کدکنی و محمود امیدسالار منتشر شده، با سخنرانی محمدجعفر یاحقی، سید علی موسوی گرمارودی و سجاد آیدنلو شنبه ۱۴ شهریور برگزار می شود.

به نوشته پایگاه اطلاع رسانی میراث مکتوب، هفتاد و سومین نشست تخصصی میراث مکتوب با عنوان «رونمایی از نسخه برگردان علی نامه» همزمان با ولادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی در مرکز پژوهشی میراث مکتوب برگزار می شود.

کتاب «علی نامه» گنجینه گهربار منظومه حماسی شیعی در مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری

## چهارمین جلسه هفته کتاب دوشنبه برگزار می شود

چهارمین جلسه ستاد برگزاری هفدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی با حضور مسئولان برگزاری این هفته و نمایندگان سایر نهادها صبح دوشنبه (۹ شهریور) در سالن اجتماعات ساختمان فجر برگزار خواهد شد. در این ستاد علاوه بر مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمایندگان نهادهای مختلف از جمله صداوسیما، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، تشکل های فرهنگی، حوزه علمیه، وزارت علوم، جهاد کشاورزی، نهاد کتابخانه های عمومی، ارتش جمهوری اسلامی و ... حضور دارند. هفدهمین هفته کتاب از ۲۳ تا ۳۰ آبان برگزار خواهد شد.

# جوئیس کرول اوتس با یک اثر دیگر از راه می رسد

جوئیس کرول اوتس بانوی ادبیات آمریکا، با یک رمان تیره و خلاقانه در فضای نیویورک، به زودی وارد بازار کتاب می شود. داستان کتاب «پرنده کوچک بهشت» در شهری کوچک و غمبار از اطراف نیویورک می گذرد؛ فضایی که پیش از این هم موفقیت هایی را برای نویسنده به ارمغان آورده بود.

جوئیس در این کتاب خشونتی تراژیک را که در اواخر قرن بیستم آمریکا در آنجا به وقوع پیوسته، تصویر می کند. از این نظر بسیاری از منتقدان این اثر را مشابه رمان پیشین او «دختر گورکن» می دانند. در این ماجرای پلیسی، با پیدا شدن جسد زن جوانی که با خشونت به قتل رسیده، پلیس شهر کوچک اسپارتا دو مظنون پیش رو دارد.

«پرنده کوچک بهشت» نیز مثل دیگر رمان های کلاسیک اوتس که در آن ماجرای عشقی سرانجام به از دست رفتن ها منتج می شود، سرانجامی غم انگیز دارد. در پایان این داستان ارواح دو عاشقی که نتوانسته اند

موفق باشند، به زندگی با هم ادامه می دهند. این نویسنده نامدار که جان آپدایک او را برجسته ترین بانوی نویسنده نامید و دریدا از او با عنوان از چهره های اصلی صنعت منفرد زنانه یاد کرد، از توزیع کنندگان و ناشران فعال کتاب از شروع کارش در سال ۱۹۶۳ بوده است. او در ۴۵ سال گذشته بیش از ۷۰۰ داستان کوتاه، تعداد بسیاری رمان، چندین جلد مقاله، شعر و نمایشنامه و حتی چند کتاب کودک نوشته است.

اوتس که همواره مورد توجه منتقدان بوده، جوایزی چون جایزه ملی کتاب آمریکا، نامزدی جایزه منتقدان کتاب ملی و پولیتزر، نامزدی جایزه قلم فاکنر و دو بار نامزدی جایزه منتقدان کتاب ملی آمریکا در سال ۲۰۰۷ را برای «دختر گورکن» و «خاطرات جوئیس کرول اوتس» به دست آورده است. گفته می شود او از نامزدهای دریافت نوبل ادبیات هم بوده است. «پرنده کوچک بهشت» در ۴۸۰ صفحه، اول سپتامبر به قیمت ۲۳ دلار وارد بازار کتاب آمریکا می شود.



## ترجمه شعرهای کارور برای نخستین بار در ایران

«گزیده ای از شعرهای ریموند کارور» با ترجمه مجتبی پورمحسن، برای نخستین بار در ایران منتشر شد. این کتاب در حالی منتشر می شود که بسیاری از آثاری که تاکنون از کارور منتشر شده، داستان کوتاه بوده است؛ گو این که او در جایی گفته بود: «خوشحال خواهم شد اگر روی سنگ قبرم بنویسند: «شاعر، نویسنده و گاهی مقاله نویس!»

«عصر»، «انگشتان پا»، «بهترین اوقات روز»، «خراش»، «عکسی از پدرم در ۲۰ سالگی» و «ترس و زیرسیگاری» عناوین برخی از شعرهای این مجموعه اند. شعرهای این کتاب زبانی ساده دارند که گاه حتی به زبان محاوره نزدیک می شوند. کارور در شعرهای خود بی تکلف و ساده به دنبال پیرامون خود نگریسته و گاه پیش پا افتاده ترین اشیاء و اتفاقات را دستمایه شعرش قرار داده است.

کتاب ۸۰ صفحه ای «گزیده ای از شعرهای ریموند کارور» پس از مقدمه مترجم، ۳۰ شعر از این داستان نویسان آمریکایی را دربر گرفته و در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه توسط انتشارات «هزاره اندیشه سوم» منتشر شده است.

## نامزدهای دریافت جایزه کتاب آلمان معرفی شدند

برگزیده این جایزه روز ۱۲ اکتبر (۲۰ مهر) همزمان با افتتاحیه نمایشگاه کتاب فرانکفورت معرفی خواهد شد و جایزه ۲۵ هزار یورویی را از آن خود خواهد کرد.

هیأت داوران این جایزه که متشکل از هفت نویسنده و روزنامه نگار است، علاوه بر انتخاب نفر اول، آثار شش نفر دیگر را نیز با عنوان «آثار شایسته» انتخاب می کند که هر یک از آنها نیز جایزه دو هزار و پانصد یورویی دریافت خواهند کرد.

این جایزه که امسال پنجمین دوره آن برگزار می شود با حمایت مالی اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان است و به عنوان یکی از مهم ترین و معتبر ترین جوایز ادبی آلمان به حساب می آید. جایزه سال گذشته این رقابت را رمان «برج» داستان هایی از سرزمینی گمشده» اثر تلکامپ از آن خود کرد.

بیست نامزد دریافت جایزه کتاب آلمان که همزمان با نمایشگاه کتاب فرانکفورت به بهترین رمان آلمانی اهدا می شود، معرفی شدند.

به گزارش روزنامه آلمانی زبان «اکسپرس تریبونگ» گروهی از نویسندگان و روزنامه نگاران آلمانی با بررسی ۱۵۰ رمان منتشر شده به زبان آلمانی در سال ۲۰۰۹، بیست اثر را برای شرکت در مرحله نیمه نهایی رقابت جایزه کتاب آلمان انتخاب کردند. برگزیدگان این جایزه، ماه اکتبر در نمایشگاه کتاب فرانکفورت معرفی و تقدیر خواهد شد. از آثاری که به این مرحله راه یافتند می توان به «مردی که خواب است» اثر سیبل برگ، «جهانی از شیشه» نوشته ارنست ویلهلم هندلر، «سکوت» نوشته رانهاردیرگل، «هفت سال» اثر پیتر اشتام، «چهار سبب» نوشته دیوید وانگر و «یکی از چند» نوشته نوربرت زهرینگر اشاره کرد.

## باراک اوباما رمان های جنایی می خواند



رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا برای گذراندن اوقات فراغت خود در تعطیلات مطالعه چند رمان از ژانر جنایی و چند زندگی نامه تاریخی را انتخاب کرد.

به گزارش روزنامه گاردین، اوباما همراه خانواده اش روز یکشنبه به مدت یک هفته به جزیره ای در ماساچوست مسافرت کرد.

او در این سفر تفریحی علاوه بر رمان های جنایی، تعدادی زندگی نامه از اشخاص سیاسی و کتاب هایی درباره جنگ های داخلی را برای مطالعه انتخاب کرده است. جورج پلکانس، توماس فریدمن هات و دیوید مک کالوگ از جمله نویسندگانی اند که باراک اوباما آثارشان را انتخاب کرده است.

سه رمان جنایی از جمله «راه خانه» در بین دیگر کتاب ها و زندگی نامه هاست. اغلب این آثار پرنده و نامزد جایزه هایی چون پولیتزر بوده اند.

## همسر برلوسکنی از او انتقام می گیرد

### با انتشار نظراتش در یک کتاب

ورونیکا عقاید خاصی هم دارد از جمله این که مردان ایتالیایی را سربه هوا می نامد. با این وجود نویسنده کتاب سعی کرده از این زن ایتالیایی مدل تصویری متعارفی ارائه کند.

این کتاب که روز چهارشنبه در ایتالیا به بازار خواهد آمد در واقع زندگینامه ورونیکا محسوب می شود و بر اساس مصاحبه های شخصی نویسنده با ورونیکا برلوسکنی که ۱۹ سال همسر برلوسکنی بوده، نوشته شده است.

روزنامه تایم نیز چند روز پیش بخش هایی از کتاب را منتشر کرد. نویسنده در کتاب شرح داده که چگونه برلوسکنی به دروغ به همسرش گفته بود برای شرکت در یک جلسه مهم به ناپل رفته ولی بعد، از مراسم جشن تولد یک دختر نوجوان سر در آورد.

گفته می شود برلوسکنی قصد دارد در یک مراسم مذهبی شام ربانی با حضور شماری از کاردینال های ایتالیایی که در شهر زلزله زده «لا آکیلا» برگزار می شود، از گناهان خود توبه کند.

انتشار کتاب «تمایلات ورونیکا» که به بررسی نظرات «ورونیکا لوریو» همسر «سیلویو برلوسکنی» نخست وزیر ایتالیا می پردازد، انتظار می رود تا موج جدیدی را علیه برلوسکنی و رسوایی اخلاقی اش، برانگیزاند.

روزنامه ایتالیایی «کوریرا دلا سرا» در حال چاپ بخش هایی از کتاب «تمایلات ورونیکا» است که در آن وی به بیان دیدگاه هایش درباره برلوسکنی پرداخته است.

ورونیکای ۵۰ ساله، همسر دوم برلوسکنی به خاطر رفتارهای نامتعارف و نیز رسوایی اخلاقی همسر ۷۰ ساله اش، خواستار جدایی از او شده است. ماریا لاتلا نویسنده کتاب «تمایلات ورونیکا» از دوستان خانوادگی همسر و خود برلوسکنی محسوب می شود و به عنوان روزنامه نگاری شناخته شده در روزنامه ایتالیایی «کوریرا دلا سرا» کار می کند.

او در کتاب خود، ورونیکا همسر دوم برلوسکنی را زنی عقلایی، فردی محتاط و دارای حس قوی خانواده دوستی معرفی کرده است. البته گفته می شود

## در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### شکار روزنامه نگار

علی اکبر قاضی زاده، روزنامه نگار، مدرس دانشگاه و مولف بسیاری از آثار مربوط به روزنامه نگاری، مهمان صفحه ویژه «پرونده» خبرگزاری کتاب قرار گرفته و مصاحبه مفصلی از او در «ایبنا» منتشر شده است. او در این مصاحبه تصریح کرده که در ابتدا رشته خبرنگاری را نمی شناخته و از مشکلات این حرفه گفته است. وضعیت مطبوعات ایران، برخی از کتاب های او، اخلاق روزنامه نگاری، نقش فرهنگ مطبوعات در حفظ فرهنگ و نقش رسانه در «دهکده جهانی» از مسائلی اند که قاضی زاده در مقابل سوالات مصاحبه گر «ایبنا» به آنها پرداخته است. وی در مقابل سوالی مبنی بر این که اگر به گذشته برگردد باز هم روزنامه نگاری را انتخاب می کند یا خیر، گفته است: «بله. متأسفانه دوباره برمی گردم به همین راه با این که می دانم کار عبثی است! برمی گردم چون این کار را دوست دارم.»

### یادداشت های اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند، هفته گذشته یادداشت هایی را از مهدی قربانی، نویسنده و مدیرمسئول انتشارات قاف مشهدالرضاء، علی الله سلیمی، روزنامه نگار و نویسنده، مریم میمنی، روزنامه نگار، غلامحسین سالمی، شاعر و مترجم، فرشاد شیرزادی روزنامه نگار و تأهید خزیر، خبرنگار حوزه تاریخ و جغرافیای «ایبنا» منتشر کرد.

قربانی در یادداشت خود، ماه مبارک رمضان را فرصتی مناسب برای سامان دادن کتابخانه های مساجد دانسته و خیران و نیکوکاران را به این کار فراخوانده است. سلیمی از ضرورت نوآوری در داوری کتاب های دفاع مقدس نوشته و یادآور شده: «اخلاقیت و نوآوری نیاز کونی ادبیات دفاع مقدس است که بخش مهمی از آن در جشنواره های ادبی این حوزه نهفته و نحوه داوری آثار هم بخش جدایی ناپذیر آن است.»

خزیر به مناسبت سالروز درگذشت محمدرضا کلهر، از این خوشنویس قلم زده و مریم میمنی یادداشت خود را به استقبال از ماه مبارک رمضان اختصاص داده است.

شیرزادی در یادداشتی با عنوان «زندگی، عشق و داستان از نگاه ریموند کارور»، به این نویسنده آمریکایی پرداخته و نوشته است: «عشق در داستان های کارور رابطه ای ویران شده است. همه برای دستیابی به آن می کوشند و حتی به شکل ساختگی آن هم دست نمی یابند.»

غلامحسین سالمی هم در یادداشتی با عنوان «شاعرانی که دستور زبان فارسی را هم نمی دانند»، به انتقاد از برخی شاعران و وضعیت شعر در کشور پرداخته است.

### نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) یافت.

## مقدس و نامقدس در صدر

کتاب «مقدس و نامقدس» اثر میرجالباده با ترجمه بهزاد سالکی از انتشارات علمی و فرهنگی و «یک فنجان طنز تلخ» نوشته ناصر خالدیان از انتشارات آوای کلار به گفته مسولان فروش این کتابفروشی‌ها، در هفته گذشته در صدر آثار پرفروش این دو کتابفروشی قرار داشتند.

کتاب «مقدس و نامقدس» که پیش از این با ترجمه دیگری به قلم نصرالله زنگویی از سوی انتشارات سروش چاپ شده بود، به گفته بهزاد سالکی کتابی است که نویسنده آن با شیوه پدیدارشناسی دین، بر آن است تا ماهیت دین و نقش آن را در زندگی انسان‌ها بررسی کند.

«یک فنجان طنز تلخ» نیز که از نظر موضوعی در حوزه طنز سیاسی - اجتماعی جای می‌گیرد گزیده‌ای است از طنزهای مطبوعاتی و اینترنتی ناصر خالدیان با مقدمه عمران صلاحی شاعر و طنزپرداز فقید. خالدیان جایی درباره این کتاب گفته است: «این کتاب گزیده‌ای اندک از طنزها و تجربیاتی در سبک‌های مختلف طنزنویسی و فکاهه و هزل برای رسیدن به طنز مطلوب است که اینجا و آنجا چاپ و منتشر کرده‌ام.»

دیگر آثار پرفروش انتشارات علمی و فرهنگی در هفته گذشته، عبارت بودند از: «سیری در هنر ایران» اثر آرتور اپهام پوپ با ترجمه گروهی از مترجمان، جلد سوم «تاریخ فلسفه فردریک کاپلستون» با ترجمه ابراهیم دادجو؛ «اندیشیدن» اثر نایجل واریتن با ترجمه محمد مهدی خسروانی، «یکی هیچ کس صد هزار» اثر لوییجی پیراندللو با ترجمه بهمن فرزانه و «شرح فصوص الحکم» اثر سید جمال‌الدین آشتیانی. انتشارات آوای کلار نیز دیگر آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به این ترتیب ذکر کرد: «زرتشت و گاهشماری ایرانی» اثر ضیاء‌الدین ترابی، «نقد ادبیات معاصر از نگاهی دیگر» اثر محمود معتقدی، «خیابان خواب‌ها» سروده خلیل جوادی، جنگ ادبی «گذر و نظر» به قلم عظیم سید اشرفی، «قالب‌های شعر فارسی» و «فرهنگ مصدرهای زبان فارسی» اثر صدرالدین زامیان.

## برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم

برنامه‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز شنبه هفتم شهریور، جلسه‌ای دیگر از سلسله نشست‌های مولوی پژوهی از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با حضور دکتر صابری و دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار می‌شود.

نشست فردا یکشنبه که به نقد و بررسی کتاب «قصه‌ای به شیرینی عسل» نوشته شکوه قاسم‌نیا اختصاص دارد، از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ با حضور جعفر ابراهیمی‌شاه، احمد عربلو، کامران پارسی‌نژاد و نویسنده اثر، شکوه قاسم‌نیا، برگزار خواهد شد.

نشست روز دوشنبه نیز از ساعت ۱۵ تا ۱۷ به کارگاه داستان‌خوانی «هوایی که بوی بهار نمی‌داد» نوشته زهرا پورقربان با حضور دکتر علی عباسی، حسن حبیب‌زاده و نویسنده کتاب اختصاص دارد. نقد و بررسی کتاب «داستان‌های فلسفی جهان» با ترجمه دکتر ترانه وفایی و حضور خودمترجم و احسان عباسلو، دیگر نشست سرای اهل قلم است که روز سه‌شنبه از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ برگزار می‌شود.

«بهداشت روانی در ماه مبارک رمضان» نیز عنوان آخرین نشست این هفته در روز چهارشنبه از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ با حضور دکتر محمد قربانی و سید محمود میرسلیمی است.

سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و شرکت در این برنامه‌ها برای عموم آزاد است.

## تازه‌ترین کتاب‌های هفته

# صد سال تنهایی با طعم جدید

«صد سال تنهایی» شاخص‌ترین اثر ادبیات آمریکای لاتین به قلم گابریل گارسیا مارکز است که اواسط دهه پنجاه با ترجمه بهمن فرزانه توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده بود و امروز در بازار نایاب است اما همچنان توسط مترجمان متعدد به فارسی ترجمه و منتشر می‌شود. این هفته مریم فیروز بخت رمان صد سال تنهایی را ترجمه کرده و انتشارات حکایتی دگر آن را چاپ و منتشر کرده است. سال گذشته این رمان با ترجمه خوب بیتا حکمی توسط نشر کتاب‌پارسه منتشر شد که تاکنون سه بار تجدید چاپ شده است. ترجمه دیگر این رمان را کیومرث پارسای انجام داده و انتشارات آریابان منتشر کرده است که با وجود ضعف‌های ترجمه، اکنون به چاپ پنجم رسیده است.

«نمادگرایی در اندیشه ابن عربی» اثری از ابراهیم مدکور است که با ترجمه داود فناپی از سوی نشر مرکز چاپ و منتشر شده است. طی یک دهه اخیر رویکرد جامعه ایران به ابن عربی و آثارش قابل توجه بوده، بر همین اساس، هر سال شاهد انتشار چند عنوان کتاب از ترجمه آثار ابن عربی هستیم.

گاهی از یک کتاب ابن فیلسوف جهان اسلام چند ترجمه به بازار می‌آید. چندی پیش انتشارات زوار «فرهنگ کامل اصطلاحات ابن عربی» را با ترجمه گل بابا سعیدی منتشر کرده بود.

«سفر به دیار پیش سقرطیان» عنوان کتابی اثر آلن سورنیا با ترجمه عباس باقری است که نشر فرزانه روز منتشر کرده است. پیش سقرطیان چه کسانی بودند؟ در کجا و در چه زمانی زندگی می‌کردند؟ چرا و چگونه انفجار روشنفکری رخ داد؟ در واقع از پیش سقرطیان چه چیزی برای ما باقی مانده است؟ دغدغه‌خاطرشان چه بوده؟ و... پاسخ همه این پرسش‌ها را در این کتاب خواهید خواند. «اخلاق در نگاه مولانا» عنوان کتابی به قلم مهناز قاعلی است که نشر نگاه معاصر منتشر کرده است.

«نظریه اجتماعی کلاسیک» اثری از یان کرایپ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه اسکس است که شهنواز مسمی پرست آن را به فارسی برگردانده و نشر آگه چاپ جدید آن را به بازار عرضه کرده است. این اثر «یان کرایپ» را مقدمه‌ای بر شناخت اندیشه مارکس، وبر، دورکیم و زیمل ارزیابی کرده‌اند. نشر آگه «عصر

فرهنگی و نظام قانونمند و شگفتی‌زای شاهنامه» را که نویسنده‌اش ناهید معتمدی است منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب به زنان، جامعه، سنت‌ها، آئین‌ها و ارزش‌های کهن در شاهنامه می‌پردازد.

«گل‌های تازه» کتابی است که به اهتمام سید علیرضا دربندی فراهم آمده و نشر پیکان آن را در سال ۸۴ منتشر کرده و اکنون چاپ دوم آن به کتابفروشی‌ها آمده است. این کتاب پژوهشی در سری برنامه‌های گل‌های تازه رادیو است که به موسیقی سنتی اختصاص داشت.

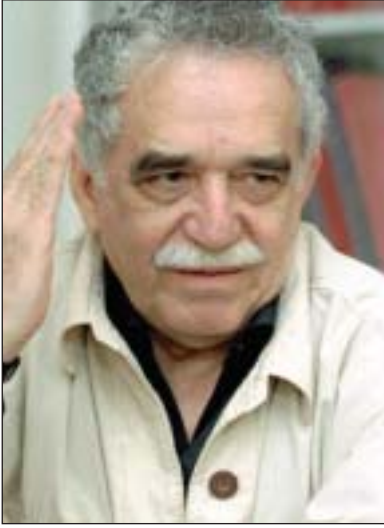
گل‌های تازه در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در دوره تصدی شاعر ارجمند هوشنگ ابتهاج اجرا می‌شده است. در این کتاب همه ترانه‌ها، نام سراینده‌گان و اجراکنندگان برنامه‌ها و خواننده ترانه‌ها آمده است.

«رمان تاریخی» اثر معروفی از گئورگ لوکاچ است

طرح کتابخانه‌های باز از سوی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تمامی استان‌های کشور اجرا می‌شود. کمال موسوی، مدیر اجرایی طرح کتابخانه‌های باز در گفت‌وگو با کتاب هفته، با اعلام این خبر درباره پیشینه اجرای طرح کتابخانه‌های باز که پیش از این در استان تهران اجرا شده، یادآور شد: «کتابخانه‌های باز، کتابخانه‌های بدون کتابدارند که در مکان‌های عمومی و مشخصاً در راهروها و محل‌های گذر نصب می‌شوند و شهروندان می‌توانند بدون این که محدودیتی داشته باشند، این کتاب‌ها را مطالعه کنند و بعد از مطالعه، کتاب‌ها را که مهیور به مهر کتابخانه‌های باز است، عودت دهند.» مدیر اجرایی طرح کتابخانه‌های باز درباره اجرای این طرح در استان‌ها اظهار داشت: «بر اساس مطالعاتی که در معاونت امور فرهنگی صورت گرفت، مقرر شد این طرح در تمامی استان‌های کشور نیز اجرا شود که در حال حاضر آیین‌نامه اجرایی این کتابخانه‌ها تهیه و در حال ابلاغ به همه استان‌هاست.»

وی افزود: «در تفاهم‌نامه‌هایی که برای فعالیت‌های فرهنگی ادارات کل استان‌ها امضا می‌شود نیز قید شده که اجرای طرح کتابخانه‌های باز، یکی از فعالیت‌های استان‌ها باشد.»

موسوی در پاسخ به این سوال که آیا نحوه اجرای این طرح در استان‌ها متفاوت از آنچه در استان تهران انجام شده خواهد بود؟ گفت: «از آنجا که آیین‌نامه اجرایی کتابخانه‌های باز به طور دقیق به استان‌ها ابلاغ شده، قاعدتاً باید مشابه کاری که در مرکز انجام شد، آنجا هم انجام شود اما احتمال دارد به اقتضای شرایط هر استان، تغییراتی در شکل اجرا داده شود اما آنچه به عنوان آیین‌نامه اجرایی به همه



گابریل گارسیا مارکز، نویسنده «صد سال تنهایی»

که قبلاً با ترجمه امید مهرگان توسط نشر ثالث منتشر شده بود. این کتاب اکنون با ترجمه شاپور بهیان توسط نشر اختران ترجمه و به بازار آمده است. «رمان تاریخی» به عنوان اثری کلاسیک در زیبایی‌شناسی و نظریه ماتریالیستی ادبیات، مملو از بصیرت‌ها و ایده‌های درخشان است که حتی امروز نیز به کار فهم‌کنش ادبی و نقد جریان‌های ایدئولوژیک در ادبیات و تاریخ‌نگاری می‌آید. نشر آفاق رمان جدید پل استر به نام «مردی در تاریکی» را با ترجمه خجسته کیهان منتشر کرده که ترجمه بسیار درخشانی است چرا که مترجم سال‌ها در کشورهای اروپایی زندگی کرده و با زیر و بم زبان اثر آشناست. هفته گذشته نیز «مردی در تاریکی» با ترجمه الهه دهنوی توسط انتشارات مروارید منتشر شده بود.

گویا ترجمه دیگری هم از این رمان در راه است. «مورخ» رمانی از الیزابت کاستنوا با ترجمه ژاله نوبنی توسط انتشارات کاروان منتشر شده است.

«موسیقیدانان دیروز» کتابی تألیف رومن رولان با ترجمه رضا رضایی توسط نشر کارنامه منتشر شده است. رومن رولان که در ایران با رمان «جان شیفته» با ترجمه به‌آذین شناخته می‌شود به موسیقی علاقه فراوانی داشت و زندگی‌نامه چند تن از بزرگان موسیقی را در قالب کتابی مستقل نوشته و منتشر کرده است. این کتاب نیز در راستای همین علایق رومن رولان قابل توجه است. «تو مشغول مردن‌ات بودی» گزیده‌ای از شعر شاعران جهان و عکس است که نام محمدرضا فرزاد به عنوان مترجم روی جلد کتاب آمده و ناشر آن نیز «حرفه هنرمند» است.

## کتابخانه‌های باز در استان‌های کشور راه‌اندازی می‌شوند

استان‌ها ارسال شده نهایتاً یک آیین‌نامه واحد است.»

موسوی همچنین از تأسیس کتابخانه‌های باز تخصصی در تمامی موسسات قرآنی کشور خبر داد و اظهار داشت: «در حال حاضر در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم یک کتابخانه باز به صورت نمایشی و نمادین برگزار شده و قرار است بعد از اتمام برگزاری نمایشگاه قرآن، تمامی موسسات قرآنی کشور به این کتابخانه‌ها مجهز شوند.»

وی تأکید کرد: «کتاب‌هایی که به کتابخانه‌های باز موسسات قرآنی داده می‌شوند، به اقتضای فضای تخصصی‌ای که دارند، کتاب‌هایی درباره علوم و معارف قرآنی خواهند بود در حالی که در سایر کتابخانه‌های باز که در واقع غیرتخصصی‌اند کتاب‌های عمومی ارائه خواهند شد.»

موسوی درباره این که سلیقه مخاطبان تا چه حد در انتخاب این کتاب‌ها از نظر موضوعی در نظر گرفته می‌شود نیز تصریح کرد: «بر اساس کاری که در فاز اول انجام دادیم، به مجموعه موضوعاتی رسیدیم از جمله این که کتاب‌های حوزه‌های تربیتی، روان‌شناسی، داستان، مهارت‌های شغلی و اطلاعات عمومی، طرفداران بیشتری در بین مخاطبان دارند از این رو کتاب‌های مرتبط با این حوزه‌ها را در اولویت قرار دادیم.» موسوی درباره محل تهیه کتاب‌های کتابخانه‌های باز نیز اظهار داشت: «بیشتر این کتاب‌ها از طریق معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین و برای استان‌ها ارسال می‌شوند. ضمن این که هر استان می‌تواند از محل‌های خرید کتاب که خودشان به طور معمول دارند نیز این کتابخانه‌ها را تجهیز کنند.»





گزارشی از ضرورت ایجاد ویتترین کتاب‌های ورزشی

# کتاب‌های ورزشی، تماشاچی ندارند

محمدتقی کاغذچی محمدی، مدیرمسئول انتشارات تلاش درباره قرار دادن کتاب‌های ورزشی در دید ورزشکاران و عموم مردم، در قالب یک آرشو تبلیغاتی در باشگاه‌های می‌گوید: «مشکلات بسیاری در مسیر این راه وجود دارد. اگرچه در باشگاه‌های ورزشی، قرار دادن کتاب به منزله قرار دادن یک مربی علمی و با مهارت است که بسیار مناسب و تاثیرگذار خواهد بود، اما این مربیانند که گاهی برای حفظ اصول خود با قرار دادن کتاب در باشگاه‌های ورزشی مخالفت می‌کنند. همچنین هزینه برپایی مغازه‌ای اختصاصی برای عرضه کتاب‌های ورزشی از سوی انتشاراتی‌ها با مخاطبان محدود مقدر و به صرفه نخواهد بود.»

وی همچنین درباره نقش انتشارات ورزشی برای دستیابی ورزشکاران و علاقه‌مندان به کتاب‌های ورزشی، می‌گوید: «باید کتاب‌های ورزشی سطح بندی شوند و اثرهایی که دارای کیفیت علمی مناسب برای ورزشکاران حرفه‌ای‌اند، در اختیار آنان قرار گیرد و در سطح‌های آکادمیک و آماتور، کتاب‌های مناسب به دست دانش‌آموزان علاقه‌مند به ورزش برسند.»

به گفته محمدی، قرار دادن کتاب‌های ورزشی در معرض نگاه اهالی ورزش، به همکاری همه‌جانبه نهادهای مسوول در ورزش، به ویژه صدا و سیما و سازمان تربیت بدنی نیازمند است.

مجموعه فرهنگی - ورزشی پیروزی در منطقه ۱۴ تهران واقع است. عزت باطنی، یکی از معاونان این مجموعه، درباره کتابخانه مجموعه و پیروزی می‌گوید: «کتابخانه داریم اما تعداد محدودی کتاب روانشناسی و سرگرمی که خودم و همکاران تهیه کرده‌ایم، در آن قرار دارد و تعدادی کتاب نیز که سال‌های گذشته شهرداری به مجموعه ارائه کرد، در این کتابخانه باقی مانده‌اند.»

وی در پاسخ به این پرسش که چرا شهرداری دیگر به توزیع کتاب نمی‌پردازد؟ می‌گوید: «به اعتقاد من هزینه تهیه کتاب و توزیع رایگان آن برای شهرداری میسر نیست.» باطنی ضمن بیان این مطلب که وجود کتاب‌های ورزشی و در دسترس بودن آنها تاثیر بسزایی در روند فعالیت‌های ورزشکاران خواهد داشت، می‌گوید: «مطالعه کتاب در حوزه ورزش باید در اولویت مربیان کشورمان قرار گیرد و ارائه این کتاب‌ها در فضاهایی که اهالی ورزش در آنها فعالیت می‌کنند، بسیار ضروری و تاثیرگذار خواهد بود.»



می‌کنند، چرا انتشارات ورزشی با ارائه کتاب‌های مناسب خود به ورزشکاران حرفه‌ای تبلیغات نمی‌کنند؟ صادق سلامی، نویسنده و مربی رسمی پرورش اندام، نیز معتقد است: «هیچ نقل قول یا تبلیغی برای کتاب‌های ورزشی، مناسب‌تر از این نیست که آن را به صورت مستقیم در معرض دید ورزشکار قرار دهیم تا خود با دیدن مطالب و پی بردن به کاربرد آنها، برای تهیه اثر اقدام کند.» وی که تاکنون حدود ۱۰ کتاب در حوزه رشته ورزشی پرورش اندام و وزنه‌برداری تالیف و ترجمه کرده، ادامه داد: «وجود یک مرکز که به توزیع کتاب‌های ورزشی در باشگاه‌ها و محل‌های حضور ورزشکاران بپردازد، ضروری است.»

وی اعتقاد دارد انتشار کتاب به ویژه در حوزه ورزش و تربیت بدنی، از لحاظ مالی سوددهی مناسبی ندارد و به همین دلیل، تبلیغ در این زمینه برای بسیاری از انتشاراتی‌های ورزشی، عملاً امکان‌پذیر نیست و تنها راه، قرار گرفتن کتاب‌های این حوزه در دید و دسترس ورزشکاران و پس از آن عموم مردم، همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی و دولتی ورزش با انتشارات و موسسات خصوصی فرهنگی ورزشی است. انتشاراتی‌های ورزشی یکی از ارکان اصلی قرار دادن کتاب در دسترس ورزشکارانند.

وضعیت فضای آن در نمایش بهتر کتاب‌ها، تلاش مناسب‌تری انجام داد.»

کتابخانه آکادمی المپیک و پارالمپیک فضای مناسبی برای مطالعه ورزشکاران است، اما امروزه کمتر شاهد حضور ورزشکاران در این قسمت از آکادمی المپیک هستیم که یکی از دلایل اصلی آن نبود کتاب در معرض نگاه ورزشکاران و مخاطبان آکادمی است.»

وحید سرلک، یکی از اعضای با سابقه تیم ملی جودو کشورمان است که بیش از ۱۰ سال در تیم ملی حضور دارد. وی می‌گوید: «تاسیس کتابخانه ویژه ورزشکاران از روش‌های مناسب برای قرار دادن کتاب‌های ورزشی در دسترس ورزشکاران است تا تمامی آنان در سطوح مختلف، از ورزشکاران همگانی و عمومی تا حرفه‌ای، بتوانند از این کتاب‌ها استفاده کنند.»

وی درباره کتابخانه آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک می‌گوید: «بارها به این کتابخانه مراجعه کرده‌ام تا کتاب‌های مناسب حوزه جودو را مطالعه کنم، اما به علت موجود نبودن منبع مناسبی برای جودوکاران حرفه‌ای، از چندین لوح فشرده که در کتابخانه وجود دارد، استفاده کرده‌ام. با وجود این که توزیع لوح فشرده مذکور نیز رایگان نبود، به پرداخت هزینه آن راضی شدم تا بتوانم از این منبع مناسب بهره‌مند شوم، اما مسوولان این کتابخانه حتی در این مورد نیز امکانات مناسبی را در اختیار نداشتند و تهیه لوح فشرده چند روزی زمان برد. من نیز به دلیل زمان اندکی که داشتم، از خرید آن پشیمان شدم اما پس از اتمام اردو در مجموعه ورزشی انقلاب، خودم برای خرید آن اقدام و در کوتاه‌ترین زمان ممکن آن را از بازار تهیه کردم.»

سرلک درباره برگزاری مسابقات برای تقویت ذهن و علاقه‌مند کردن ورزشکاران به مطالعه و کتاب، می‌گوید: «انجام این گونه روش‌ها ضروری است اما هیچ‌گاه عملی نشده‌اند. اگر کتاب ورزشی را در اختیار ورزشکار قرار دهند تا آنان به مسائل علمی و مطالعه آنها بپردازند، یا زمانی را برای مسابقه کتابخوانی قرار دهند، می‌توان به آینده‌ای با ورزشکاران آگاه و جامعه‌ای ورزشکار امیدوار بود.»

به اعتقاد وی، تبلیغات در ورزش کشورمان تعریف صحیحی ندارد و باید برای قرار گرفتن کتاب در معرض نگاه ورزشکاران و مخاطبان حوزه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تبلیغات مناسبی در این زمینه انجام شود. به عنوان مثال، زمانی که شرکت‌های بزرگ نوشابه‌سازی یا تولید نوشیدنی در اردوهای تیم ملی کشتی یا جودو با ارائه رایگان محصولات خود به ورزشکاران تبلیغ

اگرچه امروزه فضاهای بسیاری برای تفریح، ورزش و گذران اوقات فراغت به ویژه در فصل تابستان پدید آمده‌اند، اما اغلب باشگاه‌هایی که عنوان فرهنگی - ورزشی را یدک می‌کشند، تنها به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند و از حوزه فرهنگ، مطالعه و پرداختن به این گونه فعالیت‌ها فاصله گرفته‌اند.

تردیدی نیست که آمار انتشار کتاب‌های ورزشی در سال‌های اخیر افزایش مناسبی داشته، اما همچنان این کتاب‌ها کمتر در معرض نظر ورزشکاران و علاقه‌مندان قرار دارند و به اصطلاح، ویتترین ورزشی در جامعه ما بسیار کم است و همین معضل هم از بسط و گسترش فرهنگ کتابخوانی در جامعه ورزشی ما جلوگیری می‌کند. در این گزارش برای بررسی علل کمبود ویتترین کتاب‌های ورزشی با مسوولان، مربیان، ورزشکاران و ناشران ورزشی به گفت‌وگو نشستیم.

دکتر رامین طباطبایی، رئیس کمیته پزشکی فدراسیون بسکتبال، در این باره می‌گوید: «با قدری تامل می‌توان دریافت که سال‌هاست از کتاب و کتابخوانی در حوزه ورزش فاصله گرفته‌ایم و جوانان و ورزشکاران کشورمان به این امر مهم اهمیت چندانی نمی‌دهند، اما باید این مطلب را نیز در نظر گرفت که حرفه‌ای شدن - بهتر است بگوییم نیمه حرفه‌ای شدن - در برخی از رشته‌های ورزشی، زمان را از ورزشکاران گرفته و آنان، کمتر از گذشته به سوی کسب علم در رشته ورزشی خودشان می‌روند.»

قائم‌مقام دبیر ستاد مبارزه با دوپینگ، درباره علت این امر اظهار می‌دارد: «فرهنگ کتابخوانی در میان ورزشکاران و قهرمانان ملی کشورمان نامناسب است و باید برای بهبود این وضعیت از خود قهرمانان آغاز کنیم و با ترویج مطالعه در میان آنان، ورزشکاران جوان را نیز به سوی مطالعه کتاب بکشانیم، زیرا قهرمانان ورزشی کشور، الگوی بسیاری از جوانانی‌اند که در عرصه ورزش فعالیت می‌کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «متأسفانه در بیست سال اخیر، در راس بسیاری از رشته‌های ورزشی، مربیان تجربی و کم‌سواد از نظر تحصیلات عالی و ناآشنا به زبان‌های خارجی که نتیجه آن ناتوانی در کسب اطلاعات روز دنیاست، قرار داده شده‌اند و حضور افراد با علم و آگاهی مناسب در آن منصب یا جایگاه، کم است. زمانی که مربی‌ای با مدارک مناسب تحصیلی و علم روز دنیا در کنار ورزشکاران به ویژه در رده‌های سنی نونهالان و نوجوانان قرار گیرد آنان نیز به ادامه تحصیل و کسب آگاهی مناسب نسبت به ورزش خود تشویق می‌شوند.» سخنگوی ستاد مبارزه با دوپینگ در این باره می‌گوید: «به دلیل کم‌اطلاعی بسیاری از مسوولان باشگاه‌های فرهنگی - ورزشی، این مجموعه‌ها به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه کتاب و قرار دادن آن در دسترس و معرض نگاه ورزشکاران و حتی تهیه آرشو از کتاب‌های ورزشی، نمی‌پردازند.»

وی درباره راهکارهای برطرف کردن مشکل کمبود ویتترین کتاب‌های ورزشی می‌گوید: «راهکار اصلی، قرار دادن افرادی فرهنگی و با تحصیلات مناسب در کادر اصلی تشکیلات ورزشی است که نیاز به کتاب و مطالعه را درک کنند. اکنون نیاز به یک طرح برنامه‌ریزی شده و اساسی، احساس می‌شود که به عنوان قطب اصلی علم ورزش و دستگاه‌های اجرایی کمک کند تا کتاب‌های منتشر شده از سوی دانشگاه‌ها و ناشران دولتی و خصوصی در اختیار و معرض دید ورزشکاران قرار گیرند.» طباطبایی با اشاره به وضعیت کتابخانه آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک در مجموعه ورزشی انقلاب تهران، اظهار می‌دارد: «این کتابخانه، تنها مرکز تخصصی کتاب‌های ورزشی است، اما باید برای بهبود

**تور فرهنگی نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت**  
 ۱۲ تا ۲۲ مهرماه ۱۳۸۸  
**بازدید از بزرگترین نمایشگاه کتاب منطقه**

۵ شب اقامت در هتل ۳ ستاره در فرانکفورت  
 ندارد ملاقات با ناسران و مجریان حوزه چاپ و نشر کشورهای صاحب نظر در این صنعت  
 ترانسفر نمایشگاهی فرانکفورت به همراه راهنمای فارسی زبان (آشنا به حوزه نشر)

برای دریافت اطلاعات تور فرهنگی و چگونگی ثبت نام با شماره تلفن ۰۸۹۲۳۷۰۸۷ با همراه ۹۹۲۳۲۳۳۳ تماس حاصل فرمایید.

**مرز برکمر**  
 ایران ورزشی تمدن جهان  
 اولین مرکز تخصصی  
 و بینگانه سرزندگی و ورزش

تلفن مرکز پخش: ۲۲۲۷۹۷۸۹  
**ایران خورشید تمدن جهان**  
 مزین به سرود ای ایران  
 و زندگی‌نامه سراینده سرود  
 دکتر حسین گل گلپ



سجاد صاحبان زند

بخش پایانی

هفته دولت در گفت و گو با دکتر محسن پرویز

# کاهش تولید کتاب، دروغی بزرگ است

داشته باشیم سوءاستفاده‌های فراوانی می‌شود که یکی‌اش را شما اشاره کردید. ناشر و مولف هنوز کتاب را به وزارت ارشاد نفرستاده می‌گوید که هنوز بعد از شش ماه جوابی نداده‌اند. آقای وزیر در مورد کتابی به من نامه داد. من مسأله را از اداره کتاب پیگیری کردم و دیدم که ناشر هنوز کتاب را ارائه نکرده است، اما به مولف گفته که کتاب چند ماه است در اداره کتاب مانده و موضوع عجیب جلوه کرده است. البته از طرف ما بیان این حرف‌ها به این معنی نیست که هیچ ضعفی از طرف ما در کار نبوده است.

چندی پیش من مسأله‌ای را عنوان کردم که برخی بد تعبیرش کردند. برخی از کتاب‌هایی که به اداره کتاب ارسال می‌شوند، معلوم است که شیطنتی در آن‌ها هست. یعنی خلاف آشکار مقررات در آن دیده می‌شود، مثلاً در چند صفحه از کتاب، روابط جنسی بین زن و مرد توضیح داده شده و حتی با جزئیات و به مبتذل‌ترین شکل ماجرا. آیا این ناشر نمی‌فهمد که نمی‌تواند برای یک داستان پورنو مجوز بگیرد؟ اگر نمی‌فهمد که صلاحیت مدیریت نشر ندارد. آیا نویسنده یا مترجمش نمی‌فهمند؟ اینها نوعی شیطنت است برای بالا بردن آمار کتاب‌هایی که مجوز نمی‌گیرند. به نظر من، بازنگری در قوانین و قواعد باید صورت گیرد و آنجایی که مشخص می‌شود ناشری به قصد اخلال کارهایی از این دست می‌کند، طبیعتاً باید مسوولیت اقدام خود را بر عهده بگیرد. برای آن که ما نشان دهیم حذف قانون مجوز پیش از چاپ چه مضراتی دارد، به چند ناشری که شیطنت می‌کنند، اجازه دهیم که بدون مجوز پیش از چاپ آثارشان را منتشر کنند، اما شرط کنیم که کتاب قبل از توزیع دیده شود. آن وقت کتاب را برای مقام قضایی بفرستیم و با حکم قضایی کتاب خمیر شود. آیا نکته خوبی اتفاق می‌افتد؟ وقتی کتاب پیش از چاپ دیده می‌شود به او توصیه می‌کنیم که مواردی حذف شود و در واقع به حفظ سرمایه او کمک می‌کنیم. برخی کتاب‌ها حتی بعد از مجوز پخش هم با مشکل روبه‌رو شده‌اند، مثلاً کتاب‌هایی که از نمایشگاه جمع‌آوری شدند.

عدم توزیع برخی کتاب‌ها در نمایشگاه‌های رسمی و بین المللی کشورها، امری غیر طبیعی نیست. ما مسأله مشابه آن را در نمایشگاه فرانکفورت هم دیدیم که برخی از کتاب‌ها به دلیل نقد رژیم صهیونیستی یا توجه به مسائل دینی - که آنها اسم بنیادگرایی را بر آن نهادند - از نمایشگاه کتاب کنار گذاشته شدند. در ایران هم برخی از کتاب‌ها بدون توجه به مقررات در نمایشگاه حضور داشتند، مثلاً کتابی بود که چند سال از تاریخ انتشار آن گذشته، یا مروج عرفان‌های دروغین است یا کتابی در زمانی از غفلت اداره کتاب در هفت یا هشت سال پیش استفاده کرده و حال ما متوجه شده‌ایم و کتاب را حذف کرده‌ایم. مثلاً کتابی را در بخش بین الملل حذف کردیم که در مورد «لژیون‌ها» یا خانم‌های همجنس‌باز بود و با شرح و تصویر، به آنها آموزش داده بود. یا کتابی را حذف کردیم که از عنوان جعلی «خلیج عربی» استفاده کرده بود. اتفاق جالبی که آن روزها افتاده بود این بود که سردبیر یکی از نشریات منتقد با نگاه به سایت ناشری که این کتاب را عرضه کرده بود، از حضور کتابی اینچنین به



دوستانی که در آنجا فعالیت می‌کردند، انتقال می‌دادم. دوستانی که ما در اداره کتاب داشتیم، در کنار زحمت فراوانی که کشیده‌اند به گمان من برای حل مشکلات بزرگی که در این اداره موجود بود، مدیریت شان قوت کافی نداشت.

آیا تغییر مدیریت‌ها، در واکنش به این انتقادات بود؟  
در اینجا مسأله‌ای مطرح می‌شود که من به تلوخ آن را در طول سال‌های قبل مورد اشاره قرار داده‌ام. مدیران کل با حکم آقای وزیر منصوب می‌شوند و طبیعتاً باید با نظر وزیر و معاون مربوط تغییر و تبدیلی در آنها صورت بگیرد. ما در اینجا با آقای وزیر اتفاق نظر نداشتیم و همین مسأله باعث شد تا یک تاخیر یک و نیم ساله از زمانی که من اولین نامه را برای تغییر مدیر اداره کتاب فرستادم. تا تغییر وی ایجاد شود. دلیل این درخواست این بود که باید نظارت قبل از چاپ به شکل دقیق‌تری صورت گیرد. نظارت قبل از چاپ یکی از اصول پذیرفته‌مست و کسانی که قبل از من نیز در این منصب بودند - با آن که ممکن است اعتقاد قلبی به این کار نداشته باشند - موظف به عمل به آن بودند. من قلباً هم به این نظارت اعتقاد دارم چرا که دلم برای فرهنگ این مملکت می‌سوزد و به اعتقاد من نبود نظارت قبل از چاپ، به فرهنگ مالمطمه می‌زند اما بحث دیگری با عنوان چگونگی مدیریت نظارت قبل از چاپ مطرح است. ما در این زمینه ضعف‌هایی داشتیم و نمی‌توانیم و نباید آن را انکار کنیم. سعی و تلاش ما این بوده که این ضعف‌ها را رفع کنیم اما تا امروز هم موفق به این کار نشده‌ایم. چند ماه پیش از انتخابات، با تغییری که در اداره کتاب اتفاق افتاد، بخشی از این ضعف‌ها در حال کم شدن بود. من دیده‌ام که مترجم یا مولفی از خلاقی که در نوشته‌اش بوده، با خبر نبوده. وقتی با او صحبت می‌کنید، می‌توانید در همین تعامل مسأله را حل کنید و قانع شدن نویسنده در حوزه فرهنگ یک اصل به شمار می‌آید. ما نمی‌توانیم بگوییم که ما کاری نداریم و هر چه که می‌خواهد بشود. ما با یک آدم فرهنگی طرفیم و باید سعی کنیم در یک تعامل مثبت، فضای ذهنی‌اش را درست کنیم. خیلی از آدم‌ها هستند که سالمند و معاندت هم ندارند. باید با ضوابط و قوانین با یکدیگر صحبت کنیم و نتیجه‌ای را که حاصل می‌شود، عرضه کنیم. اگر ما ضعف مدیریت

برای «مجوز نگرفته‌ها» باز می‌کنی، با صد درصد افراد ناراضی حرف می‌زنی. آیا این موضعی بیطرف است؟ در آن سال گمان می‌کنم که ۱۵۰ عنوان کتاب مجوز نگرفته بودند. شما عین این ۱۵۰ عنوان را شناسایی و با نویسندگانش مصاحبه می‌کنی. حال چرا با آنانی که مجوز گرفته‌اند، مصاحبه نمی‌کنی؟ اینها خطاهایی‌اند که نمی‌توان آنها ساده از کنار آن گذشت.

از سویی، من به عنوان مدیر ارشد مجموعه، در نگاهی کلان و به عنوان اولین سوالم از مدیر اداره کتابم، می‌پرسم که در سال ۸۳ چند عنوان کتاب مجوز نگرفته‌اند؟ مقایسه این رقم با آنچه او می‌گوید، نشان می‌دهد که آیا فاجعه‌ای اتفاق افتاده است یا خیر. ممکن است این رقم پنج درصد اختلاف داشته است که بالغ تا ۱۰ جلد است.

خبرهایی هم منتشر می‌شدند مبنی بر این که برخی نویسندگان از انگیزه نداشتن خود برای ارائه کتاب به وزارت فرهنگ و ارشاد خبر می‌دادند. آنها می‌گفتند که کتابشان به دلیل مسائل سلیقه‌ای مجوز دریافت نمی‌کند... سعی شد در این حوزه بزرگنمایی انجام شود. وقتی ما به زمان انتخابات نزدیک می‌شدیم، این مسائل بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفتند. مثلاً ناشری که قرار بود ۱۳ عنوان کتابش مورد تجدید نظر قرار گیرند و به رسانه‌ها دسترسی داشت، یک فضای تبلیغاتی ایجاد کرد که بحث آن حتی به فضای مناظرات انتخاباتی هم کشیده شد. این مسأله در حالی رخ داد که حجم کتاب‌هایی که در حال گرفتن مجوزند خیلی بیشتر از اینهاست. با این حال من معتقدم که اگر یک کتاب هم بدون دلیل و به ناحق مجوز نگیرد، ما مسوولیت داریم چون حق یک آدم ضایع شده است. ما در عین داشتن نگاه جزئی، باید نگاهی کلان هم داشته باشیم. هیچ فاجعه‌ای از لحاظ دادن مجوز در طول این سال‌ها اتفاق نیفتاده است. در آن سال‌ها، یک رویه غلط در صدور ارائه مجوز نشر کتاب ایجاد شده بود که ما سعی داشتیم آن را برطرف کنیم و طبیعتاً یک سری از آدم‌ها عکس‌العمل نشان می‌دادند. اما بیان این نکته به این معنا نیست که وضعی در اداره کتاب نبوده است. هرگز چنین چیزی نیست و من هیچ وقت مدعی چنین چیزی نشده‌ام. دلپیش این است که من منتقد اداره کتاب در درون سیستم بوده‌ام و بارها این انتقاد را به

هفته گذشته به مناسبت فرارسیدن هفته دولت، بخش نخست گفت و گو با محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر ارشاد در دولت نهم در کتاب هفته منتشر شد. در بخش نخست این گفت و گو چند موضوع به عنوان محور بحث مطرح شد که در رأس آنها می‌توان به سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به طور اخص معاونت فرهنگی در اجرای کردن اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد. دکتر پرویز در پاسخ به این سوال، به اقتصادی بودن این اصل اشاره کرد و گفت از آنجا که سوددهی و بازدهی اقتصادی در امور فرهنگی مصداق چندانی ندارد، نمی‌توان به کارکردی کردن اصل ۴۴ در این بخش چندان اندیشید. در ادامه همین بحث، انتقاد انجمن ناشران تهران مطرح شد که ادعا داشتند در دوره هفدهم و هجدهم نمایشگاه کتاب تهران، امور اجرایی را به عهده داشته‌اند، اما با حضور دولت نهم، دیگر مجری نبوده‌اند. معاون فرهنگی وزیر ارشاد در این مورد به غیر قانونی بودن فعالیت‌های اقتصادی توسط انجمن‌های صنفی اشاره کرد و از تشکیل یک تعاونی گفت که برای قانونی شدن این کار تاسیس شده بود. وی سپس از حضور انجمن ناشران ایران گفت که به جای انجمن ناشران کتاب تهران در نمایشگاه حضور داشته است. علاوه بر صحبت‌هایی که در مورد توزیع کتاب و تاثیر آن بر اقتصاد نشر در این بخش از گفت و گو مطرح شد، تعداد عناوین کتاب‌های منتشره نیز مورد سوال قرار گرفت. دکتر پرویز در پاسخ به این پرسش که چرا نیمی از کتب منتشره، کتاب‌های تجدید چاپ‌اند این مسأله را طبیعی ارزیابی کرد و گفت که پیش از این نیز چنین بوده است. وی همچنین تجدید چاپ کتاب‌های ارزشمند را کمک به صنعت چاپ عنوان کرد و گفت که در هر دو عرصه کتاب‌های چاپ اول و تجدید چاپ باید سیاستگذاری متناسب صورت گیرد. دکتر پرویز همچنین به ناشران اشاره و تاکید کرد که ناشران خود اقدام به انتشار کتاب‌های مورد نظرشان می‌کنند و وزارت ارشاد در این عرصه دخالتی ندارد. وی در ادامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به عنوان بخشی از دولت، به عنوان مجری (و نه سیاستگذار) مطرح کرد. در بخش دوم این گفت و گو نیز که در ادامه خواهید خواند، دو مسأله میزبانی کتاب و جوایز ادبی مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

یکی از رسانه‌ها مثلاً از عدم صدور مجوز کتابی به مدت شش ماه خبر داده بود؛ حال آن که ناشر، آن کتاب را فقط یک ماه و نیم به اداره کتاب تحویل داده بود...

بله. اصل ماجرا برای خراب کردن مجموعه بود. مثلاً در یکی از نمایشگاه‌ها، یک خبرگزاری با ۲۰، ۳۰ ناشر مصاحبه کرده بود که منتقد بودند. آن وقت شما وقتی این تعداد مصاحبه و خبر را کنار هم می‌گذاشتید، می‌دیدید که صد درصد افراد معتقدند که فروش خوب نیست، وضعیت رفاهی نامناسب است، بازدید کننده کم است و... اما اگر شما از گروه‌های مختلف گزینش می‌کردی، می‌دیدید که ناراضی ۱۰ تا ۱۵ درصد است. این خبرگزاری همه مصاحبه‌هایش را با آن طیف ناراضی انجام داده است. شما وقتی صفحه‌ای را

نمایشگاه خبر داده بود، حال آن که ما این کتاب را حذف کرده بودیم. در آن شرایط مانیازی به توضیح ندادیم، چرا که به نظرمان این نویسنده، دید عمیقی به ماجرا نداشت. ما با کتاب هایی که بیانگر اندیشه های سالم باشند مخالفتی نداریم. در مواردی جزئی هم برخی از کتاب ها با آنکه مجوز دریافت می کنند، نمی توانند از پارانه های نمایشگاه بهره ببرند. این موارد بسیار بسیار اندک و جزئی اند و شاید ۱۰ یا ۲۰ جلد کتاب را شامل می شود. باید پذیرفت که فضای نشر خوشبختانه بهتر شده است.

**به هر حال این کتاب ها مجوز انتشار دارند...**

در حوزه کتاب های منتشر شده در داخل کشور، چند مورد متفاوت ثبت شده است، اما اجازه بدهید پیش از ذکر این موارد به نکته مهمی اشاره کنم. ای کاش پیشینیان و گذشتگان ما، خود را مقید به برخورد با متخلفان می دانستند. آنها حتی می توانستند به گونه ای برخورد کنند که اشتباهات این متخلفان برای برخورد بعدی، ثبت شود. یعنی تخلفات را نمی پوشانند تا این درد سرها برای دوره های بعد به یادگار نمی ماندند.

**مثلاً؟**

یکی از تخلفات این است که کتابی در گذشته مجوز داشته، اما به دلایلی مجوز آن لغو شده ولی در نمایشگاه ارائه شده است. یعنی ناشر به اعتبار همان مجوز قبلی، کتاب را منتشر و روانه بازار کتاب کرده است. آثاری که درباره عرفان های سرخپوستی، هندی و اعتقادات باطلی که صراحتاً در موارد ممنوعیت قرار می گیرند، از جمله این آثارند. این آثار در دوره ای از غفلت اداره کتاب، سوءاستفاده کرده و منتشر شده اند. اما در پی تذکراتی که نهادهای نظارتی داده اند و با مصوبه ای که صورت گرفته، این آثار دیگر مجوز انتشار نداشته اند، اما برخی با همان تاریخ گذشته، کتاب را چاپ و در نمایشگاه ارائه می کنند. به همه ناشرانی که رفتاری این گونه دارند، تذکر داده شده که آثار غیرمجاز خود را در نمایشگاه شرکت ندهند، اما بسیاری از آنها به هر حال تخلف می کنند. بخش اعظم تخلفات به همین مورد مربوط می شود. البته گاهی موارد دیگری هم اتفاق می افتد. به عنوان نمونه برخی از کتاب ها که ممکن است خلاف ضوابط هم نباشند، به نظر ما نمی توانند از پارانه حضور در نمایشگاه بهره مند شوند. ما نمی توانیم به این آثار مجوز انتشار ندهیم. اما با حضور آنها در نمایشگاه نیز موافق نیستیم، البته تعداد این کتاب ها بسیار جزئی و اندکند.

**یکی دیگر از دلایلی که گفته می شود انتشار کتاب های ارزشمند در طول چند سال گذشته کاهش داشته، برگزار نشدن چند جایزه ادبی است. برخی از این جایزه ها اعلام کردند که چون کتاب کافی برای داوری وجود نداشته، جایزه شان را برگزار نمی کنند. نظر شما در این مورد چیست؟**

به نظر من رفتاری از این دست، جفا در حق مولفان و مترجمان است. این جایزه ها به دلایلی دیگر برگزار نشده اند اما عدم برپایی خود را نبودن تعداد کافی کتاب برای داوری عنوان کرده اند. در حالی که آمار و ارقام کتاب های منتشر شده مسأله ای دیگر را نشان می دهد. مثلاً در یکی از این بیانیه ها دیدم که نوشته بودند، در میان ۱۹ کتاب داستانی که منتشر شده، هیچ یک شایسته انتخاب شناخته نشده اند. حس من این بود که اساساً شرایط جایزه دادن این جوایز دارای ایراد است، چرا که به جای ۲۰۰۰ عنوان کتاب تنها به ۱۹ کتاب دسترسی پیدا کرده اند یا آن که می خواهند تنها کتاب های خاصی را در دایره داوری ببینند که این هم محل اشکال است. از سویی، ممکن است آنها برای خراب کردن جو جامعه، دست به شیطنت هم بزنند و با این کار ادعا کنند که تعداد کتاب منتشر شده بسیار کم است. یکی از اتفاق های خوبی که در دولت نهم افتاده، این است که ارائه اطلاعات مرتبط با کتاب بسیار آسان شده.

چون خود من به سایت ها و خبرگزاری های مرتبط به کتاب سر می زنم، این نکته را با قاطعیت می گویم. هیچ چیز مخفیانه و سری ای در اینجا وجود ندارد. شما می توانید به سایت اطلاع رسانی خانه کتاب مراجعه کنید و آخرین اخبار مرتبط با کتاب را دریافت کنید، در حالی که در گذشته چنین نبود و حتی اطلاعات عام کتاب هم در اختیار مسوولان و گروه های خاص قرار داشت و افراد نمی توانستند این اطلاعات را به صورت آنلاین ببینند. ارائه این اطلاعات، چیز مهمی نیست. چند کتاب در روز منتشر و اطلاعات آنها در سایت ارائه می شوند. این اصلاً چیزی نیست که بخواهیم در آن دست ببریم تا شائبه ایجاد شود که آمار دولتی و غیردولتی دارای اختلافند. بخش خصوصی، اطلاعاتی در این زمینه ندارد و هر آنچه منتشر می شود، آمار خانه کتاب است و این آمار هم به طور دقیق در اختیار همه قرار می گیرد. حتی کاربری که در دورترین نقطه جهان نشسته، می تواند با یک کلیک این اطلاعات را دریافت کند. همین آمار نشان می دهد که در طول چهار سال گذشته، ما با کاهش تعداد عناوین کتاب روبه رو نبوده ایم و ادعای کم شدن تعداد عناوین کتاب، یک دروغ بزرگ است. بله، ممکن است یک سری از افراد خاص نتوانسته اند هر چه را که می خواهند منتشر کنند اما این دلیل نمی شود که تعداد عناوین کم شده باشد. برخی از این افراد شبیه کبکی اند که سرشان را در برف کرده اند و اطراف رانمی بینند و خیال می کنند دیگران هم شبیه آنها هستند. مثلاً گمان می کنند چون تعداد کتاب هایی که خود منتشر کرده اند کم شده، تعداد عناوین به طور کلی کاهش یافته است! البته باید این نکته را هم داخل پراکنش اضافه کنم که در این دوره محمل هایی برای کاهش تعداد عناوین کتاب به طور طبیعی فراهم شده بود و اگر تعداد کتاب کاهش نیافته، یعنی رشد داشته است. ما پارانه کاغذ را که مستقیماً به کتاب تعلق می گرفت، جابه جا کردیم و حجم این پارانه هم کم شد. یعنی بدون آن که مادخالتی داشته باشیم، بودجه معاونت فرهنگی ۴۳ درصد کاهش یافت. اما با وجود جابه جا شدن پارانه کتاب، تعداد عناوین کتاب کاهش نیافت.

برخی از آن جوایزی که شما به آن اشاره دارید، از سوی مراکزی مورد حمایت قرار می گرفتند که در شرایط فعلی ممکن است آن حمایت ها وجود نداشته یا کم رنگ شده باشند. ممکن است این جوایز با بعضی جاها اتصالاتی داشته و ممکن است این اتصالات قطع شده باشند. البته من در مورد همه این جوایز حرف نمی زنم و عبارت «ممکن است» را به این دلیل به کار می برم که در حال صحبت کردن به طور عام هستم و گرنه ما در مورد برخی از این جوایز می دانیم که مسأله دقیقاً به همین صورت بوده است. این جوایز به دلیل قطع یا کم رنگ شدن این ارتباط ها احتمالاً کارکرد خود را از دست داده بودند و دیگر نخواهند توانست برگزار کنند از همین روست که ارتباط دادن این موضوع به کاهش تعداد عناوین کتاب و مسائلی از این دست، کار درستی نیست.

## روند و شکل کار در جوایز ادبی فرقی با هم ندارند مگر این که این ادعا مطرح شود که فلان مقام دولتی در جایزه ای دخالت کند. اگر کسی حتی یک مورد از این تخلفات را در دوره مسوولیت بنده سراغ دارد، آن را گزارش کند و جایزه بگیرد

**انتقاداتی هم در مورد جوایز ادبی مطرح شده است. مثلاً می گفتند که شأن شخصیت های ادبی حفظ نشده و حتی ردیف های اول مراسم پایانی جایزه جلال آل احمد پر نشده است. از دعوت نشدن سیمین دانشور به این جایزه انتقاد شد یا انتقاداتی راجع به جایزه پروین اعتصامی مطرح بود...**

من پیش تر هم این نکته را مطرح کرده ام که تفکیک جوایز ادبی به دو بخش دولتی و غیردولتی درست نیست. چرا که داوران این جوایز کارشناسان و اهل فرهنگند. این داوران هم می توانند در همه جایزه ها داوری کنند، چرا که آنها از میان هیأت علمی دانشگاه و دیگر مراکز علمی برخاسته اند و حقوق خود را از این مراکز دریافت می کنند. روند و شکل کار نیز در جوایز ادبی فرقی با هم ندارند مگر این که این ادعا مطرح شود که فلان مقام دولتی در جایزه ای دخالت کند و از داوران بخواهد که فلان کتاب یا نویسنده برگزیده معرفی یا فلان کتاب نباید انتخاب شود. اگر کسی حتی یک مورد از این تخلفات را در دوره مسئولیت بنده سراغ دارد، آن را گزارش کند و جایزه بگیرد. این مسائل الان به دلیل اغراض سیاسی طرح می شوند. آدم هایی که می خواهند همه چیز را به رنگ سیاست ببینند، خود به طرح مسائلی از این دست می پردازند یا دیگرانی را تحریک می کنند که این موارد را مطرح کنند. ما در جوایزی که برگزار شده، هرگز نگاه یک مقام دولتی را دخالت نداده ایم. داوران در این جوایز جلسات منظم خود را برگزار و اقدام به انتخاب کتابی کرده یا کتابی را انتخاب نکرده اند. مثلاً در مورد یکی از مسابقه های کتاب فصل به خاطر می آورم که دو گروه داوری بر سر مسأله ای اختلاف نظر داشتند. یکی از گروه ها مسأله را با من در میان گذاشت اما من در آن مسأله دخالت نکردم و با آن که خودم هم کارشناس آن حوزه بودم، خواستم که خود به حل اختلاف نظرشان بپردازند.

خارج از مسائلی که طرح کردم، جایزه ای به اسم جایزه دولتی و غیردولتی هم معنایی ندارد. کتاب هایی توسط مردم منتشر شده و داورانی برخاسته از مردم و اهل فرهنگ، این آثار را داوری می کنند و ساز و کار داوری هم مشخص است. به گمان بنده باید جوایز را به دو دسته ایرانی و غیرایرانی تقسیم کنیم؛ به برخی دستور داده می شود که چطور قضاوت کنند. در برخی موارد هم با تامین پول و اعتبار در آن جایزه ها دخالت می شود تا برگزیدگان خود را از نوع خاصی انتخاب کنند. ما این جوایز را غیر ایرانی می دانیم. البته برخی از جوایز هم با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی، توسط ناشران و مولفان و بدون حب و بغض برپا می شوند و مستقل اند. ما این جوایز را هم ایرانی می دانیم.

اما در مورد دو جایزه ای که نام بردید. جایزه پروین اعتصامی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است و ضوابط و حدود آن را این شورا، تعیین و تصویب کرده است. این که جایزه پروین اعتصامی به صورت دوساله برگزار شده، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. ما تنها اجراکننده این مصوبات هستیم. نکته ای که گاهی مورد غفلت قرار می گیرد این است که جایزه پروین اعتصامی در مورد کارهای خود ایشان نیست، بلکه برای بزرگداشت اوست. جایزه جلال آل احمد نیز به منظور مشابهی برگزار می شود. این جایزه به نام جلال و برای زنده نگه داشتن نام او برپا می شود، در نتیجه مسائل حاشیه ای در این میان جایی ندارد. مثلاً مواردی که درباره خانواده و بستگان این چهره ها عنوان می شود، جایی در صورت مسأله ندارد. اجازه دهید در مورد خانم سیمین دانشور نکته ای را عرض کنم. چون شما به طور مشخص از ایشان نام بردید. خانم دانشور، به شأنیت خودشان، یکی از نویسندگان صاحب نام در حوزه ادبیات داستانی ماست. من تعجب می کنم که برخی با این همه

سابقه و شأنی که ایشان دارد، به او اهانت می کنند. البته ایشان به دلیل کهولت سن، احتمالاً توان پاسخ دادن به این اهانت ها را ندارد و از همین رو این اهانت ها در حال تکرارند. برخی می خواهند اعتبار و شأنیت خانم دانشور را در سایه مرحوم جلال آل احمد قرار دهند، در صورتی که اعتبار ایشان غیرقابل انکار است. خانم دانشور یکی از داستان نویسسان مطرح و معتبر ماست و رمان «سووشون» یکی از رمان های پیشرو در عرصه ادبیات داستانی ما به حساب می آید. اصرار برخی با هدف زیر سایه بردن ایشان، برای ما جای سوال دارد. اصلاً خانم دانشور چه نیازی دارد که به واسطه شوهرش مطرح شود؟ در مورد جایزه جلال نیز، به دلیل ملی بودن شخصیت آل احمد از همه نویسندگان و اهل فرهنگ دعوت شد تا در این مراسم حضور یابند. من حضور ذهن ندارم که خانم دانشور هم به طور اخص دعوت شد یا نه. یعنی به خاطر ندارم که ایشان هنگام برگزاری جایزه جلال دارای آن درجه از سلامت جسمانی بودند که ما از وی دعوت کنیم یا نه. ایشان بعد از مشکلاتی که برایشان پیش آمد دارای سلامت نسبی اند و به نظرم توان حضور در چنین مراسمی را ندارند.

اما در مورد کثرت یا قلت افرادی که در جلسه حضور یافتند... به نظر من این نکات از حواشی ماجراست و عجیب است که برخی به آن می پردازند. یعنی وقتی چیزی برای انتقاد پیدا نمی کنند به این مسائل حاشیه ای می پردازند. پرکردن صوری سالن که کار دشواری نیست. ما هیچ وقت از این کارها نکرده ایم و نمی کنیم و توصیه مان همیشه به همکاران این است که کارهایی اینچنینی انجام ندهند. اینکه برخی عنوان می کنند که تنها دو یا سه ردیف اول مراسم جلال و پروین پر شده بود، جفا به این دو جایزه فرهنگی است. تا آنجایی که من به خاطر دارم، دست کم دو سوم سالن در یکی از جایزه ها و نیمی از سالن در جایزه ای دیگر پر شده بود. من این نکته را از آنجا می گویم که خودم به عنوان جایزه دهنده روی سن بودم و دیدم چه تعداد افراد در سالن حضور دارند.

**به عنوان آخرین سوال، می خواستم نظرتان را در مورد خبرگزاری کتاب «ایبنا» بپرسم که در زمان شما شکل گرفت؟ و این که نقش نشریه کتاب هفته را در طول این چهار سال چطور دیدید؟**

هدف اصلی خانه کتاب، اطلاع رسانی در این عرصه است و خبرگزاری کتاب به عنوان یکی از زیرمجموعه های این مجموعه، روندی روبه رشد داشته است. اگر کسی منصفانه و از بیرون به خبرگزاری کتاب نگاه کند، می بیند که ما به جز سیاست های کلان نظام، هیچ توصیه ای به این دوستان نکرده ایم و دست همکاران در آنجا باز بوده و هست که برنامه های خود را تنظیم کنند و به نظر من به شکل نسبی موفق بوده است. خبرگزاری کتاب، کاری نو بود. وقتی شما به خبرگزاری های دیگر مراجعه می کنید، بخشی از جذابیت به اخبار سیاسی و اجتماعی آنهاست. اما اینا این مسائل را ندارد. مراجعه کنندگان به این خبرگزاری فقط برای مسائل فرهنگی و کتاب به آن مراجعه می کنند. زیاد شدن مراجعات نشان از توفیق نسبی این خبرگزاری دارد. تمام بازدید کنندگان خارجی ای که از این خبرگزاری بازدید کرده اند، از کار خوششان آمده و این اتفاق را به عنوان تجربه ای نو تایید می کنند.

**و در مورد کتاب هفته؟**

گاهی دیده ام که انتقادات خیلی بی موردی مطرح می شود و مقایسه هایی نسبت به گذشته صورت می گیرد مثلاً، گذشته به شکل غلو آمیزی تمجید می شود و امروز با بی انصافی نقد می شود. باید بگویم که روند اطلاع رسانی کتاب هفته همچنان برقرار است و البته مثل هر کار و جای دیگریافت و خیزهایی داشته اما جهت گیری کلان این نشریه مثبت و خوب بوده است.



# کتابخانه‌های مراکز دولتی در انتظار فصل رونق

تولید نشود. مابا کمبود منابع تخصصی در کتابخانه‌ها درباره رویکردهای تازه بخش کشاورزی و دامداری و صنایع وابسته به آن مواجهیم. جای خوشبختی است که به همت بخش‌های خصوصی و دولتی، این رویکردهای تازه مثلاً در استفاده از تکنولوژی‌های نانو و شبیه‌سازی برای تولید بیشتر یا تولید، تکثیر و پرورش انواع طیور و دام ایجاد شده است اما هنوز خود کارشناسان جهاد متکی به منابع علمی‌ای هستند که در اینترنت و به زبان اصلی وجود دارد. به نظر من لازم است تولید کتاب‌های تخصصی برای نهادهای کردن کشاورزی مدرن به جای کشاورزی سنتی، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.»

به اعتقاد این کارشناس طیور بومی، باید مطالعه تخصصی را ترویج کرد چون نمی‌توان از کسی که تمام فکر و ذهنش در حوزه‌ای تخصصی مثل کشاورزی غوطه می‌خورد، انتظار داشت که رمان، فلسفه و تاریخ بخواند.

## کار دشوار و کار دشوارتر

معمولاً در شهری مثل تهران با جمعیت حدود ۲۰ میلیون نفری اش، پیدا کردن یک تخت خالی در بیمارستان کار دشواری است. از آن دشوارتر پیدا کردن بیماری است که روی تخت بیمارستان دوران نقاهت را با خواندن کتاب سپری می‌کند. این موضوع البته در بیمارستان‌ها ترویج هم نمی‌شود. گویا هنوز این مساله که کتاب درمانی شیوه‌ای موثر برای آرامش بخشیدن به بیمار است، به یک باور عمومی تبدیل نشده است. محمودی، پرستار بیمارستان یک بانک دولتی معتقد است. وی در این باره می‌گوید: «کتابخانه بیمارستان از سطح علمی و تخصصی بیمارستان ضعیف‌تر است و نمی‌تواند پاسخگوی نیاز علمی کادر پزشکی‌ای باشد که به مطالعه علاقه‌مندند. اگرچه کارمندان بانک که بیشترین بهره‌برداران بیمارستان محسوب می‌شوند، از کتابخانه هم استفاده می‌کنند اما من هنوز مجاب نشده‌ام که وجود یک کتابخانه در حیاط بیمارستان توانسته است به کتابخوان شدن پرسنل و وابستگان آنها منجر شود.»

در این بیمارستان دولتی، کارکنان بانک از یارانه‌های درمانی کاملی برخوردار می‌شوند همچنین حسینی، یکی از بازنشستگان این موسسه دولتی، از پرداخت یارانه‌هایی برای خرید لباس، مایحتاج عمومی و مواد غذایی، استفاده از امکانات ورزشی و یارانه‌های سفر خبر می‌دهد و می‌گوید: «در این بین، یارانه‌های فرهنگی چندان قوی نیستند و کتاب و مطالعه که می‌تواند به ارتقای سطح فرهنگ و بینش طبقه متوسط کارمندی منجر شود، کاملاً یک امر جانبی و فرعی تلقی شده است.»

## تبدیل کتابخوانی به یک عادت حرفه‌ای

البته موسسات و سازمان‌های دولتی، سیاست‌های تشویقی برای توسعه فرهنگ مطالعه در دستور کار خود دارند. برگزاری مسابقات کتابخوانی در مناسبت‌های مختلف مذهبی و ملی و برگزاری نمایشگاه‌های کتاب درون سازمانی، بخشی از این فعالیت‌هاست. اما نباید فراموش کرد که بدنه بزرگ دولت چند ده میلیون نفر ایرانی را به طور مستقیم زیر پوشش خود دارد و بدیهی است که می‌تواند برای تبدیل کتابخوانی به یک عادت حرفه‌ای، بیش از این موثر باشد.

از سوی دیگر، بسیاری از سازمان‌های بزرگ انتشاراتی، سازمان‌های دولتی اند که می‌توانند در مناسبت‌های بین‌بخشی تمهیداتی را برای استفاده کارکنان دولت از تولیدات خود به صورت یارانه‌ای فراهم کنند. شاید این موضوع هم اکنون به عنایت بیشتر دولت جدید نیاز دارد.



نیز نتوانسته‌اند در جذب دانش‌آموزان و توسعه فرهنگ کتابخوانی موثر واقع شوند. علت این است که معلمان به دلیل مشکلات حاد معیشتی، فراغت خود را با گرفتن ساعات کاری حق التدریس یا اشتغال در مدارس غیرانتفاعی و موسسات خصوصی آموزشی پر کرده‌اند و حتی به مشاغل دیگری نیز روی آورده‌اند!

به نظر این معلم تهرانی، زمانی می‌توان فرهنگ مطالعه و کتابخوانی را در نهاد بزرگی مثل آموزش و پرورش نهادینه کرد که دغدغه‌های معیشتی کمرنگ‌تر و دغدغه‌های حرفه‌ای و رقابتی بیشتر شود.

**کتاب‌های تخصصی و بومی سازی دانش نو**  
وزارتخانه جهاد کشاورزی، بخشی از ارائه خدمات خود را در یکی از ساختمان‌های خیابان طالقانی تهران مستقر کرده است. این وزارتخانه مسوولیت‌های ترویجی و آموزشی، بازرگانی و تولیدی را همزمان انجام می‌دهد. برای آموزش کشاورزان و دامداران، کتابچه‌هایی را منتشر می‌کند و به گفته کارمندان آن، امکاناتی مهیا شده تا نتایج تحقیقات کارشناسان آن به صورت کتاب منتشر شود. با عبور از اتاق‌های ساختمان وزارتخانه می‌توان کتابخانه‌های کوچکی را در هر اتاق دید که با توجه به نوع فعالیت اختصاصی‌ای که در آن اتاق انجام می‌شود، کتاب‌های خاصی در آنها قرار دارد. این مرکز همچنین کتابخانه‌ای دارد که به دانشجویان رشته‌های مرتبط، پژوهشگران و مولدان حوزه کشاورزی و دامداری خدمات ارائه می‌دهد. با این حال، یکی از کارشناسان این نهاد در گفت‌وگو با کتاب هفته اعلام می‌کند: «متأسفانه ما هنوز در حوزه تخصصی با مشکلات زیادی از نظر منابع علمی و معتبر و کتاب‌های راهنما مواجهیم. البته از آنجا که همچنان کشاورزی و دامداری در کشور به صورت صنعتی انجام می‌شود، طبیعی است که صنایع جدیدی

سازمان می‌گوید: «در سازمان، کتابخانه بسیار بزرگی وجود دارد که کتاب‌های تخصصی، پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های پژوهشی اعضای سازمان و مجموعه‌ای از کتاب‌های عمومی در آن قرار دارد. این کتابخانه به امکانات IT مجهز است و بر اساس نظام دیویدی خدمات کتابداری ارائه می‌کند و مجموعه فعالیت خوبی دارد، اما این که با توجه به حجم بالای اعضای سازمان که شامل کارکنان ستادی و معلمان مدارس در مناطق ۲۲گانه تهران می‌شود، آیا استقبال خوبی هم از این کتابخانه می‌شود یا خیر، موضوعی است که نیازمند بررسی دقیق‌تر است.»

یکی دیگر از کارکنان این سازمان می‌گوید: «حجم کارهای ستادی در آموزش و پرورش بسیار بالاست. مراجعه‌کنندگان این سازمان، هم عموم شهروندانند که به نوعی با نظام آموزشی ارتباط دارند و هم کارکنان خود این نظام آموزشی که با سازمان ارتباط دارند و هم مناطق آموزش و پرورش. در مورد خودم می‌توانم بگویم که فشار کار فرساینده به حدی است که من سال‌هاست از کتابخوانی جدا شده‌ام. ما کم‌کم به آدم‌هایی تبدیل شده‌ایم که بخشنامه می‌خوانیم، گاهی نشریه «نگاه» را که مربوط به فعالیت‌های آموزش و پرورش است، تورق کنیم، اما من یکی، هرگز طرف کتابخانه نرفته‌ام. البته هر یک از ما در اتاق کار خود مجموعه‌ای از کتاب‌های تخصصی را داریم، به طور مثال مجموعه قوانین و مقررات یا آیین‌نامه‌های آموزش و پرورش اما به اعتقاد من، مطالعه واقعی باید جهت‌دار و هدفمند باشد اما از این کتاب‌ها معمولاً برای تفسیر بخشنامه‌ها استفاده می‌کنیم.»

## دغدغه‌های حرفه‌ای

### کمرنگ‌تر از دغدغه‌های معیشتی

ابراهیم نقدی، دبیر ریاضیات یکی از مدارس تهران است، او برای انجام یک کار اداری به سازمان آموزش و پرورش شهر تهران آمده است و در فرصتی که تا آماده شدن درخواست او پیش آمده، سری به کتابخانه این اداره می‌زند. با او درباره تاثیر وجود کتابخانه در سازمان صحبت می‌کنم. نقدی معتقد است: «در تعریف شغل معلمی برعکس سایر مشاغل ۲۴ ساعت کار در هفته در نظر گرفته شده است چون اعتقاد قانون‌گذار بر این بوده است که معلم باید فرصت مطالعه، پژوهش و به روزرسانی اطلاعات و دانش خود را داشته باشد. به همین دلیل تصور بر این است که در نهاد آموزش و پرورش کتابخانه باید جایگاه مهمی داشته باشد اما متأسفانه با وجود کتابخانه‌هایی که در مناطق آموزش و پرورش فعال است، استقبال درخوری وجود ندارد. به تبع آن کتابخانه‌های مدارس

در کشوری زندگی می‌کنیم که نهادهای دولتی از نظر میزان ایجاد اشتغال و به کارگیری شهروندان در سمت‌های خدماتی و جمعیتی، که وابسته یا عضو یک سازمان دولتی‌اند، سهم عمده‌ای دارند. در واقع، بسیاری از افراد جامعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با سازمان‌های دولتی یک خانواده بسیار بزرگ چند میلیونی را تشکیل می‌دهند. طبیعی است در چنین جامعه‌ای، دولت تاثیرگذارترین عامل در تربیت اخلاقی و فرهنگی جامعه باشد. اوست که می‌تواند با جهت‌دهی خدماتی که به زیرمجموعه‌اش ارائه می‌دهد، آنها را در مسیر خاصی هدایت و تربیت کند. بجاست در هفته دولت، به تشریح اقدامات سازمان‌های دولتی برای توسعه فرهنگ کتابخوانی در میان اعضای خانواده بزرگ دولت بپردازیم که می‌تواند کوچک‌ترین عضو این خانواده را در دورترین نقطه که پشت کوچک‌ترین میز یک اداره نشسته است و با این رشته طولانی به خانواده دولت مرتبط است، دربرگیرد.

این موضوع، از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که دولت با حجم بزرگ وابستگانش می‌تواند فرهنگ کتابخوانی را در جامعه نهادینه کند. ضمن آن که بخش بزرگی از بدنه عمومی دولت خدمات فرهنگی ارائه می‌کند و لاجرم خود باید به نشانه‌های فرهنگی متصل باشد.

## جای خالی کتاب

### در بسته خدماتی دولت به کارکنان

این پرسش وجود دارد که چه کسانی را باید به مطالعه دعوت کرد؟ آیا برای تربیت یک نسل کتابخوان باید با به سن گذاشته‌ها را به کتاب خواندن تشویق کرد یا باید سراغ آنانی رفت که تازه در آستانه توانایی خواندن قرار دارند؟ سازمان‌های دولتی با همه رده‌های سنی ارتباط دارند؛ کارشناسان خود، اعضای خانواده ایشان و بازنشستگان سازمان متبوع. در تمامی سازمان‌ها برنامه‌های رفاهی برای وابستگان دولتی وجود دارد و شامل خدماتی است که به بازنشستگان، کودکان و خانواده کارکنان و کارکنان ارائه می‌شود. می‌توان در فهرست این خدمات شرح مفصلی از امکانات درمانی، تفریحی و گردشگری، ورزشی و... را دید اما به ندرت در بسته خدمات سازمان‌های دولتی، کتاب جای باز کرده است.

در این گزارش، سراغ سه نهاد بزرگ دولتی رفته‌ایم و از کارکنان آنها خواسته‌ایم تا امکانات کتابخوانی سازمان متبوع خود را تشریح کنند. سری هم به کتابخانه آنها زده‌ایم. سازمان آموزش و پرورش شهر تهران که جزئی از حجیم‌ترین دستگاه دولتی محسوب می‌شود، وزارتخانه جهاد کشاورزی که خدماتش به دورترین روستاهای کشور ارائه می‌شود و بیمارستان‌های دولتی که فضای ساکت و آرام بخش‌های بستری آن رنگ و بویی از کتابخانه دارد؛ کتابخانه‌ای که در آن کمتر کسی کتاب می‌خواند.

## عالمی را که گفت باشد و بس...

آموزش و پرورش نهادی است که بیشترین سروکار را با کتاب و کتابخوانی دارد. نخستین بنیان‌های فرهنگ مطالعه در این نهاد دولتی پایه‌گذاری و جامعه کتابخوان از بطن یک نظام آموزشی متولد می‌شود که خود برای کتاب خواندن قاعده و رسمی تعطیل‌ناپذیر داشته باشد. این نهاد بیشترین کارکنان دولتی را دارد و معلمی که کتاب نمی‌خواند، هر چه به دانش‌آموزان تاکید کند که کتاب بخوانید، حکم این بیت سعدی را دارد که می‌گوید: «عالمی را که گفت باشد و بس/هر چه گوید نگیرد اندر کس»

قربانی، یکی از کارشناسان سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، درباره امکانات کتابخانه‌ای این





معضلات کتابخانه‌های شهری از دیدگاه مسوولان

# قاب استاندارد و عکس فرسوده امکانات

بخش جداگانه به اجرا درمی‌آید، می‌گوید: «برخی از این برنامه‌ها انجام شده‌اند و برخی دیگر در دست اجرا هستند. باز تعریف استانداردهای عملیاتی با توجه به درجه کتابخانه، نخستین بخش این برنامه است که با در نظر گرفتن امتیازاتی برای کتابخانه‌ها به آنها درجه یک، دو و سه اعطا شده و تمامی رفتارهای سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با کتابخانه‌ها، براساس درجه آنهاست.»

وی می‌افزاید: «بخش دوم این طرح، تجهیزات کتابخانه‌هاست که تجهیز و نوسازی لوازم کتابخانه‌ها انجام شده و زیباسازی و ناماسازی کتابخانه‌ها و رفع مشکلات تاسیساتی آنها هنوز به اجرا در نیامده‌اند.»

کلهری تصریح می‌کند: «طرح کتابخانه مجازی تهران که به صورت شبکه‌سازی کتابخانه‌های سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران اجرا خواهد شد، سومین بخش این طرح است و برای ۹ ماه برنامه ریزی شده است که دو ماه از شروع برنامه‌های آن می‌گذرد.»

مدیر امور کتاب و کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، می‌گوید: «امکانیزه کردن کتابخانه‌ها با عنوان «کتاب‌نت» برای استفاده اعضای کتابخانه‌ها از خدمات اینترنتی در محیط کتابخانه نیز چهارمین بخش این طرح به شمار می‌رود که هنوز اجرا نشده است. پنجمین بخش نیز راه‌اندازی کتابخانه‌های عمومی در سطح شهر است که طبق آن، ساخت حداقل ۹۰ کتابخانه استاندارد در تهران برنامه‌ریزی شده که حدود ۴۰ کتابخانه آن آماده شده اما هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده است.»

بسیاری از نقاط شهر تهران محل سکونت افراد کم‌درآمد است که با توجه به قیمت بالای برخی از کتاب‌ها، امکان خرید آنها را ندارند و بیشتر، به استفاده از خدمات کتابخانه‌ای دلبسته هستند.

کلهری در این زمینه بیان می‌کند: «برخی مناطق شهر تهران نیاز به توجه جدی دارند. از سویی پراکنش کتابخانه‌ها در مراکز متوسط به پایین شهر تهران بیشتر است و حق عضویت آنها نیز کمتر از سایر کتابخانه‌هاست.»

وی درباره نیروهای انسانی متخصص نیز می‌افزاید: «نیروهایی که اکنون در کتابخانه‌ها فعالیت می‌کنند، در دوره‌های گذشته به کار گرفته شده‌اند. البته بسیاری از آنان هم نیروهای متخصص کتابداری برای کسانی هم که تحصیل کرده رشته کتابداری نیستند، دوره‌های آموزشی برگزار می‌شود تا سطح کیفی و تخصصی رادر کتابخانه‌ها بالا ببریم. همچنین، نیروهایی که برای به کارگیری در کتابخانه‌ها استفاده می‌شوند، نیروهای متخصص‌اند.»

مدیر امور کتاب و کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در زمینه تهیه منابع و کتاب‌های مورد نیاز اعضای کتابخانه‌ها می‌گوید: «در سال‌های گذشته کتاب‌های کتابخانه‌ها براساس سلیقه متولیان تأمین می‌شد اما از سال ۸۶ بودجه کتابخانه‌ها به دو بخش تقسیم شد که بخشی از کتاب‌ها براساس نیازسنجی تمام کتابخانه‌ها تأمین می‌شود؛ نظیر کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی، داستان و رمان، روان‌شناسی و علوم انسانی که تمامی کتابخانه‌ها به آنها نیازمندند و مخاطبان خاص خود را نیز دارند. بخش دیگر کتاب‌ها نیز براساس نیازهای موردی کتابخانه‌ها تأمین می‌شود که در این وضعیت بودجه به صورت تنخواه در اختیار مسئولان کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد و هر دو ماه یک بار، براساس درجه، کتابخانه‌ها شارژ می‌شود و مسئولان می‌توانند کتاب‌های پیشنهادی و مورد نیاز اعضای خود را در کمتر از دو ماه، تهیه کنند و در مخزن کتابخانه‌ها قرار دهند.



مساطی درباره نیاز فشرهای گوناگون جامعه به کتابخانه و غنی بودن منابع کتابخانه‌ای عنوان می‌کند: «تفاوتی ندارد که کتابخانه در کدام منطقه قرار دارد و مراجعان در چه سطح رفاهی‌اند؛ مخاطبان کتابخانه به منابع غنی نیاز دارند و کتابخانه‌ها باید بتوانند پاسخگوی نیاز مخاطبان باشند.»

حیدر کلهری، مدیر امور کتاب و کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران هم در پاسخ به این مشکلات و تشریح فعالیت‌های شهرداری برای ایجاد امکانات در کتابخانه‌های شهری، می‌گوید: «از سال ۸۶ برنامه‌ای در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران مبنی بر بررسی وضعیت کتابخانه‌های سازمان اجرا شد که براساس آن، مشکلات در چند مبحث خلاصه می‌شوند. فرسودگی و از بین رفتن تجهیزات کتابخانه، کمبود لوازم ضروری کتابداری، نامناسب بودن نور قرائتخانه‌ها، فرسوده شده کتاب‌ها، مشکلات در پرداخت هزینه‌های آب و برق برخی کتابخانه‌ها، کمبود فضای مطالعه، عدم تأمین کتاب‌های مورد علاقه مخاطبان و کمبود نیروی کتابدار، جزو مشکلات عمده کتابخانه‌های شهری‌اند.»

وی می‌گوید: «از علل اصلی به وجود آن این مشکلات، می‌توان به عدم اولویت‌دهی به کتابخانه‌ها برای تخصیص اعتبار، سلیقه‌ای عمل کردن مسئولان کتابخانه‌ها، توجه نکردن به ذائقه اعضای کتابخانه و توزیع و تعریف نیروی انسانی نامناسب در کتابخانه‌ها و مدیریتی مبتنی بر روش‌های سنتی و عدم به کارگیری روش‌ها و تکنولوژی‌های نوین در کتابخانه‌ها اشاره کرد.»

مدیر امور کتاب و کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران درباره تمهیداتی که برای حل این مشکلات در نظر گرفته شده بیان می‌کند: «از سال ۸۶ پس از بازرسی مشکلات کتابخانه‌ها، طرح توسعه کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با هدف استانداردسازی سطح کیفی و کمی خدمات رسانی به اعضای کتابخانه‌ها و یکسان‌سازی و افزایش خدمات در سطح شهر، مکانیزه کردن خدمات کتابخانه‌ای، مدیریت هوشمند اطلاعات کتابخانه‌ای، خودگردانی کتابخانه‌ها در سرفصل هزینه‌های جاری، کاهش تصدی‌گری ستادی و افزایش کتابخانه‌های عمومی در سطح شهر تهران، در این سازمان به تصویب رسید.»

کلهری با اشاره به این که اجرای این طرح در پنج

همچنین، برخی مشکلات که برای یک کتابخانه معضل به شمار می‌روند، برای سایر کتابخانه‌ها حسن به حساب می‌آیند.

در برخی از کتابخانه‌های شهری به دلیل کمبود فضای مطالعاتی، زمان مراجعه به کتابخانه برای خانم‌ها و آقایان به صورت روزهای زوج و فرد است در حالی که برخی کتابخانه‌ها به دلیل داشتن فضای کافی، به طور هم‌زمان امکانات کتابخانه‌ای را به مخاطبان خود ارائه می‌دهند.

علیرضا مساطی، مدیر کتابخانه علامه طرشتی، استفاده از کتابخانه به صورت زوج و فرد را از مشکلات این کتابخانه می‌داند و می‌گوید: «اگر مخاطبان بتوانند همه روزه از امکانات کتابخانه استفاده کنند، وضعیت بهتری رقم می‌خورد، اما به دلیل وجود فضای محدود، این امکان وجود ندارد. از سوی دیگر، تجهیزات اتصال به شبکه هم هنوز راه‌اندازی نشده تا دسترسی به منابع کتابخانه راحت‌تر شود.»

وی می‌افزاید: «منابع کتابخانه نیز به روز نیستند. البته مبلغی به عنوان تنخواه در اختیار کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد اما با توجه به قیمت بالای کتاب، امکان به روز رسانی منابع کتابخانه وجود ندارد. همچنین، کوچک بودن مخزن کتابخانه مانع افزایش تعداد کتاب‌ها می‌شود زیرا با تهیه کتاب‌های جدید، مجبوریم کتاب‌های قدیمی‌تر را و جین کنیم، به همین دلیل نیاز است که مخزن کتابخانه بزرگ‌تر شود اما به خاطر کمبود فضای این کار امکان‌پذیر نیست. با توجه به این که بیشتر فعالیت کتابخانه در گردش منابع آن است، باید بر غنی‌سازی منابع نیز تأکید شود.»

مدیر کتابخانه علامه طرشتی با بیان این که محیط این کتابخانه استاندارد است و از نظر نور و سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی مشکلی وجود ندارد، می‌گوید: «فضای این کتابخانه تنها نیاز به تغییر و بازسازی دارد.»

وی همچنین معتقد است قرار گرفتن این کتابخانه در بوستان، مشکلی برای مراجعان ایجاد نمی‌کند و حتی در تغییر روحیه آنان نیز موثر است. البته او تصریح می‌کند که این کتابخانه در بوستان طرشت واقع شده که بوستان بزرگی نیست. ضمن این که کتابخانه، به خیابان نزدیک است و به همین دلیل نمی‌تواند مشکلی برای رفت و آمد علاقه‌مندان ایجاد کند.

کتابخانه‌ها، استانداردهای تعریف شده‌ای دارند که ساختار معماری، فضا، نور، تجهیزات کتابخانه‌ای، سالن‌های مطالعه، مخزن کتاب و سایر موارد را در برمی‌گیرد. کتابخانه‌های شهری اما هر یک به نوعی از کمبود یا نبود یکی از این استانداردها رنج می‌برند، در حالی که امروزه به کتابخانه‌های شهری به عنوان ضرورتی نگاه می‌شود که شاید نتوان جای خالی آنها را حتی فرض کرد.

جست‌وجو در کتابخانه‌های شهری، مواردی را مشخص می‌کند که نشان می‌دهد برخی از این کتابخانه‌ها از این استانداردها فاصله قابل توجهی دارند. گفت‌وگو با مسئولان این کتابخانه‌ها نیز مشخص می‌کند که اغلب اعضای کتابخانه‌ها از فضای نامناسب کتابخانه و کامل نبودن مخزن کتاب شکایت دارند و برخی مسئولان نیز کمبود نیروی متخصص را جزو مشکلات کتابخانه‌های شهری می‌شمارند. یعنی آنچه در نگاه و کلام اول به چشم و گوش می‌رسد، اشاره به استاندارد نبودن برخی از کتابخانه‌های شهری است.

معصومه فرجی، مسوول کتابخانه رازی، در این زمینه می‌گوید: «مشکل اصلی کتابخانه‌ها کمبود بودجه است، زیرا یک کتابخانه نیاز دارد به روز شود اما بودجه‌ای که در اختیار کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد، برای به روز کردن منابع کتابخانه کافی نیست.»

وی می‌گوید: «تقریباً ۸۰ درصد از بودجه کتابخانه‌ها به تأمین نیازهای مخاطبان اختصاص می‌یابد و بخشی از منابع نیز از سوی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تأمین می‌شود. البته امکان تهیه تمام کتاب‌هایی که مخاطبان تقاضا می‌کنند، وجود ندارد بلکه غیر از نیازسنجی، محتوای کتاب‌ها نیز در نظر گرفته و تأیید می‌شوند.»

از دیگر مشکلاتی که فرجی ظه آن اشاره می‌کند، مشکل ساختمان کتابخانه‌هاست که اغلب شان قدیمی‌اند و چون در قالب فضا‌های فرهنگی هنری در نظر گرفته شده‌اند، با استانداردهای کتابخانه‌ای به لحاظ نور، دکور، فضای مطالعه و سایر فاکتورهای استاندارد، فاصله دارند.

با توجه به این که بیشتر کتابخانه‌های شهری در بوستان‌ها واقع شده‌اند و در کنار استفاده از فضای پارک، در اوقات فراغت می‌توان به کتابخانه نیز مراجعه کرد، اما این موقعیت قرارگیری و مکانی مشکلاتی را نیز برای کتابخانه‌ها در پی داشته است. فرجی در این باره می‌گوید: «برخی از پارک‌های ماحل تجمع تعدادی از جوانانی است که با معضلاتی نظیر بیکاری و اعتیاد دست به گریبانند و این مسئله رفت و آمد مخاطبان کتابخانه‌ها به ویژه دختران نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است امنیت مراجعان کتابخانه‌ها را به خطر بیندازد.»

وی می‌افزاید: «مهم‌ترین موضوعی که باید به آن توجه ویژه شود، تأمین نیروی متخصص و تغییر روش اداره کتابخانه‌ها از سیستم بسته به سیستم باز است که این روش در حال حاضر در برخی کتابخانه‌ها از جمله کتابخانه رازی اجرا می‌شود. از ویژگی‌های کتابخانه آماده می‌توان به باز شدن ذهن مخاطب برای انتخاب کتاب و ایجاد گستره موضوعی برای تحقیقات و پژوهش‌های جوانان اشاره کرد، اما کمبود نیروی انسانی متخصص باعث ایجاد مشکلاتی نظیر جابه‌جایی کتاب‌ها و گاهی گم شدن آنها می‌شود که در این کتابخانه تقریباً فرهنگساز شده است.»

هر یک از کتابخانه‌های شهری، مشکلات خاص خود را دارند که برخی از این مشکلات در کتابخانه‌های گوناگون مشترک و در برخی متفاوتند.



لعیا درفشه

کتاب «مرگ» آخرین شماره از فصلنامه ارغنون و متخبی از مهم ترین رساله‌ها در باب موضوع مرگ به قلم اندیشمندانی نظیر سنکا، بیکن، هوم، شوپنهاور، نیچه، فروید، یونگ، هایدگر، کامو، بکر و دریدا است که به همت دکتر محمد صنعتی گردآوری و به قلم گروهی نوزده نفره از مترجمان کشورمان از جمله داریوش آشوری، حسین پاینده، خشایار دیهیمی، مراد فرهادپور، مهشید نونهالی، امیراحمدی آریان، سعید حنایی کاشانی و ... به فارسی برگردانده شده است. دکتر محمد صنعتی روانپزشک، نویسنده و منتقد ادبی، متولد ۱۳۲۴ اصفهان است. وی تحصیلات عالی خود را در رشته پزشکی دانشگاه تهران آغاز کرد و سپس درجه تخصصی روان پزشکی را از دانشکده روانپزشکان دانشگاه انگلستان دریافت کرد و تحصیلات فوق تخصصی خود را در رشته روان درمانی دانشگاه روان پزشکی لندن به پایان رساند. از جمله مهم ترین آثار قلمی او می‌توان به «تحلیل‌های روان‌شناسی در هنر و ادبیات»، «صادق هدایت و هراس از مرگ» و «تحلیل روان‌شناختی زمان و نامیرایی در سینمای تارکوفسکی» اشاره کرد. دکتر صنعتی در آخرین شماره از فصلنامه ارغنون با عنوان «مرگ» نیز علاوه بر ارائه یک مقاله تالیفی، به گفته خود، معماری این مجموعه را نیز برعهده داشته است. با او درباره این کتاب که به تازگی از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روانه بازار شده است به گفت‌وگو نشستیم.

در گفت‌وگو با دکتر محمد صنعتی درباره کتاب «مرگ» مطرح شد

## پشت کردن به زندگی کفران نعمت است

و غریزه جنسی گذاشته بود و تعبیرش کرد به اروس که در واقع عشقی است که انسان را به طرف زندگی و باروری می‌کشاند، از آن پس تا سال ۱۹۱۵ ما چیزی در مورد مرگ - به معنای اخص آن - در آثار فروید نمی‌بینیم اما در آن سال است که مقاله «اندیشه‌هایی درخور ایام جنگ و مرگ» - که در این مجموعه دکتر پاینده ترجمه بسیار خوبی از آن ارائه کرده‌اند - را می‌نویسد و جامعه اروپایی را دعوت می‌کند به این که بیش از حد به زندگی توجه و واقعیت مرگ را انکار کرده‌ایم. بیایید بار دیگر مرگ را در جایگاه خودش قرار بدهیم. بعد از این مقالات یکی از شاگردان فروید به نام اتورنک توجهش به این مسأله جلب می‌شود و رساله «همزاد به مثابه خود نامیرا» - که ترجمه‌ای از آن در این کتاب به قلم خانم مهشید تاج آمده - را می‌نویسد و در آن با توجه به یافته‌های انسان‌شناسی و قصه‌ها و رمان‌های غربی، همزاد را با تحلیل مرگ در آن مطرح می‌کند. اندیشه اتورنک بعدها توسط ارنست بکر گرفته می‌شود و او مسأله هراس از مرگ را خیلی برجسته می‌کند. دقت داشته باشید در سال ۱۹۱۵ یعنی آغاز جنگ، توجه روانکاوی به مرگ جلب می‌شود و در پایان همین جنگ است که فروید شروع به نوشتن مقاله فرانسوی اصل لذت می‌کند که در آنجا به غریزه یا فراروان مرگ توجه می‌کند و کل روانکاوی فرویدی براساس دو غریزه مرگ و زندگی و تقابل این دو قرار می‌گیرد؛ بنابراین در واقع این روانکاوی است که بار دیگر مسأله مرگ و زندگی را نه فقط زنگی رایا مرگ را مورد توجه قرار می‌دهد.

این موضوع در رویکرد وجودی هایدگر به روان‌شناسی - که در این مجموعه نیز سه رساله از او به قلم محمد سعید حنایی کاشانی ترجمه شده - چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

ببینید! نه فروید هرگز اسمی از هایدگر می‌برد و نه هایدگر هیچ وقت اسمی از فروید می‌برد، در صورتی که کتاب «هستی و زمان» هایدگر در ۱۹۲۶ منتشر می‌شود؛ یعنی شش سال بعد از مقاله جنجالی (فراسوی اصل لذت) فروید. این مقاله فروید خیلی بحث‌انگیز بود حتی بین پیروان و شاگردان خود او. از سوی دیگر فلسفه اگزیستانسیالیستی نیز نمی‌توانست به مسأله مرگ و زندگی بی‌توجه باشد و اصلاً اساس آن فلسفه بر این دو اصل استوار است، پس بعید است که این دو اندیشمند همزمان و همزمان آثار همدیگر را نخوانده باشند! اما این پدیده را در بسیاری از اندیشمندان غربی و گاه شرقی می‌بینیم که دوست ندارند اشاره کنند که چقدر تحت تاثیر همعصران یا گذشتگان خودشان بوده‌اند. به همین جهت می‌بینیم که در ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۶ دو اندیشمند بسیار مهم و فرهنگ ساز در غرب به مرگ توجه می‌کنند. فروید و هایدگری که اصلاً انسان را به سوی مرگ بودگی تعریف می‌کند. در بین دو جنگ ما کم و بیش توجه به مرگ را داریم، اما فقط در حیطه تفکر و نه خود مردن، تا این که جنگ دوم جهانی شروع می‌شود، با هراس از انفجار بمب اتم. بعد از جنگ نه تنها روانکاوی که در سنت خودش نوشته‌های فروید و اتورنک را داشت، بلکه حتی در حیطه روان‌پزشکی که دو سه قرن نه به عشق نگاه می‌کرد و نه به مرگ شروع کردند به توجه کردن به مسأله مرگ



این موضوع همواره ذیل یک جهان بینی در حوزه فلسفه و ادبیات مطرح شده است، اما با ظهور روان‌شناسی جدید و به طور مشخص بعد از فروید می‌بینیم نحوه مواجهه با موضوع مرگ، مواجهه‌ای مستقیم تر است، یعنی از مرگ و هراس از مرگ به شکلی صریح تر سخن گفته می‌شود.

در دوره روشنگری و مدرنیته، نگاه به زندگی اصولاً به گونه‌ای مطرح می‌شود که دیگر آن اندیشه پیشامدرن که مرگ محور بود طرد می‌شود، بنابراین از دوران روشنگری به بعد ما کمتر مقاله یا رساله‌ای را در فلسفه یا در هر آنچه درباره انسان نوشته می‌شد می‌بینیم که اصلاً بتواند به مرگ نگاه کند. یعنی از یک افراط به یک تعریض رسیدند، اما با جنگ‌های ناپلئونی که بیش از سه دهه طول کشید می‌بینیم که نگاه به مرگ یا اندیشه مرگ محور بار دیگر در فرهنگ مدرن غرب ظاهر می‌شود؛ هم در فلسفه هگلی و هم در اندیشه شوپنهاور. در همان دوره دیوید هیوم را - که رساله‌ای از او را در این مجموعه با ترجمه مهیار آقایی می‌بینید - داریم و فوئر باخ را که به شدت به زندگی توجه دارند تا می‌رسیم به قرن بیستم و جنگ جهانی اول. به نظر می‌رسد اندیشه مرگ در طول تاریخ همیشه با جنگ‌های گسترده و بسیار مرگبار همراه بوده است، به همین جهت است که شمامی ببینید در حیطه روانکاوی فروید که ابتدا نظام اندیشگی خودش را بر دو غریزه صیانت

بانام‌های مرگ می‌جنگد و روبه زندگی دارد. همچنین در کتاب ایلیاد، آشیل در تمام طول جنگ با خودش در ستیز است که آیا باید به جنگ برود و کشته شود و قهرمان شود یا این که دور از جنگ به زندگی خودش ادامه بدهد، ولی نام آور نشود. به این جهت دیدگاه هومر که شاید قدیمی ترین حماسه غربی است که به مارسیده خیلی مهم بود، اما متأسفانه به دلیل محدودده‌ای که این کتاب داشت مجبور شدم به هومر فقط در مقدمه بپردازم و مقاله اصلی که در مورد هومر است را بگذارم برای اصل کتاب که در آینده نزدیک قرار است منتشر شود. همین طور پس از آن می‌بینیم که اندیشه‌های اپیکوری و رواقی در غرب بسیار به مرگ توجه دارند. همین طور فرقه‌های اورفئای و دیونیزوسی که باز مرگ مرکز اصلی اندیشه آنهاست و پس از آن می‌رسیم به عصر تراژدی که به همه اینها فقط در بخش درآمد آن هم بسیار مختصر پرداخته‌ایم. اما مهم ترین مقاله‌ای که در این زمینه وجود دارد، رساله افلاطون است در مرگ سقراط و آنچه سقراط در مورد مرگ و زندگی می‌گوید و این که فلسفیدن گونه‌ای تمرین مرگ است که گفته می‌شود این یکی از ایده‌ها یا اندیشه‌های محوری فلسفه غرب از سقراط تا افلاطون است تا این که می‌رسیم به افرادی مثل ابلاز، پترارک، میشل دو مونتینی و دکارت. در تمامی طول تاریخ اندیشه فلسفی غرب از یونان باستان تا رنسانس ما غلبه مرگ اندیشی و مرگ‌پذیری را در اندیشه غرب و حتی انکار هراس از مرگ را داریم. اما تغییر این دیدگاه در غرب از پیش از رنسانس توسط یکی - دو اندیشمند مثل ابلاز و پترارک شروع شد و در دوره رنسانس بسیار بارز شد. سخن بسیاری از آنها مثل پترارک این بود که بالاخره این جهان و این زندگی هم آفریده خداست و انکار کردن و پشت کردن به این زندگی در واقع کفران نعمت است و چرا ما نباید زیبایی‌های این جهان را ببینیم و همه آنها را شیطانی تلقی کنیم.

شما براساس آنچه در این کتاب آمده به کلبتی از سیر و اندیشه و رویکرد غرب به مرگ تادوره رنسانس اشاره کردید. به نظر می‌رسد در تمامی این دوره‌ها

با توجه به این که شما ویراستار این مجموعه بوده‌اید و همچنین کار نگارش تنها مقاله تالیفی این کتاب با عنوان درآمدی به مرگ در اندیشه غرب نیز برعهده شما بوده است، ابتدا بفرمایید این پروژه چطور شکل گرفت و این مقالات چگونه انتخاب شدند؟

در آغاز کار، آقای دکتر ابادری که از افراد شاخص فصلنامه ارغنون بودند از من دعوت کردند که به عنوان ویراستار میهمان در این پروژه شرکت کنم، چون ایشان می‌دانستند که من مدت‌ها در زمینه مرگ و زندگی و رویکرد‌های فرهنگی شرق و غرب - هم از نظر تاریخی و هم از نظر روانکاوانه - کار کرده‌ام. اما درباره انتخاب مقالات باید بگویم همه مقالات را طی چندین سال پژوهشی که در این زمینه داشتم جمع‌آوری کرده بودم، اما، برخی از رساله‌ها که بسیار هم مهم بودند در آن زمان دسترسی نداشتم، مثل بحث‌های تاسکلن (tusculan disputations) یعنی بحث‌هایی که در قصر تاسکلن که متعلق به سیرو بود، بین سیرو و دوستان اندیشمندش در می‌گرفت که در آنجا در قسمت مهمی به مسائل مرگ و زندگی پرداخته می‌شود. در آن زمان ترجمه خوبی از این اثر در دسترس من نبود. رساله دیگری هم که جایش در این مجموعه خالی است اندیشه‌هایی درباره مرگ و بی‌مرگی است که توسط لودویک فوئر باخ در قرن هجدهم نوشته شده که در آن زمان با همه تلاشی که کردم به این رساله هم دسترسی پیدا نکردم، اما الان این متن را دارم و دلم می‌خواهد اگر در قالب تازه‌ای به ارائه این مجموعه اقدام کردم، این کم و کاستی‌ها را جبران کنم. این نکته را هم باید یادآور شوم که شیوه کار من در این مجموعه با شیوه‌ای که در ۲۵ شماره قبلی فصلنامه ارغنون بود قدری فرق داشت؛ به این معنا که چون آنها همه با هم کار کرده بودند سبک و سیاق مشابهی داشتند، اما من با هدف و سبک و سیاق دیگری این شماره را طراحی کردم.

این تفاوت‌ها به طور مشخص معطوف به چه مواردی بودند؟

در شماره‌های دیگر ارغنون یک موضوع انتخاب و پس از آن تعدادی مقاله برگزیده و ترجمه می‌شد. این که از این طرف و آن طرف مقالاتی انتخاب شود، خواننده را با بعضی دیدگاه‌ها آشنا می‌کند، اما یک تحلیل تکوینی یا تاریخی خاص به کسی نمی‌دهد یعنی این که این مقالات چگونه و به چه منظوری انتخاب شود و چه ساختاری داشته باشد مسأله مهمی است. تلاش من در این شماره این بود که تحول مفهومی و گفتمانی مرگ در تاریخ اندیشه غرب بررسی شود تا تفاوت‌های آن با فرهنگ ایران یا فرهنگ‌های شرقی برجسته تر شود.

تحول مفهومی و گفتمانی که به آن اشاره کردید در کدام یک از سه حوزه فلسفه، ادبیات و روان‌شناسی نمود بیشتری داشته است؟

در اندیشه غرب، فلسفه بسیار تاثیرگذار بوده است و البته قبل از آن ادبیات. طراحی اصلی برای این کتاب این بود که از دو کتاب هومر که در حیطه حماسه و ادبیات است شروع شود؛ یعنی ایلیاد و اودیسه، چون در این دو کتاب توجه قهرمانان به مرگ و زندگی محوری است، یعنی اودیسه در طول سفر خود همواره

به صورت احتضار و خود مردن.

در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته‌ام، به ویژه تأکید زیادی بر رابطه جنگ و مرگ داشته‌ام، این که چگونه می‌شود که اندیشه مرگ سلطه پیدا می‌کند و همچنین نتیجه رویکرد به زندگی چیست. آیا پیشرفت غربی‌ها در دوران مدرنیته این نبود که نگاهشان به زندگی جلب شود؛ و بنابراین تلاش کردند که این زندگی را شکوفاتر کنند، همان‌گونه که شوپنهاور می‌گفت/به هر حال من فکر می‌کنم که هم جهان غرب و هم شرق دارد به تعادلی می‌رسد تا بپذیرد به هر حال این زندگی را هم خدا آفریده است؛ بنابراین کفران نعمت نکند و به مرگ هم در کنار آن توجه کند.

**نوع رویکردی که شما در نگارش و گردآوری این مجموعه، به ویژه از منظر روان‌شناختی داشته‌اید سابقه زیادی در کشور ما و در کلیت آن در شرق ندارد. آیا این امکان وجود دارد که مجموعه‌هایی از این دست، درباره سیر تحولات اندیشه شرقی نیز سامان یابد؟**

من همان زمان که این مجموعه تهیه می‌شد و شاید چند سال قبل از آن شروع به تألیف چنین مجموعه‌ای درباره اندیشه مرگ در شرق کرده‌ام و اکنون تقریباً در نزدیکی‌های پایان کار هستم. بر آنم تا در این مجموعه مسأله مرگ اندیشی را در طول تاریخ خودمان به ویژه در اندیشه‌های قبل از اسلام و همچنین در بعد از اسلام و به خصوص در دوران مغول، تیمور و پس از آن را بررسی کنم. چرا که پس از آن دو جمله مرگبار و طولانی که مردم دیگر هیچ امید به زنده ماندن نداشتند، تفکر زندگی در لحظه از آن پس به وجود آمد یعنی مردم آینده را از زمان حذف کردند برای این که هیچ امید به زندگی فردایشان نداشتند. از آن زمان به بعد، قرن‌ها می‌بینید در شعر بسیاری از شاعران ایرانی، مرگ محور اصلی است و مرگ طلبی، نفی زندگی و مذمت زندگی را از دوران مغول به بعد داریم.

**بنابر تحلیلی که در این کتاب نیز داشتید می‌خواهید این طور نتیجه بگیرید که در کلیت ماجرا چه در غرب و چه در شرق مرگ اندیشی همواره زاینده اوضاع اجتماعی و جنگ بوده است؟**

بله! برای درک این موضوع کافی است. برای مثال شما یک مقطع تاریخی مثل جنگ جهانی دوم را که فقط چهار سال طول کشید بررسی کنید و ببینید که چه عواقبی در پی داشته است.

**پس به این ترتیب باید بتوانیم عکس این قضیه را هم نتیجه بگیریم یعنی برای مثال اگر مادر برخی دوره‌های تاریخی مقطعی را پیدا کنیم که در آن جنگی رخ نداده، قاعدتا در آن دوره مرگ اندیشی هم نباید وجود داشته باشد. همین طور است؟**

ببینید! گاهی وقت‌ها هست که اندیشه‌ای در فرهنگ تثبیت می‌شود از این رو وقتی دیگر جنگی هم در کار نیست باز آن اندیشه ادامه پیدا می‌کند بنابراین تغییر این وضعیت همچنان که در کتاب نیز اشاره کرده‌ام منوط به ایجاد تحولی عمیق در آن جامعه است. من در مقدمه این کتاب به خصوص تأکید زیادی بر نسبت و رابطه بین جنگ و مرگ داشته‌ام و در نهایت تلاش من در این مجموعه این بود که تحول این اندیشه را در فرهنگ غرب بررسی کنم.

**و سخن پایانی؟**

در انتها گله‌ای دارم از ناشران این کتاب و دلم می‌خواهد این موضوع را حتماً منعکس کنم. شماره ۲۶ و ۲۷ فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون در تابستان ۱۳۸۴ منتشر شد و یکی از شماره‌های نایاب این فصلنامه شد. پس از آن بسیاری خواهان تجدید چاپ این شماره شدند و بعداً شنیدم که چاپ مجددی از آن به بازار آمد که باز هم نایاب شد و جالب این که کسی به من - که به گونه‌ای معمار این مجموعه بودم - خبری نداد و حالا در سال ۸۸ باز می‌بینم این کتاب چاپ و به همان سرعت هم نایاب شده و من همچنان بی‌خبر بودم! نه این که انتظار پرداختی داشته باشم اما لاف‌باز باید احترامی برای اهل قلم قائل شد حتی تنها در این حد که خبر چاپ کتاب را به آنها بدهند. شاید آنها هم خواستند کتاب را تهیه کنند و مثلاً به کسی هدیه بدهند، اما متأسفانه نویسنده آخرین کسی است که از موضوع باخبر می‌شود!

در گفت‌وگو با مؤلف «منابع صدا در صنعت و محیط زیست» عنوان شد

# علاقه و نیاز جوانان به کتاب‌های تخصصی



پیشرفت تمدن بشری، توسعه فناوری و ازدیاد جمعیت، دنیا را با مشکلی به نام آلودگی محیط زیست مواجه کرده است که زندگی ساکنان کره زمین را تهدید می‌کند. آلودگی هوا، خاک و آب از انواع آلودگی‌های زیست محیطی‌اند که با اقداماتی مثل جمع‌آوری زباله، جلوگیری از آلودگی هوا، تصفیه فاضلاب و موارد دیگر به کاهش اثرات زیانبار آنها پرداخته‌اند. اما در این میان کمتر راه‌حل مناسبی برای کاهش آلودگی صوتی انجام شده است. منابع صدا، انواع متعددی دارند که از جمله آنها می‌توان به چرخ‌دنده‌ها، فن‌ها و موتورهای الکتریکی اشاره کرد که به بسیاری از آنها در کتاب «منابع صدا در صنعت و محیط زیست» پرداخته شده است؛ کتابی که توسط دکتر محمدرضا منظم و تعدادی از دانشجویان او تألیف شده است. برای شناخت بهتر محتوای این کتاب، با وی که سال‌ها در زمینه آلودگی صوتی در دانشکده بهداشت حرفه‌ای دانشگاه علوم پزشکی تهران تحقیق کرده و دارای دکترای کنترل آلودگی صوتی از انگلستان است، گفت‌وگو کرده‌ایم.

**حاصل بیست سال تحقیق شما در زمینه آلودگی صوتی چه بود؟**

آنچه تجربه و تحقیق به من آموخت، این است که بحث آلودگی صوتی از دو جنبه اهمیت دارد؛ یکی از نظر وسعت معضلی که این نوع آلودگی برای جامعه ایجاد می‌کند و دیگری، غفلتی است که از این عامل شده. گستردگی این معضل به گونه‌ای است که گروهی به دلیل داشتن حرفه‌های خاص با منابع آلودگی صوتی در تماسند و عموم مردم ساکن اطراف این منابع هم

تأثیرات منفی آن را دریافت می‌کنند اما برخلاف وسعتی که این آلودگی دارد، مسؤولان در وزارت بهداشت، سازمان محیط زیست و دیگر بخش‌های دولتی، کمتر به آن توجه داشته‌اند. این غفلت تا آنجاست که حتی دستورالعمل و قوانین زیست محیطی و صنعتی مناسبی نیز برای مبارزه با آن تدوین نشده؛ در حالی که به بحث آلودگی هوا اهتمام ویژه شده و اقدامات مناسبی شامل ایستگاه‌های سنجش هوا، مطابق با استانداردهای جهانی، برای کنترل آن نصب و بهره‌برداری شده است. به همین دلیل، فکر کردم شاید یکی از بهترین راه‌ها برای پرداختن به هر دو جنبه این موضوع یعنی گستردگی و عدم توجه به آلودگی صوتی، انتشار کتاب‌هایی باشد که بحث منابع و کنترل منابع این نوع آلودگی‌ها را به ذهن مردم و متخصصان منتقل کند.

**اگر این مطالب در کلاس‌های دانشگاهی به دانشجویان تدریس می‌شوند، دیگر نگارش کتاب در این زمینه چه لزومی دارد؟**

خیلی از این مطالب را در مقاطع لیسانس و دکترای دانشکده بهداشت حرفه‌ای مطرح می‌کنیم که فقط شامل گروهی خاص از دانشجویان می‌شود. فکر کردم باید مباحث آلودگی صوتی برای همه متخصصانی که در صنایع، کشاورزی و مکانیک کار می‌کنند و با عوامل آلودگی صوتی در تماسند آورده شود تا آنان نیز نسبت به این آلودگی دید کنترلی و ارزیابی پیدا کنند. همچنین، قصد دارم کتاب‌های بیشتری در این حوزه بنویسم تا فرهنگ کنترل آلودگی صوتی در جامعه شکل بگیرد و نهادینه شود.

**در کتاب به کدام یک از منابع صدا اشاره شده و آنها چه خصوصیتی دارند؟**

در این کتاب، سعی کرده‌ام به منابع صدایی پردازم که اگر چه بسیار فراوان و مهم‌اند اما خوشبختانه راه‌های کنترل آنها نیز وجود دارند. منابع صدایی که مردم آنها را خوب می‌شناسند و با آنها در تماسند. یکی از این منابع، فن‌ها هستند که در کولرها، پنکه‌ها و سیستم‌های تهویه‌خانه‌ها و همچنین صنعت و محیط زیست استفاده می‌شوند. از دیگر منابع صدا که در کتاب آمده، می‌توان به شیر آلات، ماشین‌آلات، ترافیک، راه‌آهن و هواپیما اشاره کرد که به همه آنها در این کتاب پرداخته‌ام. همه این منابع یک وجه مشترک دارند و آن این که صدایشان قابل پیش‌بینی‌اند و اصطلاحاً می‌گوییم همه اینها منابع صدایی بانند باریکند که صدایشان در یک فرکانس خاص ایجاد می‌شود. در کتاب، این فرکانس‌ها را پیش‌بینی کرده‌ایم و گفته‌ایم مقدار صدای هر یک چه اندازه است. یعنی می‌توانیم قبل از این که فن را روشن

پرداخته که برای شناخت این مفاهیم، به شناخت بیشتر صدا، تراز آن و چگونگی پخش آن در محیط، نیاز داریم. معتقدم اگر کارشناسان بخواهند صدا را کنترل کنند، بهترین راه‌حل، شناخت منبع و کنترل صدا در محل منبع است. مثلاً این سوال مطرح می‌شود که برای کنترل صدای یک فن در یک اتاق آیا بهتر است از جاذبه‌ها و مانع‌ها در دیوارها استفاده شود یا صدای خود فن را کنترل کنید؟

**یعنی کنترل صدا در کل منبع، پیشگیری است و در محل تولید صدا درمان؟**

بله. در این کتاب سعی شده، خواننده به سمت اصل منبع برود که بدون شناخت آن، کنترل صدا مفهومی ندارد و تا خوانندگان مشخصات منابع تولیدکننده صدا را نشناسند، نمی‌توانند در جهت کنترل صدا اقدامی انجام دهند.

**چرا تعداد کتاب‌های تألیف شده علمی در این زمینه محدود است؟**

در بسیاری مباحث علمی از جمله آلودگی صدا، نیاز به کتاب‌های زیادی داریم که در این حوزه تنها سه یا چهار کتاب وجود دارد. یکی از علت‌های این کمبود، قوانینی‌اند که در دانشگاه‌ها برای ارتقای جایگاه اساتدان دانشگاه‌ها وضع کرده‌اند. من به عنوان استاد دانشگاه با تألیف ۱۰ کتاب علمی اینچنینی هم نمی‌توانم از استادیاری به دانشیاری بروم در حالی که تنها با ارائه یک مقاله شش صفحه‌ای ارتقای درجه می‌یابم! همان مقاله شش صفحه‌ای پنج امتیاز دارد و این کتاب صد صفحه‌ای دو امتیاز هم ندارد. حالا بماند که چاپ این کتاب چقدر زمان می‌برد و تا چه اندازه هزینه مالی دارد. اگر بخواهیم جوانان علاقه‌مند و دانشجویان با موضوع‌های تخصصی مختلف آشنا شوند چاره‌ای نداریم جز این که کتاب‌های تخصصی تولید کنیم. وقتی عامل تشویقی وجود ندارد چگونه می‌توان انتظار داشت که اساتدان دانشگاه‌ها برای تولید کتاب علمی تمایل داشته باشند؟

**متخصصان کدام سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها از این کتاب بهره می‌برند؟**

کارشناسان وزارت صنایع در بحث مجوزهای صنعتی یا نمونه‌هایی که می‌خواهند وارد کنند می‌توانند از مطالب این کتاب بهره ببرند. همچنین مفاهیم کتاب برای متخصصان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی در بخش‌هایی که دارای ماشین‌آلات بانند باریکند نیز کاربردی خواهد بود.

**چگونه بخش‌های اجرایی می‌توانند تئوری‌های موجود در کتاب را کاربردی کنند؟**

فکر می‌کنم آنچه در کشور کم داریم، یک مرکز مطالعات آلودگی صوتی یا آکوستیک است که اگر بخواهیم از تئوری‌های موجود در کتاب در حوزه صنعتی استفاده کنیم، وجود این مرکز ضروری است.

کنیم، بگوییم صدای آن در چه محدوده فرکانسی است و آیا آزاردهنده است یا خیر؟ و اگر گوش انسان را آذیت می‌کند با چه راهکارهایی می‌توان آن را کنترل کرد.

**با توجه به متن کتاب، شناخت فرکانس‌های صدا چگونه منجر به کنترل آلودگی صوتی در کارخانه‌ها خواهند شد؟**

با پیش‌بینی فرکانس و تراز صداهای احتمالی از منابع مختلف مثل فن، چرخ‌دنده و پمپ در کارخانه‌ها، راهکارهای کنترلی صدا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش‌های گفته شده در کتاب به مدیران کارخانه‌ها کمک خواهند کرد تا عوامل افزایش آلودگی صدا را شناخته و با کنترل آنها، به حل این معضل کمک کنند. مثلاً اگر توزیع فرکانس یا چرخ‌دنده با ۲۰ دنده از وضعیتی که در کتاب اشاره شده تغییر کند، چرخ‌دنده دچار مشکل شده است و مدیر کارخانه باید در جهت اصلاح آن بکوشد.

**کدام یک از صداها منبع زیست محیطی و کدام یک منشأ صنعتی دارند؟**

صداهای صنعتی در محیط‌هایی تولید می‌شوند که پروسه تولیدی دارند، یعنی یک ماده به ماده‌ای دیگر تبدیل می‌شود که می‌توان به صداهای موجود در کارخانه‌ها اشاره کرد. اما محیط زیستی صداهایی‌اند که در بخش‌های کاربری‌های خدماتی ایجاد می‌شوند مثل سیستم حمل و نقل، ترافیک ماشین‌آلات کشاورزی و ...

**اما به نظر می‌رسد منابع صدا در محیط زیست کم‌آزارتر باشند؟**

منابع صدا در صنعت و محیط زیست با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که هر یک متناسب با کارایی‌شان دارای ویژگی‌های خاصی‌اند. ممکن است در صنعت، فن با فرکانس بالا و برد پایین مطرح باشد، ولی در محیط زیست نیز صداهایی با فرکانس پایین و برد بالا استفاده می‌شوند. اگر چه در محیط زیست فرکانس صدای پایین است اما به دلیل برد بالا، آزاردهنده‌تر است. یا این که صدای یک موتور دو سیلندری که شاید در محیط زیست به کار گرفته شود، به دلیل برد بالا بسیار آلوده‌کننده‌تر از یک موتور هشت سیلندر خواهد بود که در صنعت کاربرد دارد. هر دوی اینها موتورند و هر دو، سیلندر دارند اما شیوه کنترل هر یک با دیگری متفاوت است که در کتاب به آنها اشاره شده است.

**پس راه‌حل‌های کنترل صدا در صنعت و محیط زیست بسیار با هم متفاوتند. چرا این دو را در کنار هم بررسی کردید؟**

در ابتدای راه چاره‌ای نداریم که منابع صدا را مشخص کنیم و تا منابع صدا کاملاً شناخته نشوند نمی‌توان به راه‌های کنترل آنها پرداخت به همین دلیل ما اسم این کتاب را به جای کنترل صدا، منابع صدا در صنعت و محیط زیست گذاشته و منابع صدا را در این دو محیط بررسی کرده‌ایم.

**اما کتابی به نام کنترل صدا در صنعت و محیط زیست در بازار وجود دارد. این دو چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟**

آن کتاب بیشتر به تئوری مفاهیم پایه کنترل صدا



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# جایگاه مولانا و بی جایگاهی فمینیسم



قطعا حق بااستاد گوهری است و مولانا متکلم نیست. او شأن بالایی دارد ولی در آثارش اندیشه های کلامی، فلسفی و فقهی به وفور موج می زند. از دید او، راه نبوت و ولایت منتج به آزادگی است.

منوچهر صدوقی: مولانا در هیچ قالبی نمی گنجد، مولانا، مولانا، مولانا، او عرفان و کلام را در خود دارد ولی صرفاً یک عارف یا صرفاً یک متکلم نیست.

اکثر حکما به قدم زمانی قائلند و متکلمان به حدوث زمانی. همه می دانند که زمان، منتزع از حرکات افلاک و در مرتبت دون افلاک است و افلاک هم در داخل عالم قرار دارد. وقتی عالمی نیست، زمانی هم نیست. معنای این که عالم ابتدا ندارد، قدم زمانی نیست. زمان داخل عالم است و این حرف که عالم، حادث زمانی یا قدیم زمانی است، نتیجه پیدا نمی کند.

عرفان ما دو قله دارد که یکی مولانا و دیگری ابن عربی است. این دو هم عصر یکدیگر بوده اند و مولانا به یقین از ابن عربی متأثر است اما این تاثیر مقلدانه نیست.

ادامه این جلسه باطرح نظرات متفاوت سخنرانان درباره اعتقادات کلامی مولوی همراه بود که گوهری مولانا را اشعری دانست و داکانی مولانا را قویاً معتقد به اختیار معرفی کرد.

گوهری: مولانا اشعری نیست و ماتریدی است. در برخی جاها و بحث های متکلمان را به صورت شعر بیان کرده است. ضمن آن که جنبه های مذموم کلام را ناشایست شمرده و معتقد است علمی که ما را به ایمان رهنمون کند، مثبت است و غیر از آن سیاهی و سوادست.

«آیا جنس سخن مولانا به گونه ای است که می توان از او توقع پاسخ به مشکلات بشر معاصر را داشت؟» و «بررسی مسأله جبر و اختیار و معادشناسی مولانا»، از جمله مباحث طرح شده از سوی سخنرانان این نشست مولوی پژوهی بود که در جلسات آینده این سلسله نشست ها در سرای اهل قلم، به آنها پرداخته خواهد شد.

رشد یک ژانر لطمه بزند و باعث تحول بخش دیگری شود.

بلقیس سلیمانی: زنان اغلب می خواهند از روش هایی بهره ببرند تا خود را ثابت کنند. بیان آنان پیچیدگی ندارد. زنان جزئی نگردند و به مسائل انتزاعی کمتر می پردازند و زندگی طبقه متوسط شهری را خیلی خوب می توانند نشان دهند. در مجموع رمان و داستان کوتاه، عرصه ای بود که زنان برای بیان ذهنیات خود از آن استفاده می کردند. کتاب «دختران گیتی» نوشته منصوره شریف زاده سال جاری (۸۸) از سوی نشر تکا منتشر شد.

## مولانا، مولانا

نشست مولوی پژوهی سرای اهل قلم خانه کتاب با حضور پرویز عباسی داکانی، نویسنده و متخصص حوزه فلسفه، عباس گوهری، استاد الهیات و فلسفه و منوچهر صدوقی، عرفان پژوه بر گزار شد.

عباس گوهری: من مرتبه عرفانی مولانا را برتر از متکلمان می دانم و کسی که از متکلم بالاتر است، کمک بیشتری به دینداران می کند و انسان ها را به عرصه شیرین و جذاب عرفان دعوت می کند که متکلم از آن غافل است.

مولانا طریق دل و فطرت را پیش می گیرد و انسان رادارای فطرت می داند. او بحث های جدلی را رد می کند؛ در حالی که متکلم از طریق جدل فقط می خواهد مخاطب را ساکت کند.

کلام، دغدغه خاطر انسان از ابتدا تاکنون است و ما اگر در بحث های کلامی از بحث اثبات صانع شروع کنیم، می بینیم که مولانا به حدوث عالم معتقد است.

پرویز عباسی داکانی: مولانا در عین عارف بودن، دارای اندیشه های کلامی هم هست و می توان گفت، عارف هم می تواند اندیشه های کلامی داشته باشد.

مولانا ما را به خودمان ارجاع می دهد و می گوید وجدانا به خود ببینید. آیا در این صورت خود را بی اختیار می بینید؟

وجود دارد که داستان، داستان کسی است که خودش حضور چندانی ندارد. همچنین بومی شدن داستان ها در این کتاب بیشتر برای نشان دادن مناسبات فرهنگی و اجتماعی است. وجود برخی اشیاء و مناسبات های فرهنگی، فضایی بومی ساخته به همین دلیل ما شاید بیشتر با پردازش های مکان سر و کار داریم تا مناسبات های اجتماعی.

هشتاد درصد داستان ها در این کتاب زنانه هستند و به زنان، اغلب مثبت نگاه شده، در حالی که طبیعی است در جامعه مردسالار، زنان هم متأثر باشند، ولی در داستان «آب نبات ها» جنبه مردسالارانه که در جامعه مردسالار تسری پیدا می کند، از نگاهی منفی تراوش نکرده است.

ما بیشتر با نقد فمینیستی سرو کار داریم تا ادبیات فمینیستی و این نوع نقد هم رویکرد جدیدی است. در هر حال، ما چیزی به نام ادبیات فمینیستی نداریم و بیشتر با آثاری مواجهیم که دارای مضامین زنانه اند.

دغدغه من، انسان است؛ زن یا مرد نیست. من از کودکی با ادبیات جهان آشنا شدم و ادبیات انگلیسی و بعد ادبیات تطبیقی خواندم و نوشتن را با شعر آغاز کردم.

فکر می کنم تاثیر این مطالعات در داستان هایم به صورتی درونی بروز کرده است. الگویم همیشه حافظ بوده و همواره فکر کرده ام چگونه می توانم حرف هایم را مختصر تر بگویم. به این ترتیب برای خودم سبکی کوتاه انتخاب کردم و علاوه بر محتوا به فرم هم بسیار پایبندم.

کامران پارسی نژاد: این سوالات مطرح است که آیا پررنگ بودن شخصیت زن در داستان می تواند این داستان ها را در زمره داستان های فمینیستی

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

در دو نشست که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی و ادبیات داستانی در جلسات جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

**از نقد فمینیستی تا ادبیات فمینیستی**  
نشست نقد و بررسی کتاب «دختران گیتی» نوشته منصوره شریف زاده، با حضور رضا نجفی، بلقیس سلیمانی و کامران پارسی نژاد در سرای اهل قلم برگزار شد.

در این نشست، بحث هایی درباره ادبیات بومی و فمینیستی شکل گرفت که به طرح پرسش و پاسخ هایی از سوی منتقدان منجر شد. نجفی در این جلسه با اشاره به ضرورت رویکرد نقد فمینیستی، ادبیات فمینیستی را از ادبیات معاصر ایران دور دانست.

رضا نجفی: در این مجموعه داستان، نویسنده خیلی درگیر بازی های داستانی نیست، ولی در عین حال زبانی ساده و سلیس دارد. بیشتر داستان ها پیرنگ ساده ای دارند و ما در آنها با یک برش مقطعی روبه رویم که در موقعیت های خیلی عادی با نگاهی عمیق خلق شده اند.

داستان های این مجموعه را می توانیم با رویکرد نقد فمینیستی یا جامعه شناختی بررسی کنیم. البته نقد روانشناسانه و جامعه شناسانه ممکن است محل اختلاف باشد.

نقطه قوت های فرمی این کار، بیان غیرمستقیم



قرار دهد و داستان های شریف زاده تا چه حد به داستان های کوتاه قابل طرح، نزدیکند؟ اگر چه رمان مورد استقبال خوانندگان است اما نگاه حرفه ای، متوجه داستان کوتاه است و این ژانر اغلب مورد استقبال خود نویسنده قرار دارد. نویسندگانی که از فرصت های زمانی کمتر بهره دارند به داستان کوتاه روی می آورند، در حالی که شرایط متفاوت اجتماعی می تواند به

است. پایان بندی ها گشوده اند و استفاده از تمثیل در برخی کارها دیده می شوند و به همین دلیل به داستان قابلیت تفسیر و تأویل می بخشند.

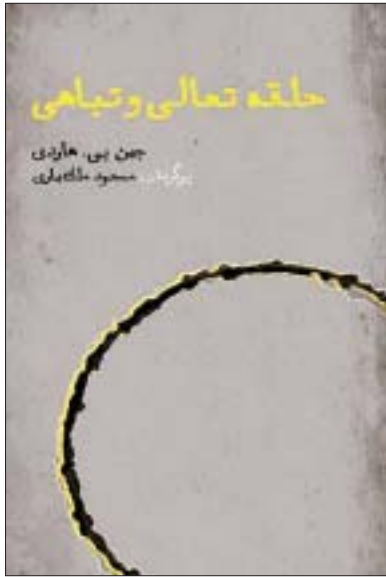
در برخی داستان ها نیز رفت و آمد بین زمان گذشته و حال را شاهدیم که این جزو بازی های فرمی نویسنده به حساب می آید و شاید برجسته ترین کار در این اثر، روایت داستان هایی از آدم های غایب است. در این کتاب، این گرایش

نگاهی به «حلقه تعالی و تباهی» اثری برای تحلیل «ارباب حلقه‌ها»

# ارباب حلقه‌ها، اسطوره‌ای نوپدید که عتیق شد

هستی‌شناختی) برسم. شاید جست‌وجوی این قلم کافی نبوده؛ ولی ایراد به مترجم «حلقه تعالی و تباهی» وارد است که منظور خود را از به کاربردن این دو ترم و معنای کانتی‌شان دقیقاً روشن نمی‌کند. در کنار اینها، نه در معنای کانتی، بلکه در معنای معمول، تفاوت نظر فریز و تایلور از یک سو و لوی برول از سوی دیگر را تنها در قالب تعارضی هستی‌شناختی درک می‌کنم و نه روش شناختی. پیشگفتار جدا از این اشکال کوچک، در پیچه مناسبی به بحث نویسنده کتاب، جین بی. هاردی محسوب می‌شود.

کتاب «حلقه تعالی و تباهی» کوچک است؛ ولی در عین حال اهم مطالب درباره ارباب حلقه‌ها و حتی پاره‌ای بحث‌های تئوریک را نیز دربردارد. خواننده ضمن آن که در این کتاب با خلاصه داستان اصلی آشنا می‌شود (در صورتی که حوصله خواندن کتاب سه جلدی اصلی را به ترجمه رضا علیزاده نداشته باشد) می‌تواند از مطالعه یک مقاله تحلیلی ۶ صفحه‌ای با عنوان «جهان داستانی تالکین» نیز لذت ببرد. به نظر نویسنده (هاردی)، جهان داستانی تالکین شباهت بسیار به سده‌های میانه (قرون وسطی) اروپا دارد. شاید یکی از هوشمندانه‌ترین تحلیل‌های هاردی، توجه دقیقش به این نکته باشد که مخاطبان قرن بیستمی یک اسطوره نوپدید (شاید تحت تاثیر روحیه جمعی و کار گروهی در جهان مدرن)، اعمال تک‌نفره قهرمانی را دیگر باور نمی‌کنند، درست برخلاف مخاطبان یونانی دو هزار سال پیش حماسه‌ای چون اودیسه؛ یا مخاطبان سونادی و دانمارکی ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش حماسه بیوولف، به همه فواید این کتاب، بخش تبارشناسی نام‌ها در ارباب حلقه‌ها (معادل همان «اعلام» خودمان) را اضافه کنیم و ذکر این که برای این کتاب، حتی اگر ارباب حلقه‌ها را هم دوست نداشته باشیم و صرفاً از علاقه‌مندان بحث‌های تئوریک مربوط به حوزه اساطیر باشیم، فقط به دلیل گنجاندن، پیشگفتار مترجم در آن، می‌توان با خیال راحت سه هزار و چهارصد تومان هزینه کرد. این کتاب نخستین عنوان از مجموعه کتاب‌های «کارگاه نقد ادبی» انتشارات قاصدک صباست.



فرآیندهای استدلالی و عقلی را ندارد و از اساس ذهنی پیش منطقی و عرفانی است. ملک‌یاری برای غلبه بر این تعرض، به یکی از آرای ارنست کاسیرر ارجاع می‌دهد. کاسیرر در کتاب «اسطوره دولت» با اشاره به این دو نظر متعارض، به این نتیجه می‌رسد که اگر چه فرآیندهایی که ذهن انسان بدوی و انسان امروز در تحلیل و تنظیم جهان طی می‌کنند بسیار شبیه‌اند ولی نتایج به همان اندازه متفاوتند. ملک‌یاری این بحث‌رادر اینجاست: بنده به پرسش دوم می‌پردازد. ولی نکته‌ای هست و آن این که نویسنده پیشگفتار تعارض بین دو نظر متعارض پیش گفته را ناشی از تفاوتی «روش شناختی» و نه «هستی‌شناختی» می‌داند؛ و تاکید می‌کند که این دو ترم (اصطلاح) را در معنای کانتی خود به کار گرفته است. شخصاً هرچه تلاش می‌کنم، منظور از کاربرد این دو ترم را در این متن نمی‌فهمم. ضمن آن که با وجود جست‌وجویی نه چندان گسترده نتوانستم در متون ترجمه شده کانت به فارسی به معنای این دو تعارض (روش شناختی و

اسطوره‌شناسی چون میرچا الیاده نیز به بررسی چرایی وجودشان بپردازند. ارباب حلقه‌ها یکی از همین اسطوره‌های نوپدید است و شاید تازه‌ترین آنها باشد. اگر چه رمان «هابیت» تالکین که آغاز ماجرای آشنای حلقه است، در دهه چهارم قرن بیستم منتشر شد (در ۱۹۳۷؛ یعنی دو سال پیش از آغاز جنگ دوم جهانی) ولی عموم مردم جهان با این ماجرا از طریق رمان «ارباب حلقه‌ها» آشنا شدند که دو دهه بعد در میان دهه پنجاه میلادی به چاپ رسید. شمار بسیار بیشتری نیز آشنایی با این اسطوره را مدیون سه گانه سینمایی پتر جکسن‌اند. باید به این پرسش پاسخ داد که چرا تب «ارباب حلقه‌ها» اپیدمی شد؟ به کدام مصائب روز اشاره داشت و از کدام آرزوها سخن می‌گفت؟ پاسخ این دو پرسش و پرسش‌های دیگر را می‌توان در کتاب کوچک پالتویی جین بی. هاردی جست‌وجو کرد که با ترجمه و پیشگفتار مسعود ملک‌یاری، اخیراً از سوی انتشارات قاصدک صبا به چاپ رسیده است.

## چند نکته درباره «دیالوگ با اساطیر»

متن کتاب به جای خود؛ پیشگفتار ملک‌یاری با عنوان «دیالوگ با اساطیر» به ویژه شایسته توجه است. عمده بحث ملک‌یاری در این نوشته، صرف پاسخ‌گویی به سه پرسش شده است: ۱- اسطوره ساخته ذهنی پیش منطقی است یا منطقی؟ ۲- مرز میان اندیشه علمی و اسطوره‌ای کجاست؟ ۳- اسطوره در حیات اجتماعی انسان چه نقشی دارد؟ او در روند پاسخگویی به پرسش نخست از تقابل آرای جمیز جورج فریزر (نویسنده کتاب معروف «شاخه زین») و تایلور از یک سو، و آرای لوی برول فرانسوی (از معروف‌ترین پژوهندگان حوزه ذهن انسان بدوی) از سوی دیگر سود برده است. (به نظر می‌رسد ملک‌یاری با تذکار وجود چنین تقابلی نخستین بار در آثار ارنست کاسیرر فیلسوف آلمانی مواجه شده باشد). دسته نخست، معتقدند هیچ تفاوتی میان ذهن اسطوره‌محور و ذهن انسان علم‌محور امروز نیست؛ و لوی برول به عکس می‌گوید که ذهنیت انسان بدوی و انسان امروز از بیخ با هم متفاوتند و اصولاً ذهن انسان بدوی قدرت انجام

همین سال ۲۰۰۹ بود که یک برداشت سینمایی دیگر به قریب ۵۰ برداشت سینمایی «ارباب حلقه‌ها» اثر جان رنالد تالکین افزوده شد. فیلم «شکار گولوم» به کارگردانی کریس بوچارد و با بازی آدریان ویستر، در سینماهای جهان به نمایش درآمد و همین روزها، فیلم «هابیت» براساس نخستین رمان تالکین، نوشته شده در زمانی که هنوز هیچ خبری از ارباب حلقه‌ها نبود، توسط گیلر دل‌تورو در حال ساخت است. آن صبحانه کدایی بلبلیو بگینز در آغاز رمان هابیت و چیتی که چاق شده و نشده باید خاموش می‌شد و پایان محتومش براساس قواعد نانوخته اسطوره‌ها در نابودی همه بدی‌ها و طلوع تمام خوبی‌ها با آغاز پادشاهی باستانی آراگورن پسر آراتورن، همه افسانه، همه خواب و خیال‌های یک انگلیسی از دانشگاه آکسفورد شهر کهن ساکسون، این خواب طلوع خورشید در مه غلیظ عرض ۵۱ درجه شمالی، چرا هنوز برای مردم گوشه و کنار جهان جدابیت (حتی) سینمایی دارد؟

بیش از نیم قرن از نخستین چاپ «ارباب حلقه‌ها»، توسط انتشارات آلن - آنوین در ۱۹۵۵ میلادی، یعنی در ۶۳ سالگی نویسنده می‌گذرد. به چند دلیل در این مدت بحث‌های بسیاری از ریشه‌شناسی نام‌ها تا جغرافیای ماجرای حلقه، تا قوم‌شناسی این افسانه اسطوره نوپدید و ارتباط آن با شرایط روز جهان (در زمان نوشته شدنش) در گرفته است. تالکین زبان‌شناس و استاد آکسفورد بود و جهان تازه‌اش، همان قدر که عتیق می‌نمود، به دلایلی که برخی از مهم‌ترین‌های آنها در پیشگفتار مسعود ملک‌یاری بر کتاب «حلقه تعالی و تباهی» ذکر شده‌اند، طنینی معاصر داشت که ضعف‌ها و نابشری‌های بشر قرن بیستم را نیز گوشه می‌کرد. اسطوره‌ها و افسانه‌های نوپدید که عموماً طی پنج قرن گذشته ظهور کرده‌اند، بحث‌های بسیاری را بین اسطوره‌شناسان، روانکاوان جامعه‌شناسان و حتی شاعران و نویسندگان ایجاد کرده‌اند. دراکولا، سوپرمن، بتمن، بشقاب‌های پرنده و تازان و فرانکشتاین، آن قدر مهم و تاثیرگذار بوده‌اند که روانکاوانی چون کارل گوستاو یونگ و

## دانش واستو؛ نمونه هندی فنگ‌شویی

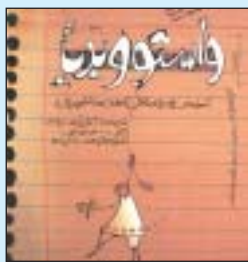
عناصر در یک سازه مسکونی یا کاری، پیش از آن که براساس هر عامل دیگر تعیین شود، اصول باورهای قومی را و در واقع جان‌بینی و جهان‌شناسی یک قوم مشخص را بازتاب می‌دهد. از شکل شهرها و معابد معماری اینکاه‌ها و آرت‌ها در آمریکای مرکزی و شمال آمریکای جنوبی تا منازل مسکونی و معابد ذن و شیتو و باغ‌های ژاپنی، آتشکده‌های زرتشتی و معابد قدیم تر چون معبد آناهیتا، مساجد اسلامی، معابد هندو و معابد چینی، کلیساهای اولیه مسیحی و کلیساهای (مثلاً) باروک، همگی شاهد صادق جهان‌بینی یک قوم و حتی آینه تغییر ذائقه قوم طی قرون و اعصارند. بورکهارت در کتابش برخی از مهم‌ترین وجوه شباهت بین پاره‌ای از این انواع معماری را به دقیق‌ترین شکل مشخص کرده است.

«واستو ویدیا» کومار بانسال، اگر چه کتابی سرگرم‌کننده با گروه هدف دانش‌آموزان و دانشجویان است و اصولاً راهکارهایی برای بهتر شدن چیدمان اتاق مطالعه ارائه می‌دهد و تصویرسازی جذاب آن نیز به کتاب صبغه‌ای طنز آمیز و شاید نوجوانانه بخشیده، اما شاید کام‌نخستی باشد برای معرفی بهتر و بیشتر این علم کهن تا مانند آینه‌ای برابر جهان‌بینی هندوان قرار گیرد. این کتاب از نظر پژوهش‌های مرتبط با واحدهای درسی رشته ادیان و عرفان در دانشگاه‌ها - براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی - می‌تواند برای دانشجویان و استادان نیز بسیار مفید باشد.

هندی به چشم می‌خورد را خود را از غرب جدا کرده است. مقایسه‌ای بین اصول واستو ویدیا و فنگ‌شویی تفاوت‌های آن را بیشتر مشخص می‌کند. دانش واستو بر پنج عنصر استوار است: آتر، باد، آتش، آب و خاک. فنگ‌شویی نیز بر پنج عنصر تکیه دارد که سه تای آنها (آب و خاک و آتش) با واستو ویدیا مشترک است و دو اصل دیگر عبارتند از چوب و فلز. با استفاده از پاره‌ای قواعد، فنگ‌شویی از این عناصر استفاده می‌کند تا به اصطلاح چینی‌ها، نیروی «چی» را در یک سازه معماری

بیشینه کرده و با به چرخش در آوردن این نیرو در سازه، از سکون آن جلوگیری کند. واستو ویدیا هم مشابه همین هدف را برای نیروی در پیش دارد که آن را «پران» می‌نامد. به هر حال اینها نظرات هندی‌ها و چینی‌های باستان است. اما درباره برداشت‌های باستانی از معماری، تاکنون کتاب‌های چندی به فارسی منتشر شده که شاید معروف‌ترین آنها «هنر مقدس» تیتوس بورکهارت به ترجمه جلال ستاری باشد. این کتاب‌ها از این جهت اهمیت دارند که مشخص می‌کنند برای گذشتگان (از هر قومی) اسلوب معماری و چیدمان

باور هندوان واحدهای اصلی انرژی در جهانند) در یک فضای محصور به خوبی جریان پیدا کند یا یک سازه معماری به گونه‌ای در جهات جغرافیایی سمت و سو بگیرد که حداکثر انرژی پران را با بهترین هماهنگی (از نظر هندی‌ها البته) دریافت کند. روی همین اصل واستو ویدیا پیشنهاد می‌کند که مثلاً اتاق مطالعه در منتهی‌الیه شمال شرقی منازل قرار داشته باشد؛ یا هنگام مطالعه روبه روی پنجره‌ای باز بنشینیم و هوای اتاق مطالعه را به طور مداوم تهیه کنیم و همیشه یک پارچ آب در آن داشته باشیم و تا حد ممکن، آن را در سمت شمال شرقی اتاق جابدهیم و نظراتی از این قبیل، شاید برخی از مخاطبان این مطلب پیش از این با فنگ‌شویی آشنا شده باشند. فنگ‌شویی دانش معماری و چیدمان چینی است و اگر چه در اساس خود با واستو ویدیا چندان تفاوت ندارد، اما دستورالعمل‌ها و راهکارهایش گاه کاملاً متفاوت از دانش واستو است. اساس معماری و چیدمان شرق جهان، سادگی است. شرق با این سادگی ذاتی و درونی خود که از طراحی باغ‌های ژاپنی در مکتب ذن گرفته تا منازل این کشور و معابد چینی و



دانش واستو، برای نخستین بار در قالب کتابی سرگرم‌کننده در ایران معرفی شد. واستو ویدیا از دو جزء تشکیل شده؛ واستو به معنای بهروزی و سلامتی از ریشه (vas) و ویدیا (از ریشه وید یا بید) به معنای دانش. نام «ودا»ها که کتاب معروف هندی‌هاست. از همین ریشه گرفته شده. واستو ویدیا نزدیک به پنج هزار سال در هند قدمت دارد و توضیح مبسوط و مفصلش مربوط می‌شود به کتاب چهارم از چهار کتاب فرعی ودایی به نام «استاپاتیا ودا» یا «ساله‌ای درباره معماری و چیدمان ودایی» سه کتاب دیگر فرعی ودایی یکی «کاندار وودا» درباره موسیقی، دیگری «اپورودا» درباره پزشکی و سومی «دانور ودا» درباره هنرهای رزمی است. این چهار کتاب را البته نباید با چهار کتاب اصلی ودایی اشتباه گرفت؛ یعنی با این چهار کتاب: «ریگ ودا»، «یاجور ودا»، «ساما ودا» و «آترا وودا».

از این مقدمه کوتاه برمی‌آید که واستو ویدیا که بخش بسیار جزئی و مختصری از آن دستمایه تدوین کتاب «واستو ویدیا»ی آشوبن کومار بانسال به ترجمه هومن بابک شده و انتشارات لیوسا با تصویرگری هما ساداتیان منتشرش کرده در واقع دانش طراحی و معماری را از نظر هندیان باستان در بر دارد. در این دانش، شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای چیدمان منزل و محل کار و هر فضای مسکونی دلخواه و نیز معماری خارجی آنها ارائه شده است. تاکید در این شیوه چیدمانی بر این است که نیروی پران (ذرات بسیار ریزی که به

## فرصتی برای الگو شدن

فراه دانشمند: استفاده از رنگ‌ها و نورهای زیبا در بخش‌های کودک و نوجوان و در طبقات گوناگون نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، تابلوی دعوتی برای نهال‌های تازه پا گرفته و در حال رشد زندگی مان است که رغبت کودکان را نسبت به فراگیری مبانی دینی و قرآنی افزایش می‌دهد.

آشنایی با قرآن و تعمیق رابطه کودکان و نوجوانان با کتاب آسمانی از دوران کودکی، می‌تواند زمینه‌ساز وسیع‌ترین تغییرات و تحولات در دوران بزرگسالی باشد.

مهم‌ترین هدف بخش کودک هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم از ۱۵ کارگاه با حضور ۴۵ کارشناس تربیتی تشکیل شده، تعمیق ارتباط کودکان با قرآن، به شکلی است که در آن احساس نشاط فراوانی وجود داشته باشد و مفاهیم و آموزه‌های قرآنی به زیباترین شکل برای کودکان بیان شوند. سنجش معلومات قرآنی، نمایش سایه‌ای، نقاشی دیواری و روزمیزی، تلاوت قرآن کریم، مسابقات رایانه‌ای، جدول‌های قرآنی، قصه‌گویی و کتابسازی، خوشنویسی، نقش برجسته، کتیبه‌نویسی روی گل و کاغذبری، از جمله بخش‌هایی به شمار می‌روند که برای حضور کودکان طراحی شده‌اند و کودکان می‌توانند هنگام بازدید والدینشان از بخش‌های مختلف، به کارهایی بپردازند که علاقه و استعداد خاصی در انجامش دارند.

با فراهم شدن این زمینه، حتی والدینی که شاید موفق به شناخت این علقه و استعداد های درونی فرزندانشان نشده‌اند، می‌توانند به علقه او پی ببرند و در راستای تقویت این استعداد از سوی کارشناسان قرآنی حاضر در این نمایشگاه راهنمایی شوند. برگزاری کارگاه‌های هم‌نوایی قرآن کریم، قصه‌گویی قرآن، نمایش سایه‌ای از زندگی پیامبران و ائمه (ع)، نقاشی و کتیبه‌نگاری از دیگر فعالیت‌هایی‌اند که برای کودکان حاضر در نمایشگاه قرآن در نظر گرفته شده‌اند.



کارشناسان مسائل دینی در حوزه‌های گوناگون قرآنی با مناسب‌ترین برخورد ها در برابر کودکان والدین آنها و در قالب برنامه‌های شاد و مفرح، به تصحیح خواندن نماز و قرائت کودکان در طول برگزاری نمایشگاه قرآن مشغولند.

اینها، همه تلاش‌ها و اقداماتی‌اند که اگرچه شاید از نظر برخی بزرگترها، قابل توجه نباشند اما نباید تردید داشت که این برنامه‌های متنوع و به یاد ماندنی، هرگز از لوح سفید و بی‌خش دل کودکان پاک نخواهند شد و این خود یکی از رموز ماندگاری قرآن کریم است.



دورانی

سمیرا سرخان زاده

سهم کودکان و نوجوانان از نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

# سفر به دیار دل‌های بی‌غبار



نظر گرفته شده است. در انتهای این سالن که حالت خانوادگی پیدا کرده است و اغلب کودکان با والدینشان آمده‌اند، مجری برنامه به کودکانی که صحیح‌ترین پاسخ‌ها را به پرسش‌های قرآنی بدهند جایزه اهدا می‌کند. در این سالن بخش‌های متعددی با عنوان‌های روان‌خوانی، روخوانی و ... با حضور کارشناسان قرآنی خانم و آقا وجود دارد که هر یک از کودکان، متناسب با مفاهیم تابلو‌های راهنما، با توجه به توانایی‌ها و علائقی که دارند، در این بخش‌ها قرآن می‌خوانند و جایزه می‌گیرند.

در این نمایشگاه بخش‌های متعدد دیگری نیز با هدف آشناس کردن کودکان و نوجوانان با درس‌ها و آموزه‌های قرآنی در نظر گرفته شده است که از آن میان می‌توان به بخش‌های آشنایی با حاشیه‌کتاب‌های مذهبی و قرآن کریم، کارگاه‌های تصویرسازی، کتیبه‌نویسی و ... اشاره کرد.

مسئولان این نمایشگاه کوشیده‌اند با حذف پیچیدگی‌های غیر ضروری و ایجاد محیط دلپذیر برای کودکان، آنان را جذب فعالیت‌های قرآنی کنند تا برکات این فعالیت معنوی در زندگی فردی و اجتماعی آنان متبلور شود و این آموزش‌های قرآنی، در روند تربیت و پرورش آنان از دوران کودکی تأثیر گذارد.

تمامی این فعالیت‌ها و امکانات، به کودکانی اختصاص دارند که بتوانند در این فضای معنوی حاضر شوند یا با کمک بزرگتران خود از کتاب‌ها و دیگر محصولات این نمایشگاه بهره‌مند شوند اما مسئولان این نمایشگاه حتی از یاد کودکان نیازمندی که شاید هیچ‌گاه فرصت راه یافتن به این نمایشگاه را نداشته باشند، غافل نیستند و طرحی را برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) - با قرار دادن جایگاه‌هایی در خارج از محوطه سالن اصلی - برنامه‌ریزی کرده‌اند.

خیرین نیکوکار با حضور در نمایشگاه، علاوه بر بازدید از بخش‌های گوناگون این محفل قرآنی، می‌توانند به غرفه کمیته امداد امام خمینی (ره) در محوطه باز مصلا مراجعه و در روزهای میهمانی ماه خدا، کودکان بی‌سرپرست و نیازمند را یاری کنند.

وقتی تصمیم می‌گیری با نمایشگاه قرآن کریم خداحافظی کنی، احساسی شگرف داری؛ احساسی از جنس روزهای پاک کودکی، روزهایی که کتاب سپید دلت آماده نقش‌پذیری با کلمات نورانی قرآن بود و چه خوب که این نمایشگاه دوباره تو را به روزگاران خوش کودکی برده است.

آن‌هم روی دیوار دارند به همین دلیل، مربیان تابلو‌های ویژه‌ای را برای سرگرمی، آموزش و استعدادیابی آنان در این بخش قرار داده‌اند و با راهنمایی و مساعدتشان آنان را به نقاشی‌هایی با مضامین داستان‌های قرآنی دعوت می‌کنند.

کارگاه‌های کاغذبری، چاپ نقوش اسلامی و کارگاه نقش برجسته با گل به ترتیب پس از این غرفه قرار گرفته‌اند و در هر یک از آنها، علاوه بر کودکانی که والدینشان پس از سپردن آنها به این بخش، به بازدید از سایر بخش‌های نمایشگاه رفته‌اند، برخی از بزرگسالان نیز محو تماشا کار کودکان در این بخش شده و در اینجا مانده‌اند.

در گوشه‌ای دیگر از این بخش سالن نمایش با صندلی‌های فراوانی برای کودکان طراحی شده اما بزرگسالان بیش از کودکان در این فضا دیده می‌شوند و همراه کودکان خویش محو نمایش سایه‌ای «کودکی موسی» و «ابراهیم در گلستان» اند که در شش نوبت، قبل و پس از زمان افطار برگزار می‌شود. کارگاه‌های تذهیب، خوشنویسی و کارگاه حفظ قرآن نیز از دیگر بخش‌های سالن کودکان به شمار می‌روند. هر یک از مربیان این بخش خاطرات زیبایی از حضور کودکان پرشور و علاقه‌مند به قرآن دارند و معتقدند این فضای روحانی هر سال پربارتر از سال گذشته به آموزش‌های قرآنی و آشنایی کودکان می‌پردازد. هر یک از کودکان که در غرفه‌های گوناگون فعالیت خود را به شکل مناسب تری انجام دهند، موفق به دریافت کارت جایزه از سوی مسئولان هر بخش می‌شوند.

در طبقه دوم نمایشگاه قرآن نیز در میان بخش‌های متعددی که برای بزرگسالان در نظر گرفته شده، جذابیت‌هایی نیز برای کودکان به چشم می‌آید. سالنی برای کودکان نوجوانان و آموزش‌های قرآنی آنان در

**وقتی به بخش کودکان و نوجوانان هفدهمین نمایشگاه قرآن قدم می‌گذاری، وارد دنیایی روحانی می‌شوی که کودکان، صاحبان آنند و آن را می‌سازند**

نام نمایشگاه قرآن، فضایی روحانی و مجموعه‌ای از نسخه‌های قطور و زیبای قرآن و کتاب‌های دینی را در ذهن تداعی می‌کند که عده‌ای از بزرگسالان در حال بررسی و دیدن آنها هستند. تنها تصویری که شاید در گوشه‌ای از این تصویر درباره کودکان جای داشته باشد، عده‌ای انگشت شمار از چند کودک خردسالند که کنار پدر و مادرشان حضور دارند. اما به راستی، سهم کودکان و نوجوانان از هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم چقدر است؟

خوشبختانه در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در مصلا بزرگ امام خمینی (ره) برای کودکان نیز بخش‌هایی مستقل، برنامه‌هایی پربار و سرگرمی‌های آموزنده قرآنی در طبقات و بخش‌های این نمایشگاه در نظر گرفته شده است و آنان نیز در این فضای قرآنی، سهمی بزرگ دارند. کسانی که همه‌ساله به این نمایشگاه می‌آیند و با دقت از بخش‌های گوناگون آن دیدن می‌کنند، اگر امسال هم با همان دقت همیشگی آمده‌اند یا کودکی را همراهی کرده باشند، حتما آرزو کرده‌اند که «ای کاش من هم کودک بودم»

وقتی به بخش کودکان و نوجوانان هفدهمین نمایشگاه قرآن قدم می‌گذاری، وارد دنیایی روحانی می‌شوی که کودکان، صاحبان آنند و آن را می‌سازند. گویی این نمایشگاه در اصل برای آنها برگزار شده است. از همان بدو ورود به سالن ناشران (طبقه اول) کتاب‌هایی که با تصاویر زیبا و جذاب همراه شده‌اند، توجه بازدیدکنندگان را به خود جلب می‌کنند. ناخودآگاه مانند کودکی کنجکاو سراغشان می‌روی، صفحه به صفحه عطر الهی را استنشاق می‌کنی و در این فضا، کودکی خویش را در فضایی معنوی می‌جویی.

نه تنها کتاب بلکه معماها (پازل‌های) قرآنی، لوح‌های فشرده آموزشی و ... کودکان و نوجوانان را ساعت‌ها در این نمایشگاه به خود مشغول می‌دارد. با این وسعت، تنوع و گوناگونی، اغلب کودکان متحیر می‌مانند که کدام کتاب را بیشتر دوست دارند! بچه‌ها اغلب می‌خواهند هر چه را که می‌بینند، داشته باشند. در بخش لوح‌های فشرده آموزشی و داستانی این نمایشگاه نیز کودکان زیادی دیده می‌شوند که با دقت، چشم به برنامه‌های این نرم‌افزارها دوخته‌اند و در تصمیم‌گیری مرددند. پس از عبور از بخش ناشران، به سالنی مجزای کنار بخش دانشگاهی وارد می‌شوی که بخش کودکان نام گرفته است. سر در این بخش با دروازه‌ای آبی رنگ و منقوش به تذهیب‌های اسلیمی طراحی شده که با رنگ‌های روشن و آسمانی و نورپردازی مناسب آرامش و شادی را به روح آدمی پیشکش می‌کند. با همان خط و سلیقه کودکانه تابلویی طراحی و نام غرفه‌ها (اتاق‌های) این سالن روی آن ترسیم شده است.

کارشناسان قرآنی و متخصصان کودک و نوجوان در این سالن، به راهنمایی کودکان و آموزش و سرگرمی آنها می‌پردازند. از سمت چپ این سالن که چیدمان غرفه‌های گوناگون آغاز می‌شود، غرفه «سنجش معلومات قرآنی»، «مسابقات قرآنی کامپیوتری» و «حل جدول کامپیوتری» را می‌بینی که اغلب نوجوانانی که با خواندن و نوشتن و استفاده از کامپیوتر مأنوس ترند، در اینجا سرگرم محک زدن اندوخته‌های قرآنی خود و آموزش‌اند.

کمی جلوتر که به طول فضای مستطیل شکل «سالن کودکان» نزدیک تر است کارگاه و سیعی با عنوان نقاشی دیواری قرار دارد که فضایی معادل سه غرفه را به خود اختصاص داده است. کودکان علاقه زیادی به نقاشی،



هرمان هسه از جمله نویسندگانی است که تقریباً همه آثارش در عرصه رمان و داستان کوتاه به فارسی ترجمه شده‌اند، با این همه شعرهای این نویسنده کمتر مورد توجه مترجمان بوده است. برخی از شعرهای او پیش از این به فارسی ترجمه شده‌اند، اما اغلب این شعرها از زبان دوم (یعنی زبانی غیر از آلمانی) به فارسی برگردانده شده‌اند. کتاب «پرسه زدن در مه» را می‌توان نخستین کتاب مستقل شعر هرمان هسه به فارسی دانست که از زبان اصلی نویسنده، یعنی آلمانی به فارسی ترجمه شده است. این کتاب، توسط رضا نجفی به فارسی برگردانده شده که پیش از این ترجمه آثاری چون «شناختی از هرمان هسه»، «فردریش نیچه و گزین گویه‌هایش»، «هرمان هسه و شادمانی‌های کوچک» و «درآمدی بر رمان معاصر غرب» را در کارنامه‌اش دارد.

مترجم کتاب «پرسه زدن در مه»:

## مخاطب سعدی و مولانا مجذوب هر شعری نمی‌شود

هسه برعکس، زبان ساده و روانی دارد. البته این واژگان و ساختار ساده همیشه برای مترجم گول زنده بوده، مثلاً شعر خیام از نظر واژگانی و زبانی اصلاً به پای حافظ نمی‌رسد، اما این سادگی دلیل نمی‌شود که بگوییم شعر زیبا نیست. زیبایی شعرهای هسه نیز در سادگی آنهاست. به همین دلیل در ترجمه شعر علاقه و وسواس عجیبی داشتم تا این زیبایی در برگردان اثر حفظ شود و فکر می‌کنم همین نقطه قوت کارم در ترجمه این کتاب باشد.

**موضوع مرگ و عشق از محوری‌ترین موضوعات شعرهای این کتاب است؛ همیشگی این دو مفهوم در شعر هسه چه معنایی دارد؟**

اشعار هسه تغزلی است و عناصر خاص سبک رمانتیسیسم در آن به وفور به کار رفته است. بنابراین، طبیعی است که عشق به عنوان یکی از عناصر سبک رمانتیک در این شعرها زیاد پیدا شود. اما مهم‌ترین عاملی که هسه را از دیگر شاعران آلمانی متمایز می‌کند، تأثیرپذیری او از شرق و عرفان شرقی است. در شعر او به صورت گسترده از عشق و تناسخ روح - که ویژگی عرفان شرق آسیاست - صحبت به میان آمده است. فراوانی موضوع مرگ در شعرهای این کتاب نیز تا حدی به گزینشی که از اشعار او انجام داده‌ام برمی‌گردد. یکی از منابعی که برای گزینش اشعار این کتاب از آن استفاده کرده‌ام، کتاب «در ستایش سالخوردگی» بود چون این کتاب راهسده در اواخر عمر سروده، بیشتر مضامین شعر او درباره مرگ است. البته باید اضافه کنم که مرگ همواره موضوع اصلی آثار هسه و به ویژه رمان‌های او بوده است.



بخواهد شعر آلمانی را بفهمد باید یک زمینه فلسفی در ذهن داشته باشد. علت سوم نیز در ساده و رمانتیک بودن شعرهای هرمان هسه است. مخاطبان شعر مدرن، میانه‌ای با شعرهای هسه ندارند.

**آیا این سادگی به این دلیل نیست که شعر در ترجمه به صورت ساده درآمده است؟**

آثار هسه اعم از نثر و شعر برخلاف آثار دیگر نویسندگان و شاعران آلمانی ساده و بدون فرم است. در آلمان اغلب نویسندگان دنبال پیچیده و مغلق نویسی هستند، چون این دو ویژگی جزو ارزش‌های زیبایی‌شناختی ادبیات آلمانی به حساب می‌آید، اما

او کشاند این بود که برای شناخت هسه محبوب و پرمخاطب ناگزیریم بعد شعری او را نیز در نظر بگیریم، چراکه شعر و ذهنیت شاعرانه او در آثار داستانی، نقدها و دیگر نوشته‌های منشورش بسیار تأثیرگذار است.

**شعرهای هسه برخلاف رمان‌های او با تأخیر به فارسی ترجمه شده‌اند. آیا اقبال مخاطبان ایرانی به اشعار او کمتر از رمان‌هایش است؟**

در مجموع می‌توان گفت که شعرهای هسه در ایران موفق نبوده است؛ به عنوان مثال با این که رمان «دمیان» او هفت بار به فارسی ترجمه شده، اما ترجمه شعرهایش، با یک دهه تأخیر صورت گرفته است. از سوی دیگر، در ترجمه، اولین معیار برای جلب توجه مخاطب این است که آیا ترجمه شعر توانسته زیبایی‌های هنری را حفظ کند یا نه؟ اگر مترجم از عهده این کار برآمده باشد، سوال بعدی این است که آیا شعرهای ترجمه شده برای ذائقه ایرانی دلپسند است؟ سنت شعری ایران بسیار غنی و پرمایه است و مخاطبی که شعرهای مولانا، سعدی و حافظ را می‌خواند، مجذوب هر شعری نمی‌شود. می‌گویند هر کشوری در حوزه شعر تنها یک ملک الشعرا دارد، مثلاً ملک الشعرا آلمان، گوته است و ملک الشعرا انگلستان شکسپیر، در حالی که در ایران ده‌ها ملک الشعرا داریم که هم تراز هستند. زنده یاد حقوقی در نشست می‌گفت: «اگر ده شاعر بزرگ جهان را فهرست کنیم، پنج شاعر قطعا ایرانی است»، بنابراین برخلاف حوزه ادبیات داستانی، ترجمه شعر در ایران مخاطب زیادی ندارد. علت دوم عدم اقبال ایرانیان به شعر آلمانی این است که هر مخاطبی نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. اگر کسی

در سال‌های اخیر کتاب‌های ادبی فراوانی از نویسندگان و شاعران آلمانی به فارسی ترجمه شده است. آیا این نکته نشان‌دهنده علاقه مخاطبان ایرانی به ادبیات آلمانی است؟

یکی از دلایل افزایش ترجمه‌ها از ادبیات آلمان این است که شمار مترجمان ادبیات آلمانی در یک دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است. پیش از این دانشجویان اندکی در این رشته داشتیم، اما امروزه دانشکده‌های بسیاری در کشور دایر شده که به تربیت دانشجویان در رشته زبان و ادبیات آلمانی مشغولند. از دلایل دیگر رونق ترجمه از ادبیات آلمانی، افزایش تقاضا در میان کتابخوانان ایرانی است. یک دهه پیش نیز در حوزه ترجمه، مترجمان خوبی همچون محمود حسینی زاد و علی اصغر حداد را داشتیم که به دلیل عدم اقبال مخاطبان، چندان فعال نبودند. اما در سال‌های اخیر تقاضا برای ادبیات آلمانی به حدی افزایش یافته است که ناشران و مترجمان رغبت فراوانی برای انتشار این آثار دارند.

**هرمان هسه در ادبیات آلمانی چه جایگاهی دارد؟**

هسه در درجه اول رمان‌نویس برجسته‌ای محسوب می‌شود که در سنت شعر رمانتیک آلمانی نیز اشعارش قابل اعتناست. این نویسنده در ایران نیز جزو پرمخاطب‌ترین رمان‌نویسان آلمانی است. برای اثبات این مدعا، کافی است اشاره کنیم که در ۲۰ سال گذشته صد اثر از او به فارسی ترجمه شده و حتی برخی از رمان‌های معروف او نیز با پنج ترجمه گوناگون منتشر شده، اما او به عنوان یک شاعر کمتر در ایران شناخته شده است. انگیزه‌ای که مرا به سمت ترجمه شعرهای

**این کتاب چه اهمیتی برای محققان و کتابخوانان ایرانی دارد؟**

زمانی که این کتاب را برای تصحیح انتخاب کردم، یک چیز برای من تازگی داشت و آن هم این که چرا محمد زمان، نقاش معروف عصر صفویه، به ترجمه این کتاب علاقه مند شده است. با استادم درباره این موضوع صحبت می‌کردم، اما راز این علاقه بر من ناشناخته ماند. شاید یکی از انگیزه‌های محمد زمان این است که هنر چین در دنیا بسیار معروف بود و او به دلیل علاقه‌اش به هنر چین، به سمت ترجمه این کتاب کشیده شد. اما درباره اهمیت تصحیح این کتاب هم باید بگویم که این کتاب، از چند نظر برای ایرانیان مهم است؛ اول به اعتبار مقام شامخ هنری مترجم آن محمد زمان که از نقاشان بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ هنر ایران به شمار می‌رود. دوم این که این کتاب نمونه‌ای شیوا از نثر نویسی فارسی در دوره‌ای است که از آن به عنوان دوره انحطاط نثر فارسی نام برده می‌شود و سومین دلیل اهمیت این کتاب هم ترجمه مستقیم و بی‌واسطه از زبان لاتین است و افزون بر همه اینها «چین‌نامه» متنی کهن با موضوع چین‌شناسی به زبان فارسی به شمار می‌آید و اطلاعات ارزشمندی را درباره روابط فرهنگی چین و ایران به دست می‌دهد.

**برخی شواهد در این کتاب وجود دارد که نشان می‌دهد مقابله به شیوه تصحیح ایرانی نیست. در تصحیح کتاب از چه شیوه‌ای استفاده کرده‌اید؟**

بنده چون با تصحیح غربی آشنا بودم و استادم اصرار داشت که روش تصحیح به شیوه بین‌المللی باشد، بنابراین معیارهای تصحیح بین‌المللی را به کار بردم.

**پژوهشگر چینی زبان و ادب فارسی:**

## «چین‌نامه» راز درهای بسته چین است

هادی علیزاده

سنگی در هندوستان به چاپ رسید. بعد از آن دیگر نسخه‌ای از آن منتشر نشد و همین نکته، یعنی کمبود نسخه‌هایی از این کتاب، مشکلاتی را در تصحیح به وجود آورد. در آغاز پژوهش تنها دو نسخه چاپی از متن فارسی کتاب در دسترس داشتم که هر دوی آنها نیز از یک منبع و اساس فراهم آمده بود، بنابراین برای تصحیح دقیق‌تر و کسب صحت ترجمه محمد زمان به ترجمه چینی، انگلیسی و ایتالیایی کتاب مراجعه کردم و با این کار، افتادگی‌ها، کاستی‌ها و افزوده‌های ترجمه فارسی را به صورت زیرنویس آوردم.

**عنوان کتاب ظاهراً «تاریخ چین» بوده. به چه دلیل این عنوان به «چین‌نامه» تغییر کرده است؟**

در چاپ نخست و فهرست‌نامه‌ها از این کتاب با عنوان «تاریخ چین» نام برده شده است؛ در حالی که مطالب آن مربوط به مردم شناسی و آداب و رسوم و آیین‌های چین است و مطلبی درباره تاریخ چین ندارد. ظاهراً علت اطلاق «تاریخ» بر چنین کتابی، در نظر داشتن کاربرد قرن نوزدهمی تاریخ است. در این تعریف مفاهیم گسترده‌تر و از جمله مباحث مردم‌شناسی و فرهنگ جامعه نیز در قلمرو تاریخ‌فرامی‌گرفت؛ از این رو نام و عنوان «چین‌نامه» برای آن انتخاب شده که هم باروش‌دیرین نامگذاری کتاب در زبان فارسی مطابقت دارد و هم متناسب با موضوع کتاب است.

پژوهندگان قرار گرفته و بلافاصله به زبان‌های مختلف اروپایی برگردانده شده است. اهمیت این اتفاق، زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در طول سال‌های حکومت سلسله مینگ در چین، سیاست درهای بسته اجرا می‌شد و با کشیدن دیواری به اطراف کشور، مانع ورود هر شخص غیرچینی می‌شدند در واقع نویسنده این کتاب شخصی خردمند و تیزبین است که با هدف تبلیغ مسیحیت، به کشور ما سفر کرد و با به‌کارگیری دانش روز، توانست درهای فرو بسته چین را بگشاید. ورود ماتیو ریچی به چین، سرآغازی برای شروع یک دوران جدید بود؛ چرا که از یک سو موجب ورود تمدن اروپایی و تأثیرگذاری آن بر تمدن چین شد و از سوی دیگر دانش‌های معاصر غرب به چین راه یافت. اروپاییان هم در همین دوره به ترجمه متون کلاسیک چین و مطالعه مکتب کنفوسیوس و نظام‌های اندیشه و فرهنگی و ادبیات چین پرداختند. **آیا تاکنون تصحیحی از این کتاب عرضه شده بود؟**

نه! این اولین تصحیح بود. پیش از این، نه تنها تصحیحی از این کتاب ارائه نشده بود، بلکه چاپی مناسب از آن نیز وجود نداشت. این کتاب اولین بار در سال ۱۸۶۴ توسط انجمن علمی کلکته که از نهادهای وابسته به کمپانی هند شرقی بود، به صورت چاپ

«چین‌نامه» با آن که در اصل به زبان لاتین نوشته و سپس در قرن نهم به فارسی برگردانده شده از نمونه‌های بی‌بدیل نثر فارسی به حساب می‌آید. این کتاب توسط ماتیو ریچی، کشیش ایتالیایی در اوایل قرن هفدهم میلادی نوشته شده و در بردارنده سفراین کشیش در جاده ابریشم است. محمد زمان، نقاش نامدار عصر صفویه این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و با نثر ویژه خود که در عین سادگی، از بلاغت خاصی نیز بهره داشت، آن را در ادبیات فارسی به ثبت رساند. «چین‌نامه» به تازگی با تصحیح دکتر لوجین، پژوهشگر چینی، توسط انتشارات میراث مکتوب منتشر شده است. این تصحیح در مراسم بزرگداشت حامیان نسخ خطی در کتابخانه ملی نیز مورد تقدیر قرار گرفت. دکتر لوجین، مصحح این کتاب، دانش‌آموخته رشته دکترای زبان فارسی و ادبیات از دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم اجتماعی چین است. با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

**چه انگیزه‌ای موجب شد این کتاب را برای مخاطبان ایرانی تصحیح کنید؟**

این کتاب را پنج سال پیش، زمانی که دانشجوی دوره دکترای دانشگاه تهران بودم تصحیح کردم. هنگامی که درباره موضوع رساله دکتری خود با استادم، دکتر مظفر بختیار مشورت کردم، از میان چند موضوعی که با در نظر گرفتن توانایی و زمینه فرهنگی پیشنهاد کردند، پژوهش و ویرایش این کتاب برایم شگفت‌آور بود. پس از مطالعه این کتاب، علاقه فراوانی به آن پیدا کردم، چرا که بی‌بردم این کتاب از همان آغاز انتشار، مورد توجه و عنایت



سایر محمدی

کتاب «عجایب ایرانی» اثری تحقیقی به قلم پرویز براتی است که روایت، شکل و ساختار فانتزی عجایب‌نامه‌ها را به همراه متنی از این دست متعلق به قرن هفتم در برمی‌گیرد. این کتاب اخیراً توسط نشر افکار منتشر شده است. پرویز براتی، نویسنده این کتاب قبلاً مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه کورت وونه‌گات را با عنوان «اپیکات» به فارسی برگرداند که توسط نشر کتاب نادر چاپ و منتشر شد. وی متولد ۱۳۵۶، مترجم و روزنامه‌نگار است و لیسانس ادبیات از دانشگاه اصفهان دارد. براتی اکنون کتاب «تمدن ایرانی» را توسط نشر افق در دست چاپ دارد که شامل نقاشی‌هایی برای کودکان و نوجوانان است. علاوه بر این براتی در حال حاضر پژوهشی در زمینه تاریخچه علوم غریبه را در دست تالیف دارد.

در گفت و گو با پرویز براتی مولف کتاب «عجایب ایرانی» مطرح شد

# تقدم عجایب‌نامه‌های ایرانی بر آثار مارکز

خیال‌انگیز جهان کنونی ما هم کمک می‌کند. در ادامه این جست‌وجو، در بین عجایب‌نامه‌های چاپ شده و نسخه‌های خطی موجود، به نسخه‌ای از کتاب «نوادر التبادر لتحفه البهادر» در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دست پیدا کردم که این نسخه را نخستین بار ادگار بلوشه در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس معرفی کرده بود. نام این کتاب در نسخه پاریس «نوادر التبادر لتحفه البهادر» ذکر شده است. ولی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به اسم «نوادر الادوار لخرانه نور الانوار» ثبت شده است. تاریخ تالیف این کتاب سال ۶۸۲ هجری ذکر شده و نام کامل نویسنده آن شمس‌الدین محمد بن قاضی‌امین‌الدین ایوب بن ابراهیم الدینسری است. این کتاب در دوازده فن (فصل) تالیف شده است که فصل نهم کتاب که به عجایب زمان اختصاص داده شده خود عجایب‌نامه‌ای مستقل به حساب می‌آید. اتفاقات هم‌این فصل از کتاب به عجایب و غرایب اختصاص دارد و باقی فصل‌ها حول محور علوم طبیعی و ریاضی است. بنابراین تصمیم بر این شد که با بازنویسی دوباره این فصل وجه عجایب‌نامه‌ای آن را برجسته‌تر کنیم تا خواننده از طریق متن اصلی یکی دیگر از متون عجایب‌نامه‌ای با هستی‌شناسی قرن‌های گذشته آشنا شود. البته این کتاب در سال ۵۰ توسط محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار براساس نسخه پاریس تصحیح شد و بنیاد فرهنگ ایران هم آن را منتشر کرد اما در تصحیح فعلی سعی شده با اصل قراردادن نسخه‌های مهم دیگر، آن را در قالبی تازه که مناسب حال خواننده عام هم باشد ارائه دهیم. ضمن این که نسخه دانشگاه تهران اختلاف‌های اساسی با نسخه پاریس دارد.

**بخش اول کتاب را در هفت فصل تدوین کرده‌اید و در این فصل‌ها به پیدایش سنت عجایب‌نویسی، زمینه‌های پیدایش عجایب‌نامه‌ها، نقش سنت ترجمه در ایران، عجایب‌نامه‌ها و هستی‌شناسی ایرانی و ... پرداخته‌اید. این موارد را می‌توانید توضیح بدهید؟**  
پس از مقدمه، به پیدایش سنت عجایب‌نامه‌نویسی پرداختم و آن را ادامه نهضت ترجمه در ایران ارزیابی کردم. عجایب، شگفتی‌های دوران گذشته هستند. این کلمه و مشتقات آن در قرآن هم آمده است. عجایب خلقت خداوند، عجایب‌پدیده‌ها و امور پیش‌بینی‌ناپذیر و نامعمول هستند. به گفته کرامرز، عجایب از یک سو از ذهنیت یونانی (ارسطویی) و از سوی دیگر از تصورات انجیلی شرقی نشأت گرفته‌اند. با این حال خاستگاه عجایب‌نامه‌ها را در اسلام هم می‌توان جست‌وجو کرد. اسلام تداوم دهنده سنتی کلاسیک است که در شرق فرمول‌بندی شده بود. در قرآن به پدیده‌های شگفت‌انگیز اشاره‌های زیادی شده است. این اشارات البته کارکردی اخلاقی دارند و ذکر عجایب در این کتاب برای آن است که مخاطب به تفکر در آفرینش یا صنع خداوند بپردازد. دسته‌ای از عجایب، بناهای شگفت‌انگیز هستند که نویسندگان عرب زبان آنها را توصیف کرده‌اند، مثل فانوس اسکندریه که یکی از این بناهاست. این بنا نمادی از معنویت کهن شرق و روحیه کشور گشایی یونان است. کرامرز در مقاله مهم خود در دایرة‌المعارف اسلام که تنها مقاله مدون درباره عجایب‌نامه‌ها محسوب می‌شود، عجایب‌نامه‌ها را داستان‌پردازی ناموجه و صرف نمی‌داند، بلکه معتقد است این پدیده‌ها اغلب مبتنی بر مشاهدات دقیق و جزئی‌نگرانه طبیعت‌اند.



نامه‌ها هستیم که اوج آنها با «عجایب‌المخلوقات» قزوینی است و ابتدای آن با «تحفه‌الغریب» که ما اصل آن را در دست داریم و انتهای آن هم با آثاری مثل نخبه‌الدهر است! البته در این بین کتاب‌های دیگری مثل «نوادرالتبادر لتحفه البهادر» هم هستند که استاد دانش‌پژوه و ایرج افشار در سال ۵۰ آن را تصحیح و منتشر کرده‌اند. نکته مهم در این زمینه این است که قبل از «تحفه‌الغریب» منسوب به محمد بن ایوب الحاسب الطبری؛ دانشمند قرن چهارم و پنجم هجری دو کتاب دیگر هم وجود داشت که یکی «عجایب‌هند» است. دو کتاب مفقود شده که در «تاریخ سیستان» نوشته ابوالمؤید بلخی است. وقتی اثری به دست ما نرسیده نمی‌توانیم درباره‌اش سخن بگوییم. البته نسخه‌ای تحریف شده و مغلوپ از آن باقی مانده و نویسنده تاریخ سیستان قطعاتی از این کتاب را بدون ذکر نام نویسنده آورده است. کتاب دیگر کتاب «عجایب‌هند» است که به لحاظ شکلی با دیگر عجایب‌نامه‌های ایرانی فرق دارد. کتاب «عجایب‌هند» به قلم ناخدا بزرگ شیرپار رامهرمزی که در نیمه اول قرن چهارم نوشته شده، به لحاظ شکلی و ساختاری در مقایسه با عجایب‌نامه‌های ایرانی نامتعارف است. به عنوان مثال جنبه‌های روایی و داستانی آن پررنگ و بخش حیوان‌شناسی تخیلی آن کم‌رنگ است. کتاب «عجایب‌هند» در سال ۴۸ در ایران منتشر شده است. البته این کتاب توسط خود مولف از متن عربی به فارسی هم ترجمه شده بود. این کتاب شرح‌حکایت‌های عجیب و شگفت‌آوری است که ناخداها، بازرگانان و دریانوردان ایرانی، هندی و عربی برای ناخدا تعریف می‌کنند. البته با تعریفی که ما از عجایب‌نامه‌ها به دست می‌دهیم نمی‌توانیم کتاب «عجایب‌نامه‌ها» را یک عجایب‌نامه به حساب بیاوریم چون در حقیقت ادامه آثاری از نوع «سندبادنامه» و آثاری از این دست محسوب می‌شود برای این که وجه روایی دارد یعنی داستان دارد. **عجایب‌نامه‌ای که از قرن هفتم انتخاب کردید و در این کتاب آوردید دارای چه ویژگی‌هایی است؟**  
این عجایب‌نامه که در این کتاب آورده‌ام بخشی از یک کتاب مفصل‌تر است که پاره اولش به شکل‌شناسی و تحلیل ساختار فانتاستیک عجایب‌نامه‌ها اختصاص یافته است. این متن‌های شگرف از منظری در زمانی و تاریخی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در واقع تجربه زیسته پدران ما هستند که دست به دست گشته و به ما رسیده‌اند. تردیدی نیست که بازخوانی و تأویل دوباره آنها نه تنها احضار زنده گذشته است بلکه به تکثیر

شد، برخی منتقدان از «واهمه‌های بی‌نام و نشان» مساعدی نام می‌برند که بر «صدسال‌تنهایی» مارکز فضل تقدم دارد اما حالا با این منابع که در ادبیات فارسی پیدا شده، متوجه می‌شویم که این قصه سابقه‌های بسیار طولانی دارد.  
دقیقاً همین‌طور است. اما نکته‌ای که هست ما باید بین رئالیسم جادویی، ادبیات فانتاستیک یا ادبیات شگرف و ادبیات علمی و تخیلی تفکیک قائل شویم، اگر چه شباهت‌هایی در این سه حوزه دیده می‌شود. معمولاً این حوزه‌ها گاهی با یکدیگر هم‌پوشانی پیدا می‌کنند ولی از تفاوت و تمایز آنها نباید چشم پوشید چون هر حوزه آداب و قوانین خاص خودشان را دارند. **لطفاً وجه تمایزشان را توضیح بدهید.**  
ببینید مطابق تعبیری که آقای کاشیگر به عنوان صاحب‌نظر در این حوزه ارائه دادند، در ژانر علمی تخیلی یکی از قوانین جهان دستکاری می‌شود در حالی که در ادبیات فانتاستیک قانونی بر قانون‌های جهان اضافه می‌شود. اما در عجایب‌نامه‌ها ما با یک امر فراطبیعی مواجه هستیم به شکلی که نه قانونی دستکاری می‌شود و نه قانونی بر قوانین جهان اضافه می‌شود. رئالیسم جادویی هم ژانر مشخصی در ادبیات است مبنی بر این که موضوعاتی در آن هست که به صورت افسانه و چیزهای عجیب و غریب جلوه می‌کنند، اما ریشه در رئالیسم (واقع‌گرایی) دارد.

**آیا شما در این تحقیقات غیر از منابع چاپ شده به متون خطی و منابع چاپ نشده هم دسترسی داشته‌اید؟**  
کتابی هست به نام «کشف‌الظنون» که در واقع کتابنامه قدیمی ایرانی است. من به واسطه «کشف‌الظنون» به دسته‌ای از منابع و متون خطی و چاپ نشده هم برخورد کردم. البته آن عجایب‌نامه قرن هفتمی که در بخش پایانی کتاب آورده‌ام یک بار سال‌ها پیش چاپ شده بود. اما نسخه‌ای که در این تحقیق به عنوان نسخه اساسی مورد استفاده قرار دادم، هنوز چاپ نشده است. این نسخه‌ها اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که مشخصات آن را در پایان کتاب آورده‌ام. البته در این تحقیق به متون دیگری هم برخورد کردم که متن اصلی و دستنویس این آثار در مکان‌های مختلفی نگهداری می‌شوند و من برخی از این آثار را از نزدیک هم دیده‌ام و خیلی از این آثار هستند که هنوز چاپ نشده‌اند. اما چیزی که هست، ما از قرن نهم به بعد عجایب‌نامه‌ای هم اگر داشته باشیم، خیلی اصالت ندارد و متن اغلب این آثار تکرار عجایب‌نامه‌های قرون گذشته‌اند. می‌توان گفت طبق مشاهدات و مستندات که به واسطه کشف‌الظنون و دیگر فهرس‌های داریم از قرن پنجم تا قرن نهم ما شاهد شکل‌گیری افول و ظهور یک شکل ساده بیان ادبی - نه یک ژانر - به اسم عجایب

کتاب «عجایب ایرانی» چگونه شکل گرفت؟ و چه چیزی شما را به تحقیق در این زمینه ترغیب کرد؟  
واقعیت این است که این موضوع به ۱۰-۱۲ سال پیش برمی‌گردد که در دانشگاه اصفهان تحصیل می‌کردم. در آن زمان از رهگذر هم‌نشینی با استاد - جمشیدمظاهری - و ابراز علاقه‌ام به چنین متون قدیمی، کم‌کم وارد این حوزه شدم. آن زمان «عجایب‌المخلوقات» و غریب‌الموجودات» از کرای قزوینی را دیدم و به مطالعه آن پرداختم. کودکان غالباً خیال‌پردازی می‌کنند. وقتی هم که بزرگ می‌شوند، تجربه آن دوران در حافظه‌شان باقی می‌ماند و به محض برخورد با چنین پدیده‌ای آن دوران کودکی و دنیای خیال‌پردازی‌های شیرین تداومی می‌شود. من با مرور آثاری مثل عجایب‌المخلوقات دیدم آن حس کنجکاوی را در من برمی‌انگیزد. این بود که از آن زمان روی متونی از این دست متمرکز شدم و عجایب‌نامه‌های مختلفی را گردآوردم و به مطالعه و تحقیق در متن این آثار مشغول شدم و به یک بخش از منابع خارجی دست‌یافتیم؛ از جمله تحقیق بسیار معروف تودوروف تحت‌عنوان «پیش‌درآمدی بر ادبیات شگرف» که مهم‌ترین اثر در حوزه ادبیات تخیلی است. کتاب دیگری از مولفی دیگر پیدا کردم به نام «ریپویقای امر ناواقعی» که در تالیف، تدوین و بحث و بررسی کتاب «عجایب ایرانی» به من خیلی کمک کردند. این آثار یک نوع روش‌شناسی مشخص درباره ادبیات خیالی دارند که بسیار آموزنده است.

**در تالیف و تدوین کتاب «عجایب ایرانی» چند کتاب در زمینه عجایب‌نامه‌های ایرانی در اختیار داشتید؟**  
در مجموع شش یا هفت عجایب‌نامه که همه آنها در ایران چاپ شده‌اند، فراهم کردم و همه آنها را از لحاظ نظریه شکل‌های ساده که شخصی به اسم آندره یولس آن را ارائه داده بود مورد بررسی قرار دادم. در تالیف این کتاب بیشتر و امدار آندره یولس هستم تا تزوتان تودوروف. درست است که تودوروف ادبیات خیالی یا شگرف را با تدوین مولفه‌ها و نظریه‌های مربوطه معرفی کرد اما در این کتاب نشان دادم که می‌شود ادبیات خیالی یا شگرف را بر مبنای «نظریه‌های شکل‌های ساده» مورد مطالعه قرار داد. یعنی عجایب‌نامه‌ها را می‌توان یک شکل ساده بیان ادبی به حساب آورد. آندره یولس برای بیان این نظریه ۹ شکل ساده بیان را بر شمرده است. مثل چیستان، حکایت‌های قدیمی و لطیفه، معما، افسانه پهلوانی، گزارش و ... البته خود یولس تصریح می‌کند که شکل‌های ساده بیان ادبی به این ۹ شکل محدود نمی‌شود و شکل‌هایی چون حکایات اخلاقی، ترانه‌ها، قصه‌های حیوانات و دعاها را هم می‌توان به آن اضافه کرد. شکل‌های ساده بیان ادبی، نظام بسته‌ای نیست بلکه بسیار قابل‌گسترش است.

**زمانی بحث بر سر موجودات خیالی در ادبیات خیالی داغ بود و کتاب «موجودات خیالی» بورخس در اواسط دهه هفتاد با ترجمه اخوت منتشر شد.**  
کتاب «موجودات خیالی» رانمی‌شود در هیچ ژانری دسته‌بندی کرد، یعنی غالب آثار بورخس چنین وصفی دارند. البته من هم متن انگلیسی کتاب را در اختیار داشتم هم ترجمه آن را که آقای اخوت به فارسی برگردانده است. کتاب «موجودات خیالی» هم برای من بسیار جالب بود. به ویژه آن بخش‌هایی که صراحتاً از کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی نام می‌برد.  
**زمانی که بحث رئالیسم جادویی در ادبیات مطرح شد و کتاب «صدسال‌تنهایی» مارکز ترجمه و منتشر**





هادی علیزاده

چالشی که از دیرباز دغدغه اصلی صاحب‌نظران در امر منابع انسانی بوده و هست، اتخاذ دیدگاه راهبردی در زمینه سنجش نقش افراد در سازمان‌هاست. یکی از این راهبردها، شناخت علائق و توانمندی منابع انسانی است. براساس این سنجش می‌توان برای آینده‌ای بهتر برنامه‌ریزی کرد. روش‌های ارزیابی متوازن یکی از معروف‌ترین شیوه‌های سنجش منابع انسانی است که برایان بکر، مارک هیوزلید و دیو اولریش، سه تن از صاحب‌نظران علم مدیریت در کتابی با عنوان «روش ارزیابی متوازن منابع انسانی رابطه بین افراد، استراتژی و عملکرد» به تشریح نحوه کاربرد و بهره‌برداری از نتایج آن پرداخته‌اند. این کتاب با ترجمه دکتر پرویز احمدی، استاد رشته مدیریت دانشگاه تربیت مدرس و با همکاری لقمان رحمان‌پور، توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده است. در گفت‌وگوی زیر با مترجم این کتاب به بررسی این کتاب و نحوه سنجش منابع انسانی در ایران پرداخته‌ایم.

## با مترجم کتاب «روش ارزیابی متوازن منابع انسانی»

# منابع انسانی با اولویت نخست

برای ارزیابی متوازن منابع انسانی در این کتاب آمده، فراگیر است و این طور نیست که تنها در گوشه‌ای از جهان کاربرد داشته باشد. اگر جامعه آمریکا را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این کشور با همه ادعایش در توسعه یافتگی، در مقایسه با کشورهایی مثل چین و ژاپن نتوانسته در بهره‌برداری از منابع انسانی اش موفق باشد. یا کشوری مانند انگلستان نتوانسته بیشتر از ۱۸ درصد ظرفیت کارمندان خود استفاده کند. این مسائل گریبان همه کشورهای دنیا را گرفته است. من زمانی که با یکی از کارشناسان شرکت اریکسون صحبت می‌کردم، متوجه شدم که در این شرکت که ۶۰ هزار نیرو در جهان دارد، مدیر منابع انسانی، بعد از مدیرعامل به‌عنوان نفر دوم شرکت شناخته می‌شود و آنها دائماً برنامه‌ای برای بالا بردن روحیه و کارایی کارمندان خود طراحی و اجرا می‌کنند. امروزه در اغلب سازمان‌های موفق اینطور جا افتاده است که ضعف کارمند را از خود او سوال نمی‌کنند، بلکه از مدیر می‌پرسند؛ در حالی که در سازمان‌های داخلی ما هیچ سؤالی از مدیر سازمان نمی‌شود. البته من معتقدم بعد از انقلاب، سرمایه‌گذاری خوبی در بحث سنجش نیروی انسانی شده، اما هنوز بهره‌برداری درستی از این سرمایه‌گذاری‌ها نشده است.

در بخشی از کتاب عنوان می‌شود که شاخص‌های سنجش منابع انسانی به تناسب نیازهای هر سازمانی تعریف جداگانه‌ای دارد. در این باره بیشتر توضیح می‌دهید؟

اصولاً هر تکنیک وارداتی ای بومی می‌شود و در پی آن شاخص‌های ارزیابی آن تکنیک هم بومی می‌شود. در سنجش منابع انسانی هر سازمانی هم به هیچ وجه نمی‌توان از شیوه‌های یکسان استفاده کرد. هر سازمانی متناسب با نیازهای خود، شیوه‌ای خاص را تعریف می‌کند و این شاخص‌ها تنها نشان می‌دهند که چطور شاخص‌سازی و از آنها استفاده کنیم. هر سازمانی با توجه به نوع حرفه‌اش، دانش و تجربه نیروهای انسانی اش و نگاه مدیران سازمان، یک سری شاخص‌های خاص خود را دارد.



بگیرد و برنامه‌ریزی‌ها براساس نتایج این سنجش‌ها باشد، منوط به تصمیم‌گیران سازمان‌های مختلف است.

این شیوه سنجش که برای سازمان‌های جوامع توسعه یافته طراحی شده‌اند، برای سنجش عملکرد سازمان‌های کشورهای در حال توسعه‌ای مثل ایران هم که اقتصاد آنها دولتی است کاربرد دارد؟ شاخص‌های سنجش منابع انسانی یک تکنیک است که امروزه وارد محیط‌های تحقیقاتی شده و قاعدتاً به محیط‌های اجرایی هم کشیده خواهد شد. ما هنوز در اوایل راه هستیم و باید گفت سنجش منابع انسانی در جهان اهمیت زیادی پیدا کرده است. امروزه نیروی انسانی یک سرمایه است، نه هزینه! در نتیجه، هر شاخصی باید نیروی انسانی را به عنوان سرمایه در نظر بگیرد و دائماً برای بهبود آموزش و پویایی و نقش کلیدی آن قدم بردارد. کتاب «روش ارزیابی متوازن منابع انسانی» کتابی مرجع است که در همه جا می‌توان از آن بهره برد. شاخص‌هایی که

در ارزیابی عملکرد یک سازمان، دو ایده وجود دارد؛ یکی دیدگاه کوتاه مدت است که در این شیوه، کارنامه یکساله سازمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در آن، تمرکز بر امور مالی سازمان است و عمدتاً شاخص‌های ارزیابی شاخص‌های گذشته‌نگرند و درست مثل آینه‌های ماشین، تنها مسیر پشت سر را نشان می‌دهند.

مقصود اصلی مدیران در در این نوع محاسبه، ارزیابی دستاوردهای یک سازمان است، بنابراین مهم‌ترین ضعف آن این است که به هیچ وجه نمی‌توان مسیر پیش رو را ترسیم کرد. دیدگاه دوم، بلندمدت و آینده‌نگر است. مادر مدیریت نوین، نیازمند ارزیابی بلندمدت از عملکرد یک سازمان و پیش‌بینی مسیر آینده هستیم. ضمن اینکه در کنار آن باید از شاخص‌های پس‌نگر نیز استفاده کنیم. این شاخص‌ها ضمن پیش‌بینی آینده، ارتباط میان تکنولوژی و منابع انسانی را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهند.

شیوه کارت متوازن که در این کتاب برای سنجش منابع انسانی آمده و مولفان بر ممتاز بودن آن تأکید کرده‌اند چه برتری‌ای بر سایر شیوه‌ها دارد؟

مهم‌ترین ویژگی ارزیابی متوازن منابع انسانی، ایجاد توازن بین مطالعه کوتاه مدت و بلندمدت است. ارزیابی میان‌کاری منابع انسانی و استراتژی‌ها کمک می‌کند تا بهتر از گذشته، عملکرد یک سازمان را ارزیابی کنیم.

این شیوه در سازمان‌های ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته است؟

ارزیابی منابع انسانی در تحقیقات دانشگاهی ایران مورد توجه جدی قرار گرفته است و حتی برخی از شرکت‌ها مثل ایران خودرو و سازمان‌های مشابه نیز در پی تعیین سنجش این منابع و بومی کردن این شاخص‌ها هستند. امروز بخش صنعت و خدمات ما - چه بخواهیم و چه نخواهیم - به سمتی می‌رود که نقش نیروی انسانی در آن اهمیت یافته و شرکت‌ها ناگزیر هستند که به مقوله توانمندی و افزایش روحیه منابع انسانی توجه داشته باشند. اما این که چه زمانی این شیوه‌ها در همه سازمان‌ها مورد استفاده قرار

آیا در ایران سنجش منابع انسانی پیشینه‌ای در تحقیقات دانشگاهی داشته است؟

سنجش منابع انسانی، نه تنها در ایران بلکه در دنیا هم سابقه‌ای طولانی ندارد. اولین کاری که در این زمینه صورت گرفته، به اواسط دهه ۹۰ برمی‌گردد. از سال ۱۹۹۲ دو تن از صاحب‌نظران برجسته آمریکایی به نام رابرت کاپلان و دیوید نورتن کتابی در این زمینه تالیف کردند و بعدها برایان بکر و دیو اولریش تحقیقات خود را بر اساس آن ادامه دادند و با تالیف روش ارزیابی متوازن منابع انسانی در این زمینه گامی به جلو برداشتند. آنها با ارزیابی منابع انسانی نتوانستند یک سری از شاخص‌ها را برای سنجش شایستگی، میزان مهارت، علاقه، انگیزه و منابع انسانی تعریف کنند تا اثربخشی و کارایی نیروی انسانی را در یک سازمان ارزیابی و بین‌داری‌های ملموس و ارزیابی‌های غیرملموس ارتباط ایجاد کنند.

چه عواملی موجب تغییر نگاه به منابع انسانی و لزوم سنجش توانایی و انگیزه‌های آنها شده است؟

بزرگ‌ترین داری‌ها هر سازمانی در هزاره سوم، نیروی انسانی قلمداد می‌شود. امروز دیگر سرمایه و تکنولوژی به تنهایی کارایی گذشته را ندارد بلکه نرم‌افزارها محور اصلی توسعه هستند. کاربران این نرم‌افزارها، نیروهای انسانی اند و ایجاد نوآوری و خلاقیت در استفاده از این نرم‌افزارها در انحصار منابع انسانی ماهر است. این خلاقیت‌ها قابل کپی برداری نیست و به همین دلیل، قانون کپی‌رایت به وجود آمده است. بنابراین در دنیای امروز، نیروی انسانی و سرمایه مهم‌ترین عامل موفقیت یک سازمان قلمداد می‌شوند و موفقیت هر سازمانی منوط به خلاقیت، نوآوری و روحیه نیروی انسانی است. به همین دلیل، باید نقش نیروی انسانی را در موفقیت نسبی سازمان بررسی کنیم تا ببینیم موفقیت هر سازمانی تا چه اندازه ناشی از خلاقیت و عملکرد نیروی انسانی و تا چه اندازه ناشی از سرمایه یا تکنولوژی است.

این شیوه‌های سنجش منابع انسانی چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟

## یادداشت

پرویز احمدی



## جایگاه منابع انسانی در دنیای معاصر

امروزه اکثر سازمان‌ها دارای استراتژی‌های کلانی هستند که مشخص‌کننده برنامه‌های رشد و توسعه آنهاست. این استراتژی‌ها که بخش‌های مختلفی مانند مدیریت مالی، تولید، بازاریابی و منابع انسانی را دربرمی‌گیرند، تعیین می‌کنند که چگونه یک سازمان می‌تواند موقعیت لازم را برای کسب مزیت رقابتی ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها، تأمین منابع انسانی است که به عنوان یک شاخص مهم، نقشی اساسی در موفقیت سازمان ایفا می‌کند. از طرف دیگر، رقابت فزاینده میان سازمان‌ها در جذب نیروهای متخصص، تغییر در ترکیب، ارزش‌ها و انتظارات نیروی کار موجب شده است تا مدیران سازمان به کلیدی بودن عنصر نیروی انسانی پی برده و ضمن نگاه استراتژیک به این منبع، نسبت به پیاده‌سازی استراتژی‌های منابع انسانی نیز همت بگمارند.

از این رو، امروزه بیش از هر زمان دیگری، ضرورت دارد تا

این که، مدیران صنف هم در قبال نتایج کسب و کار و هم در قبال فرآیندهای درون شرکت مسئولیت دارند. آنها به سهامداران برای ارزش اقتصادی، به مشتریان برای ارزش محصول یا خدمات و به کارکنان برای ارزش محیط کاری، پاسخگو هستند.

مدل کارت امتیازی متوازن یکی از کاربردی‌ترین مدل‌های اندازه‌گیری عملکرد با مقبولیت جهانی است. کارت امتیازی متوازن منابع انسانی خدمات و پروژه‌های استراتژیک منابع انسانی را به تصویر می‌کشد و با حمایت از وظایف این حوزه آن را با استراتژی‌های کلان سازمان هم‌راستا و منابع انسانی را قادر به ارائه ارزش‌هایش - در یک دوره کوتاه مدت و از منظر درآمدهای مالی - می‌کند.

پذیرش کارت امتیازی متوازن منابع انسانی به عنوان سیستم مدیریت استراتژیک این اطمینان را به سازمان می‌دهد که تمام ابعاد فعالیت‌های منابع انسانی که در تحقق اهداف سازمان دخیل هستند را نشان دهد. با توسعه برنامه استراتژیک برای اندازه‌گیری عملکرد مدیریت منابع انسانی، سازمان فرصت رهبری و پیشگامی توسعه فرآیندهای منابع انسانی را پیدا می‌کند، همچنین توسعه کارت امتیازی منابع انسانی به عنوان فرآیند جدید مدیریت، سازمان را قادر می‌سازد تا منابع انسانی را به عنوان یک همکار «استراتژیک» واقعی قلمداد کرده و ارزش کامل منابع انسانی را درک کند.

سازمان‌ها بتوانند از راه‌داری‌های نامشهود خود مانند استعداد، رهبری، فرهنگ و به ویژه داشتن استراتژی یکپارچه، نقش خود را متمایز سازند و به همین دلیل است که مدیران همه ساله، هفته‌ها یا حتی ماه‌ها زمان خود را صرف تدوین استراتژی برای حفظ مزیت رقابتی سازمان خود می‌کنند. آنها از راه‌تدوین استراتژی می‌خواهند بدانند که چه اقداماتی باید انجام دهند که سازمانشان سرآمد باشد؟ و همچنین چطور می‌توانند اقدام‌ها و عملکردشان را مورد ارزیابی قرار دهند.

کتاب «روش‌های ارزیابی متوازن منابع انسانی» در هشت فصل علاوه بر این که به فرآیند سنجش و اندازه‌گیری دستاوردهای مدیریت منابع انسانی سازمان‌نگاهی می‌اندازد در عین حال سعی دارد نقش و اهمیت واحد مزبور را در رشد و توسعه سازمان‌ها برای مدیران ارشد آنها روشن کند.

نویسندگان کتاب (رایان بکر، مارک هیوزلید و دیو اولریش) بر این باورند که مسئولیت منابع انسانی دیگر صرفاً بر عهده واحد منابع انسانی نیست؛ بلکه شامل جامعه وسیع‌تری می‌شود. به این منظور حرفه‌ای‌های منابع انسانی و به ویژه مدیران صنف باید به عنوان حامیان منابع انسانی نقش ایفا کنند. به عقیده اولریش، مسئول‌نهایی رویه‌های منابع انسانی در درون یک شرکت، مدیران صنف هستند. به دلیل



مروری بر کتاب «دایرة المعارف گیاه درمانی ایران»

# طب جایگزین و نسخه های شفابخش عطار اصفهانی

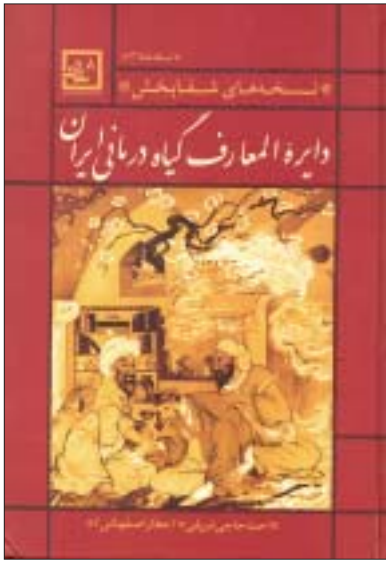
دید پزشکی، آناتومی عضو مورد نظر را تشریح و سپس با توضیح درباره بیماری های شایع این عضو درمان گیاهی مورد نظر را ارائه می دهد. در انتهای کتاب نیز فهرستی الفبایی از بیماری ها قرار داده شده است که دسترسی به نسخه درمانی را سهل و آسان می کند.

عطار اصفهانی در مقدمه کتاب می نویسد: «تاریخ طب در کشور ما به سه دوره مجزا تقسیم می شود؛ دوران هخامنشی، ساسانیان و دوران پس از اسلام که هر یک ویژگی های خاص خود را دارند. اما به علت اهمیت ویژه ای که اسلام در پس سرایش نخستین نغمه های وحی درباره علم و به ویژه طبابت قائل شده است، دوران سوم، درخشنده ترین ادوار طب ایران بوده است. پزشکان بزرگ اسلامی چون ابن سینا و رازی که شاگردان و پیروان بقراط و جالینوس بوده اند، با دقت و تحقیق در آثار استادان خود نظرات آنان را، ضمن یادگیری، مورد نقد و بررسی قرار داده اند.»

نویسنده برای تالیف این کتاب از ۴۱۰ منبع فارسی و عربی استفاده کرده است. وی در بخشی دیگر از مقدمه کتاب می نویسد: «لغات و کلمات مختلفی در نسخه های طب قدیم، به ویژه در «تحفه حکیم مومن» یاد در طب بوعلی و بطلمیوس یافت می شود که نوشتن آن راحت است ولی خواننده ناچار برای فهم آن باید به کتاب لغت مراجعه کند یا آن که مجبور به تعبیر و تفسیر است. اما من هر جا که به این گونه لغات برخورددم فقط معنی ساده آن را به زبان امروزی آورده ام. مثلا در دستور این است که فلان دارو را «لعوق» کنند. به زبان امروزی می گویم فلان دارو را انگشت انگشت بخورند. هدف من این است که خواننده به راحتی با کتاب ارتباط برقرار کند و معنی آن را به زبان کنونی بفهمد و به کار بگیرد.»

«دایرة المعارف گیاه درمانی ایران» سومین کتابی است که احمد حاجی شریفی تالیف کرده است. «یک درد و صد درمان»، «شناخت بیماری ها» و «اسرار گیاهان دارویی» نام کتاب های پیشین این حکیم سنتی است. وی نتایج بیش از ۴۵ سال تحقیقات خود را در این کتاب به زبانی ساده و کاربردی بیان کرده است. در انتهای کتاب حدود ۲۵۰ گیاه با عکس رنگی و نام علمی آنها معرفی شده است. این گیاهان سهم عمده ای در نسخه های کتاب دارند و نویسنده با قرار دادن عکس آنها را معرفی کرده است.

این کتاب در ۱۰۸۰ صفحه و شمارگان پنج هزار نسخه با قیمت ۹۰۰۰ تومان توسط انتشارات حافظ نوین به بازار کتاب عرضه شده است.



تکمیل شد. این گونه درمانی بر پایه پزشکی پیش از اسلام شکل گرفته و سپس از طب یونانی که بقراط حکیم و جالینوس پایه گذاران اصلی آن بوده اند سود جست و بعد از اسلام توسط حکیمان مسلمان ایرانی و با استفاده از رهنمودهای قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار تکمیل تر شد.

در مجموع حدود هفت هزار جلد کتاب مرجع در طب سنتی ایرانی تالیف شده که متأسفانه حدود ۱۴۰۰ جلد آن در ایران و مابقی آن در کتابخانه های اروپا و آمریکان نگهداری می شود. کتاب «قانون» ابن سینا نزدیک به هفتصد سال در دانشکده های پزشکی اروپا تدریس شده و متجاوز از هشتاد بار به زبان های مختلف دنیا تجدید چاپ شده است.

کتاب «دایرة المعارف گیاه درمانی ایران» در بیش از یک هزار صفحه توسط احمد حاجی شریفی، معروف به عطار اصفهانی نوشته شده است. این اثر هشتمین کتاب از مجموعه «کتاب های گیاه درمانی» است که توسط انتشارات حافظ نوین منتشر شده است. «شناخت بیماری ها و درمان گیاهی آن»، «تغذیه و سلامتی»، «همیشه لاغر و سلامت باشید»، «دکتر در خانه»، «فرهنگ دارویی گیاه درمانی»، «نسخه دکتر» و «اسرار گیاهان دارویی» نام برخی از کتاب های این مجموعه است.

کتاب «دایرة المعارف گیاه درمانی ایران» بر اساس ارگان های بدن انسان و بیماری های شایع در این اعضا تقسیم بندی شده است. نویسنده در ابتدای هر بخش از

درصد مردم از طب مکمل استفاده می کنند و این مسأله بسیاری از پزشکان مدرن را بر آن داشته تا در درمان بیماران از برخی اشکال طب مکمل نیز استفاده کنند. طب مکمل برخلاف طب مدرن امروزی اساسا بر دیدگاه های کلی پایه ریزی شده است. به بیانی ساده تر، در پزشکی مدرن تنها از بین بردن درد مورد نظر است، اما در پزشکی مکمل عوامل ایجاد درد در تن، روان و جان بررسی می شود.

با افزایش هزینه مراقبت های بهداشتی کشورها، کاربرد طب سنتی و جایگاه این شیوه های درمانی روز به روز گسترش می یابد. از ۱۹۱ کشور عضو سازمان بهداشت جهانی تاکنون ۲۵ کشور سیاست ملی طب سنتی و جایگزین را تدوین کرده اند. البته نباید از یاد برد که در سال ۲۰۰۲ سازمان بهداشت جهانی راهبرد طب سنتی را تنظیم کرد تا بر اساس آن روش های به کار رفته در این طب را بررسی کند.

در میان تمدن های بزرگ آسیایی، ایران، هند و چین از زمان های دور از طب سنتی استفاده می کردند و از روش های متعددی برای درمان بیماری ها سود می جستند. طب سنتی چینی در حوزه «رودخانه زرد» به وجود آمده و مدت های پیش سیستم علمی و دانشگاهی آن شکل گرفته است. هر سلسله پادشاهی در چین، نوآوری هایی به آن افزوده، بسیاری از پزشکان مشهور را پرورش داده و مکاتب فکری و آثاری به وجود آورده است. تئوری اساسی طب چینی بر پایه حرکات حیاتی بدن انسان و قانونمندی تغییرات بیماری ها پی ریزی شده که برگرفته از فلسفه «یین» و «یانگ» است. عناصر پنج گانه، نیروی چی (چینی ها عقیده دارند که کل جهان را نیرویی به نام چی در بر می گیرد و هر گونه دردم ریختگی جهان از عدم توازن در این نیرو ناشی می شود)، ارگان های درونی و نصف النهار های بدن انسان و همچنین شناخت بیماری و علت های به وجود آمدن آن، از موضوعاتی است که در این شیوه درمانی مورد بحث قرار می گیرد. طب سنتی هند یا «آیورودا» طی پنج هزار سال در شبه قاره هند شکل گرفته است. تحقیقات نشان داده که تمدن های پیش از آریایی در هند نوعی سیستم درمانی داشته اند و با نفوذ آریایی ها به هند، این سیستم درمانی رشد کرده و به آیورودای امروزی تبدیل شده است. پایه این علم را می توان در کتاب چهار گانه دین هندو به نام «ودا» ها جست و جو کرد.

طب سنتی ایران نیز به همت حکیمان بزرگی چون پورسینا، جرجانی، زکریای رازی، اهوازی، عقیلی خراسانی، اخوینی و طبیبان بی شماری طی قرن ها

گرایش و بازگشت به طب جایگزین در سال های اخیر رواج فراوانی در جهان داشته و در ایران نیز کتاب های متعددی درباره طب مکمل و اصول و روش های آن منتشر شده است. دانشنامه «دایرة المعارف گیاه درمانی در ایران» نوشته احمد حاجی شریفی، معروف به عطار اصفهانی، کتابی است که انتشارات حافظ آن را روانه بازار کتاب ایران کرده است.

گرایش به شیوه های درمان جایگزین در مقابل درمان شیمیایی، ریشه در ارزان بودن، در دسترس بودن و عدم وجود عوارض جانبی گسترده آن دارد. در تانزانیا، اوگاندا و زامبیا نسبت تعداد حکیم های سنتی به جمعیت، یک به دو بیست یا یک به چهار صد است. در حالی که در مورد پزشکان تحصیل کرده طب جدید این نسبت ۱ به ۲۰ هزار برآورد می شود. به همین علت و برای بسیاری از این مردم، طب سنتی به تنها منبع قابل دسترس در درمان بیماری هایی مانند مالاریا، ایدز و مشابه آنها تبدیل شده است. بنا بر گزارش های سازمان بهداشت جهانی، بیشتر آفریقایی های مبتلا به ایدز برای تسکین درد خود و مقابله با عفونت ها از طب سنتی استفاده می کنند.

بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی، تمامی راه و روش های حفاظت از سلامتی و درمان بیماری ها با استفاده از داروهای ساخته شده از گیاهان، برخی اندام های حیوانات، مواد معدنی و همچنین درمان روحی و معنوی، طب سنتی، مکمل یا جایگزین (alternative medicine) نام گذاری شده است. منظور از روش های جایگزین، گستره وسیعی از روش هایی متفاوت است که بر اساس مذهب یا سنت های معنوی یک محدوده جغرافیایی خاص پایه ریزی نشده یا جزئی از نظام بهداشتی و درمانی مستقر و رسمی آن کشور به شمار نمی آید. معالجات گیاهی، درمان های روحی و معنوی، طب سوزنی، یوگا، اشکال مختلف طب بومی و رژیم درمانی همه می توانند بخشی از طب سنتی یا طب مکمل به حساب آیند.

نزدیک به ۸۰ درصد از انسان ها در دنیا برای درمان بیماری یا پیشگیری از بیماری ها از طب جایگزین بهره می برند. در آفریقا چیزی حدود ۸۰ درصد مردم به دلیل در دسترس نبودن پزشکی مدرن از طب جایگزین استفاده می کنند و این رقم در چین چیزی حدود ۵۰ درصد است. بر اساس آمار جهانی در کانادا از هر سه نفر، دو نفر یک بار از طب جایگزین استفاده کرده اند و در ایالات متحده آمریکا ۴۲ درصد مردم از برخی انواع طب جایگزین استفاده می کنند.

در ژاپن، استرالیا، کانادا و سوئیس حدود ۴۰ تا ۷۰

## خوانشی نو از شیوه کهن طب سینا

پیشگیری از بیماری هاست. خدادادی پایه تحقیقات خود را بر آیات قرآنی بنیان نهاده و این شیوه درمانی را طب قرآنی نامیده است. وی بر این باور است که در صورت فراگیر شدن طب قرآنی، این شیوه درمانی بهترین و ساده ترین روش زندگی برای تامین و ارتقای سلامت انسان ها خواهد بود.

وی در مقدمه کتاب می نویسد: «با شناخت طب سنتی می توان از بیماری ها پیشگیری و با مواد اولیه مانند مواد غذایی روزمره و گیاهان دارویی ساده، بیماری های زیادی را کنترل کرد. هدف از بازنویسی طب

مدرن روز با زبانی و تعریف و بر این اساس آرای پزشکی مدرن را با طب سنتی مقایسه می کند.

فصل سوم و چهارم کتاب برخی از داروهای گیاهی را معرفی و اثر آن را بر بیماری های مختلف بررسی می کند. فصل پنجم نیز به عوارض داروهای شیمیایی بر بدن می پردازد و خواص منفی داروهای مسکن، آرام بخش، مشتقات کورتیزون و آنتی بیوتیک ها را به صورت کلی بیان می کند.

جمشید خدادادی، متولد سال ۱۳۳۵ است که از سال ۱۳۶۹ پژوهش گسترده ای را در زمینه تغذیه انسان آغاز کرده است. مطالعه وی بر پزشکی سنتی، احادیث و آیات قرآن کریم، سرانجام به این باور انجامید که هماهنگی مزاج فرد، غذا و فصل، بهترین روش

جمشید خدادادی به تازگی کتابی با عنوان «کلید ورود به طب قدیم» را نوشته و نشر شهر آن را منتشر کرده است. این کتاب با معرفی ابتدایی طب سنتی ایران، بر پایه شیوه های تشخیصی و درمانی بیماری ها توسط ابن سینا، به مقایسه تطبیقی این گونه درمانی با طب مدرن پرداخته است. کتاب از پنج فصل تشکیل شده که «طب قدیم»، «طب مدرن»، «داروهای گیاهی»، «معرفی داروهای مفرده» و «داروهای شیمیایی و اثرات جانبی آنها» نام این پنج فصل هستند. در فصل نخست، نویسنده ابتدا طبایع و اخلاط بدنی انسان (خون، بلغم، صفرا و سودا) را معرفی کرده و هر یک از آنها را به تفصیل مورد بررسی قرار می دهد و در بخش های بعدی این فصل، مزاج ها و کارکرد طبایع انسان را در هر یک از عضو های بدن انسان معرفی می کند. بخش های بعدی کتاب نیز به بیماری های فصل های مختلف سال و معرفی انواع غذاها و آب ها اختصاص دارد.

فصل دوم کتاب مقایسه ای است بین طب مدرن و سنتی ایران و هر یک از طبایع را بر اساس طب

پزشکی امروز است، ولی اکنون در کشور ما رو به فراموشی می رود.»

وی مسأله مهم در طب قدیم را تشخیص بیماری می داند و می نویسد: «پس از تشخیص، درمان بسیار ساده است، مگر برخی بیماری ها که درمان آنها دشوار است. یکی از محسنات طب قدیم بیان حالات بدن انسان است که به صورت طبع و مزاج بیان می شود و طبق این نظریه، بدن هر فرد نسبت به بدن افراد دیگر متفاوت است. اما در پزشکی مدرن این گونه نیست و ممکن است برای افرادی که مزاج ها یا طبایع گوناگونی دارند، یک دارو تجویز شود. از طرفی، بهترین روش برای درمان بیماری ها بر طرف کردن علت بیماری است نه مبارزه با معلول. اما امروز متأسفانه در پزشکی مدرن بیشتر مبارزه با معلول مطرح است.»

«کلید ورود به طب قدیم» با مقدمه محمد هادی مؤذن جامی در ۳۰۷ صفحه با شمارگان ۱۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۴۵۰۰ تومان توسط نشر شهر منتشر شده است.





# نظم و نظام در بذره‌های کاغذی



آنها خدمات رسانی کاملا دستی و وقت گیر است - اندیشیدنی یا باید ابتدا برای دیجیتالی شدن کتابخانه های تخصصی مان، گام برداریم؟

وی در پاسخ به این سوال می گوید: «از نظر من، کتابخانه دیجیتالی فرآیند تکاملی کتابخانه سنتی است؛ چون همان قوانین و اصول حاکم در نظام های سنتی کتابخانه ها، مثل مجموعه سازی، امانت کتاب، ایجاد

دسترسی و... در کتابخانه های دیجیتالی وجود دارند. فقط تفاوت این دو در بستر اطلاع رسانی است که در کتابخانه های دیجیتالی به واسطه فناوری های نوین انجام می گیرند. این فناوری ها سبب شده اند فضا کوچکتر شود و اطلاعات از هر مکان و در هر زمان، با سرعت بالا در دسترس کاربران قرار گیرد. بالطبع، نظام ملی اطلاع رسانی نیز نمی تواند این فناوری های نوین را نادیده بگیرد که باید با کمک آنها برای رسیدن به مهم ترین هدف خود - که اشاعه اطلاعات به کاربران است - اقدام کند.»

وی در پایان می افزاید: «به دنبال استفاده از فناوری های نوین، پایگاه گزارش های نهایی طرح های تحقیقاتی را ایجاد کرده ایم که در آن، گزارش های نهایی، طرح های تحقیقاتی، کتاب ها و دیگر منابع منتشر شده علمی موجودند. اگرچه در ابتدا فقط اطلاعات کتابشناختی این منابع در پایگاه ثبت می شدند اما در حال حاضر با اسکن متن تمام گزارش ها، همه آنها به طول کامل در دسترس همه محققان در مراکز و مجموعه های مربوطه اند. محققان با ارائه رمز عبور و نام کاربر به وب سایت این مرکز وصل می شوند و از اصل گزارش های نهایی را برای استفاده در طرح های تحقیقاتی خود استفاده می کنند. همه این اقدامات، در راستای نظام واحد و ملی اطلاع رسانی کشاورزی انجام شده و استفاده از فناوری های نوین، نیل به این هدف مهم را آسان تر کرده است.»

تنها به این وزارتخانه محدود نمی شود. دانشگاه ها هم بانی آموزش های کشاورزی اند که کتابخانه و نهاد اطلاع رسانی دارند و هنوز زیر نظر ما نیستند. البته قصد داریم از طریق هماهنگی با دانشگاه ها، کتابخانه های تخصصی آنها را نیز به زیرمجموعه خود بیفزاییم و ابتدا، نظام اطلاع رسانی در وزارت جهاد کشاورزی و سپس نظام ملی اطلاع رسانی را در سطح کشور ایجاد کنیم.»

هر کتابخانه کشاورزی تعدادی منابع اطلاعاتی مشخص دارد و نظامی خاص بر شیوه اطلاع رسانی آن حاکم است. حال اگر همه اینها زیرمجموعه یک نظام اطلاعاتی قرار گیرند، با کثرت منابع و خدمات اطلاع رسانی مواجه خواهیم بود که بدون مدیریت صحیح، کاربران را سردرگم خواهند کرد.

دکتر گیلوری در این باره می گوید: «وظیفه نظام اطلاع رسانی، پاسخگویی به جامعه استفاده کننده اش است بدین صورت که نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی که از جامعه ای پراکنده در سطح کشور و در کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی مختلف تشکیل شده، باید با هماهنگی به یک نظام واحد تبدیل شود. در این نظام، با مدیریت صحیح از دوباره کاری جلوگیری می شود که به صرفه جویی در وقت و هزینه می انجامد. برای رسیدن به چنین چشم اندازی باید بدانیم در مجموعه های ما چه منابعی موجودند و هر یک، در چه کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی قرار دارند. آگاهی از نوع منابع موجود در هر مجموعه اطلاعاتی سبب می شود کتاب ها و مقالات با موضوع تکراری خریداری نشده و دوباره سازماندهی نشوند و در عین حال کاربران نیز با مراجعه به هر مرکز اطلاع رسانی در سریع ترین زمان ممکن، آنچه می خواهند می یابند و توسط کتابداران در اختیار آنها قرار می گیرد.»

وی در ادامه، از تشکیل فهرستگان جهاد کشاورزی در مجموعه مراکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی برای نیل به این هدف مهم خبر می دهد و می گوید: «اکنون در این فهرستگان ۶۲ موسسه و مرکز تابعه شریک که حدود صد هزار کتاب و منابع اطلاعاتی ۱۰۰ مرکز تحقیقاتی و آموزشی تابعه را شامل می شوند. این موسسات هر کدام، یک رمز عبور و نام کاربری دارند که منابع جدید خود را به واسطه آن به فهرستگان ما اضافه می کنند.»

در کنار نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی، کتابخانه ملی کشاورزی قرار دارد که مفهوم این دو با یکدیگر متفاوت است.

دکتر گیلوری این دو را کاملا از هم متمایز می داند و در این باره می افزاید: «نظام ملی اطلاع رسانی یک ساختار تشکیلاتی و کتابخانه ملی یک موجودیت خارجی است. کتابخانه ملی کشاورزی مکانی است مثل کتابخانه ملی که وظیفه و اسپارای اطلاعات را برعهده دارد؛ یعنی یک نسخه از آنچه در علوم کشاورزی منتشر شده است، به این کتابخانه سپرده می شود. اما همین کتابخانه یکی از اجزای نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی خواهد بود که در بحث اطلاع رسانی کشاورزی کشور سهم خواهد داشت. در نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی همه کتابخانه ها، نهادهای اطلاع رسانی موجود در موسسات، مراکز تحقیقاتی و مراکز آموزش وابسته به کشاورزی برای گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات به شیوه استاندارد شریکند.»

آیا می توان در نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی که کتابخانه ملی کشاورزی هم بخشی از آن است به یکپارچگی اطلاعات کتابخانه های سنتی - که در

اطلاع رسانی شامل جمع آوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات است که تحقیق این اهداف جز در سایه یک برنامه ریزی منسجم امکان پذیر نمی شود. با انجام برنامه ریزی های علمی، می توان یک نظام اطلاع رسانی را پایه ریزی کرد که در آن فرآیند اطلاع رسانی با سرعت و دقت بیشتری انجام شود. اطلاع رسانی در هر کشوری، جایگاه ویژه ای دارد و به عنوان نظام ملی اطلاع رسانی نیازهای اطلاعاتی همه دانشجویان و محققان را در سطح گسترده پاسخ می دهد البته این نظام برای پاسخگویی نیازهای اطلاعاتی پژوهشگران رشته های علمی مختلف به شاخه های گوناگون تقسیم می شود که نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی یکی از آنهاست. اما چرا نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی؟

دکتر عباس گیلوری، معاون تحقیق و توسعه مرکز مطالعات و مدارک علمی کشاورزی، در این باره می گوید: «نظام ملی اطلاع رسانی اجزاء و زیربخش های مختلفی دارد که این زیربخش ها در هر کشور متفاوتند و براساس اولویت رشته های تخصصی آن مملکت تعریف می شوند. در کشور ما نیز که کشاورزی به لحاظ اقتصادی بعد از نفت اولویت دارد، نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، پزشکی بحث دوم و علوم و فنون، بحث سوم اند.»

وی در ادامه با اشاره به تاریخچه نظام ملی اطلاع رسانی در نیامی گوید: «نظام ملی اطلاع رسانی برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳) در هشتمین کنفرانس یونسکو به عنوان ساختاری مطرح شد که بتواند در سطح ملی به امر اطلاع رسانی بپردازد. سپس کشورهای مختلف نیز نظام ملی اطلاع رسانی را در جامعه خود طراحی کردند که هند یکی از آنها بود. نظام ملی اطلاع رسانی هند در سال ۱۹۷۵ با وجود تلاش های مختلف که تقریبا همزمان و بعد از اجلاس یونسکو توسط مجموعه هایی مثل کتابخانه ملی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و مرکز اطلاع رسانی جهاد سازندگی در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی انجام شد، هنوز نظام ملی اطلاع رسانی کشورمان ثبت نشده است و بالطبع نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی هم شکل نگرفته که باید هر چه سریع تر در این باره اقدامی صورت گیرد.»

دکتر گیلوری در پاسخ به این سوال که این نظام در کدام وزارتخانه یا سازمان باید تشکیل شود، می گوید: «نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی ساختاری است که سه فعالیت عمده گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات را در بخش کشاورزی انجام می دهد. بخش کشاورزی همان سازمان های دولتی و غیردولتی اند که در حوزه کشاورزی فعالیت می کنند و فقط محدود به وزارت جهاد کشاورزی نمی شوند، اما وزارت جهاد کشاورزی مسئولیت کشاورزی کشور را برعهده دارد و در واقع باید بحث نظام ملی اطلاع رسانی کشاورزی را دنبال کند.»

وقتی از اطلاع رسانی سخن می گوئیم، نمی توانیم کتابخانه ها و مراکز اشاعه اطلاعات در سراسر کشور را نادیده بگیریم که وظیفه اصلی شان، ارائه منابع و اطلاعات به پژوهشگران است. کتابخانه های تخصصی کشاورزی هم تعدادشان کم نیستند به همین دلیل باید جایگاه آنها نیز در نظام ملی اطلاع رسانی مشخص شود.

وی در این باره می گوید: «اکثر کتابخانه های تخصصی وزارت جهاد کشاورزی زیرمجموعه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایرانند، اما بخش کشاورزی

پانزدهم شهریور

### نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکر همد، ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، بصیرت و عدالت، بصیرت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سیهی نشان شریک و دخیل می دانند و اهمیت روشنگری و بازشناسی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریادند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش های تربیتی، آرمان های ملی و آزادی خواهی، نقش سنن و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تأثیرات تصدیق آن در جهان کنونی، آثار مفهومی و شایسته ای را به گنجینه ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ **مشارک مورد نیاز:**

۱. فرم پر شده تکمالی حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است
۲. مه نسخه چاپ شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط word بر روی لوح فشرده.
۳. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ **جوایز مسابقه:**

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایز به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۵۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۳۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ **گاه شمار:**

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی ۵ تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اعدای جوایز ۵ تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تکمالی حضور در نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: \_\_\_\_\_ نویسنده: \_\_\_\_\_

میران تحصیلات (یا ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس: \_\_\_\_\_

آینجاب: \_\_\_\_\_ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در صحت و درستی ارائه می دهد.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و سنای جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۹ - طبقه دوم، روابط عمومی مسئولیت پذیری، ۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶ شماره تماس: ۶۶۹۶۲۱۴-۶۶۹۶۲۵۴



بنفشه محمودی

طرح های کتاب مترو و اتوبوس، تنها گوشه ای از فعالیت نشری است که در سال ۸۳ به عنوان زیرمجموعه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران آغاز به کار کرد. این موسسه که انتشار بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب در زمینه مفاهیم شهروندی و برگزاری شش دوره نمایشگاه یاد یار مهربان برای تجهیز کتابخانه های مدارس را در کارنامه خود دارد، به گفته مدیرعاملش کوشیده است به رقیبی برای ناشران خصوصی تبدیل نشود و به عنوان بازوی حمایتی نشر و ترویج کتابخوانی عمل کند. درباره فعالیت های این نشر، با امیر مسعود شهرام نیا، دارای مدرک دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان - که از ابتدای شکل گیری این نشر با سمت مدیرعامل در آن مشغول به کار بوده است - گفت و گویی انجام داده ایم. شهرام نیا می گوید که نشر شهر در این چند سال، چه در جهت حمایت از ناشران و چه در جهت تسهیل دسترسی مردم به کتاب، گام های مثبتی برداشته است.

## در گفت و گو با مدیرعامل نشر شهر مطرح شد

# کتاب، رسانه برتر ترویج فرهنگ شهروندی

کتابفروشی ها یا کتابخانه های سطح شهر بیاید. به ثمر رسیدن طرح جامع کتاب شهری نیازمند همکاری دوستان ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و با به وجود آمدن این امکان، هر فرد می تواند از منزل خود راه های دستیابی به کتاب مورد نظرش را پیدا کرده و به صورت هدفمند حرکت کند.

### روند انتشار کتاب های نشر شهر چگونه است؟

با توجه به مقدمه ای که در ابتدای مصاحبه به آن اشاره کردم، نشر شهر به دلیل این که به رقیبی برای ناشران خصوصی تبدیل نشود، کار انتشار کتاب را به موضوعات شهری نظیر اخلاق شهروندی، هنر شهری، مدیریت شهری و فرهنگ شهری محدود کرده که در این زمینه تاکنون حدود ۳۰۰ عنوان کتاب در مباحث شهروندی منتشر کرده است. شناخته شده ترین این کتاب ها مجموعه کتاب مترو است که تولید محتوای آن برعهده سازمان فرهنگی هنری شهرداری است و متناسب با فضای مترو تهیه شده است. اغلب این کتاب ها تصویر محور، کمیک و مبتنی بر آموزش های شهروندی است. شمارگان این کتاب ها نیز در هر نوبت چاپ ۵۰ هزار نسخه است که در چاپ های بعدی به ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزار نسخه هم رسیده است.

نشر شهر پروژه دیگری هم با عنوان کتاب اتوبوس داشت که گویا متوقف شده است. دلیل این توقف چه بود؟

میزان موفقیت همه طرح هایی که برای ترویج کتابخوانی توسط نشر شهر انجام شده یکسان نبوده است. پروژه کتاب اتوبوس هم یکی از این طرح ها بود. در این طرح سبدهایی برای کتاب در اتوبوس ها تعبیه شده بود و کتاب های متن محور خلاصه شده در این سبدها قرار داده می شد. ایراد این طرح این بود که مردم کتاب هایی را که به صورت رایگان در اتوبوس قرار داده می شد، از اتوبوس خارج می کردند و به این ترتیب کتاب ها دیگر به سبدها بازمی گشت. این امر هزینه زیادی در برداشت بنابراین در معاونت فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تصمیم گرفته شده که طرح مجله اتوبوس راه اندازی شود تا علاوه بر ترویج فرهنگ کتابخوانی، فرهنگ مطالعه در اتوبوس هم به میان شهروندان تهرانی بیاید.

نشر شهر عهده دار برگزاری جمعه بازارهای کتاب در پارک های تهران هم هست. عملکرد این طرح به چه شکل است؟

تابستان امسال برای چهارمین بار و برای تسهیل دسترسی مردم به کتاب، اقدام به اجرای این طرح کرده ایم. این جمعه بازارها در پارک های نیاوران، ملت، زمرد و قیطریه برپا می شود که ناشران می توانند با صرف هزینه اندک، میزهایی را در این پارک ها اجاره کنند و کتاب های خود را از ساعت ۴ عصر تا ۱۰ شب به مردم عرضه کنند. نیت ما از انجام این طرح این است که مردمی که برای تفریح به پارک می آیند، نگاهی هم به عناوین منتشر شده در حوزه های عمومی بیندازند و شاید کتابی را هم خریداری کنند. معمولاً به ناشران توصیه می کنیم که کتاب های عمومی را در این جمعه بازارها ارائه کنند چون مخاطب متخصص در پارک ها به دنبال کتاب نمی گردد! و از طرفی تنها محدودیتی که برای ناشران وجود دارد این است که کتاب های بدون مجوز و افست را ارائه نکنند.



برای کتابخانه های مدارس وجود دارد. یکی از فعالیت های نشر شهر، راه اندازی پروژه باغ کتاب است. این پروژه اکنون در چه مرحله ای است؟

بحث ایجاد نمایشگاه دائمی کتاب در تپه های عباس آباد اولین بار در سال ۸۳ شکل گرفت و با انتخاب آقای قالیباف به عنوان شهردار تهران، جدی تر شد. فضایی در حدود ۱۰ هزار متر مربع برای تأسیس باغ کتاب در نظر گرفته شده که این طرح تا کنون ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. سیاست اصلی شهرداری تهران، تبدیل تپه های عباس آباد به یک مجموعه فرهنگی هنری است که باغ کتاب هم جزئی از آن است. با بهره برداری از این پروژه، دیگر نیازی نیست که مردم در به در دنبال یک کتاب بگردند چرا که می توانند در نمایشگاه دائمی ای که در این مکان وجود دارد همه کتاب های ممکن را ببینند یا آنها را به صورت مجازی جست و جو و خریداری کنند. در این پروژه حتی سالن های مختلفی برای برگزاری همایش، مراسم رونمایی کتاب و نشست های تخصصی و حتی دفاتری برای ناشران پیش بینی شده است.

در واقع با این که نشر شهر در طراحی این پروژه دخالت داشت، اما این طرح از طرح های کلان شهرداری تهران است که امیدواریم هرچه زودتر به بهره برداری برسد.

در پایگاه اطلاع رسانی نشر شهر به طرح جامع کتاب شهری اشاره شده است. این شبکه چه کارکردی دارد؟

در ابتدا بنا بود این طرح به یک سایت گسترده توزیع کتاب در سطح شهر تهران تبدیل شود و پیشنهاد تهیه بن های الکترونیکی خرید کتاب نیز در راستای همین طرح به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه شد. قرار بود با تهیه این بن ها، بستری برای خرید اینترنتی کتاب به وجود آید و شبکه اطلاع رسانی کاملی هم پشتیبان آن باشند. اما این طرح به دلیل مشکلات موجود در فاز اول متوقف ماند. با افتتاح باغ کتاب می توانیم امیدوار باشیم که هر کسی که به دنبال خرید یا امانت کتاب است بتواند با مراجعه به یک پایگاه اطلاع رسانی کتاب مورد نظر خود را در

ندارد، بلکه تلاش کرده ایم در تقویت عملکرد این وزارتخانه هم موثر باشیم. در میان وظایف نشر شهر در حوزه ترویج کتابخوانی به تجهیز کتابخانه ها نیز اشاره شده است. روند این تجهیز به چه شکل است؟

برای تجهیز کتابخانه های وابسته به شهرداری تهران، اعتباراتی وجود دارد که گاه این اعتبار به خود کتابخانه ها داده می شود تا منابع مورد نیازشان را تأمین کنند و گاه این وظیفه به نشر شهر محول می شود که کتاب های این کتابخانه ها را تهیه کند. از طرف دیگر، نشر شهر به تجهیز کتابخانه های مدارس، دانشگاه ها، مساجد، حوزه های علمیه و خوابگاه های دانشجویی نیز کمک می کند. ما هر ساله در جریان برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب نسبت به تجهیز این کتابخانه ها اقدام می کنیم. اتفاق مبارکی که در این حوزه روی داده آن است که در زمان برگزاری نخستین دوره نمایشگاه یاد یار مهربان، سرانه تعداد کتاب نسبت به تعداد دانش آموزان مدارس عددی کمتر از چهار عنوان بود، اما اکنون به حدود هفت و نیم عنوان رسیده است و مسئولان آموزش و پرورش نیز این ارتقا را مدیون برگزاری نمایشگاه یاد یار مهربان هستند.

معیار انتخاب کتاب برای کتابخانه های مدارس چیست و آیا این انتخاب توسط نشر شهر صورت می گیرد؟

یکی از مشکلات کتابخانه های مدارس این است که کتاب های زیادی به آنها اهدا می شود، ولی همه این کتاب ها منطبق بر نیازهای دانش آموزان نیست به همین منظور از کارهایی که نشر شهر در برگزاری این جشنواره به آن توجه کرده، برطرف کردن این اشکال است. هر سال، پیش از برگزاری این نمایشگاه طی فراخوانی از ناشران خواسته می شود که کتاب های خود را به این نمایشگاه ارائه کنند و پس از گزینش اولیه ای که کارشناسان ما انجام می دهند - که بیشتر بر کهنه نبودن کتاب ها تأکید دارد - باقی کتاب ها در نمایشگاه ارائه می شود و مدیران مدارس، مربیان و حتی گاه خود دانش آموزان کتاب ها را انتخاب می کنند و از این جهت که کتاب های ارائه شده در این نمایشگاه از تنوع قابل قبولی برخوردار است، حق انتخاب

ترویج و گسترش کتابخوانی از اهداف موسسه نشر شهر ذکر شده است. به نظر شما در چند سالی که از تأسیس این موسسه می گذرد، تا چه حد در این امر موفق داشته است؟

قضاوت درباره میزان موفقیت این موسسه در ترویج مطالعه باید به افرادی واگذار شود که در آن مسئولیتی ندارند، اما من و همکارانم فکر می کنیم که عملکرد موسسه نشر شهر در ترویج و گسترش کتابخوانی مثبت بوده است، چون ما تلاش کرده ایم برخلاف برخی ناشران دولتی دیگر به جای این که به رقیبی برای ناشران خصوصی تبدیل شویم و با استفاده از امکانات شهرداری تهران فقط به تولید و فروش فکر کنیم، تبدیل به بازوی حمایتی ناشران مختلف خصوصی و دولتی باشیم. از جمله فعالیت هایی که نشر شهر در زمینه ترویج کتابخوانی انجام داده است می توان به ایجاد جمعه بازارهای کتاب، تأسیس فروشگاه های کتاب در پارک ها و مراکز شهری، نمایشگاه های یاد یار مهربان (ویژه خرید و اهدای کتاب به مدارس) عرضه کتاب در فروشگاه های زنجیره ای مانند شهروند، توزیع و عرضه کتاب های ارزان مانند طرح کتاب مترو، اتوبوس و ... اشاره کرد.

از سوی دیگر، نشر شهر تلاش کرده با تأکید بر بخش خصوصی، به حامی ناشران دیگر تبدیل شود به همین منظور طی چهار سالی که از تأسیس نشر شهر می گذرد، حدود ۳۰ میلیارد تومان کتاب از ناشران مختلف خریداری شده و به کتابخانه های مدارس، دستگاه ها و نهاد های مختلف اهدا شده است. بنابراین فکر می کنم چه در جهت حمایت از ناشران و چه در جهت تسهیل دسترسی به کتاب، گام های موثری برداشته ایم.

ترویج کتابخوانی جزو وظایف شهرداری ها به حساب نمی آید. فکر نمی کنید این دایره عمل گسترده سبب تداخل در حوزه عمل نهاد های دیگر با نشر شهر می شود؟

پیش از پاسخ به این سوال بهتر است بگویم که نمی توان گفت این امر در راستای وظایف شهرداری ها نیست. در مجموع وظیفه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ارتقای فرهنگ و اخلاق شهروندی و مباحث فرهنگی و هنری در محدوده شهر تهران است و قطعاً کتابخوانی هم در این محدوده تعریف می شود، چون کتاب یکی از بهترین رسانه ها برای ترویج فرهنگ شهروندی است. اما در پاسخ به این سوال شما باید گفت که گمان نمی کنم حوزه عمل ما با نهاد های مسئول مانند وزارت ارشاد تداخلی داشته باشد بلکه هم راستای آن است. از طرف دیگر حیطه وظایف وزارت ارشاد به قدری گسترده است که نمی توان توقع داشت به تنهایی همه این حوزه ها را پوشش دهد. این تصور اشتباه است که دیگر دستگاه های فرهنگی در قبال ترویج کتابخوانی مسئول نیستند. نکته مهم، هم راستا بودن این اهداف با اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که خوشبختانه ما در این زمینه سابقه همکاری خوبی داریم. همان گونه که این وزارتخانه در برگزاری نمایشگاه های یاد یار مهربان با ما همکاری کرده است، ما هم در برخی نمایشگاه های استانی کتاب، به عنوان مجری طرح، عمل کرده ایم. پس نه تنها فعالیت ما مغایرتی با فعالیت های وزارت ارشاد



یازدهم شهریورماه روز صنعت چاپ نام گذاری شده است. این نامگذاری اهمیت صنعت چاپ را به عنوان صنعتی کلیدی و مادر به نمایش می گذارد، اما این صنعت هنوز در دو بخش اجرایی و حقوقی با مشکلاتی دست و پنجه نرم می کند. در بخش اجرا، مهم ترین مشکل متوجه ضعف برنامه ریزی، نبودن استانداردهای لازم، نیروی متخصص، ورود ماشین های فرسوده و نقش حاشیه ای اتحادیه های چاپ و در بخش حقوقی نیز ابهام در قوانین و خلأهای قانونی از جمله چالش های این صنعت محسوب می شود. در گفت و گو با اسمعیل دمیرچی، بخشی از این مسائل بررسی شده است. دمیرچی از استادان و صاحب نظران صنعت چاپ است که از سال ۱۳۳۰ تاکنون در این صنعت فعالیت می کند. وی در طول سال ها، شاگردان زیادی تربیت کرده و همچنین تالیفات متعددی در این حوزه دارد که از جمله آنها می توان به «روش چاپ سنگی: تاریخ و روش»، «ذوب سرب در حروفچینی»، «نوردهای ماشین های چاپ در ایران»، «آشنایی با صنعت چاپ» (که در بیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد) و «حروفچینی با ماشین های ایتر تایپ» اشاره کرد. وی در گفت و گو با خبرنگار کتاب هفته در محل چاپخانه کیمیای حضور با اشاره به عشق و علاقه اش به صنعت چاپ، می گوید که اگر دوباره به دنیا بیاید بار دیگر این صنعت را برای فعالیت انتخاب می کند.

گفت و گو با اسمعیل دمیرچی، به مناسبت روز صنعت چاپ

# هنوز مهندس صنعت چاپ نداریم!

می فهمند، در کجا باید مصرف شود؟ زمانی که این مسائل در صنعت چاپ مدیریت نمی شود، طبیعی است که در صادرات و واردات محصولات چاپی هم مدیریت مناسبی وجود نداشته باشد.

امروزه دانشجویان زیادی هستند که در حوزه چاپ تحصیل می کنند، اما اغلب آنها فرصت وارد شدن به صحنه فعالیت را نمی یابند. آیا این وضعیت به دلیل متناسب نبودن نیازهای این صنعت با دانشی است که در آموزشگاه ها به دانشجویان آموزش داده می شود؟

بازار کار، دانشجویان صنعت چاپ را خیلی کم جذب می کند و اغلب مدیران چاپخانه ها تمایلی ندارند که سرمایه هایشان را در اختیار دانشجویان قرار بدهند، چرا که می ترسند سرمایه هایشان از دست برود. دانشجویانی که در مراکز آموزشی و در دانشکده چاپ مشغول تحصیل هستند، توقع زیادی دارند، بنابراین مدیریت و اشتغال این دانشجویان را باید خود وزارتخانه های مربوطه به عهده بگیرند. ما امروز متخصصان زیادی در حوزه چاپ داریم که هیچ کدامشان تحصیلات آکادمیک نداشته اند. اما چنانچه سطح دانش آنها ارزیابی شود، ارزشی بیشتر از یک متخصص دوره دکترا دارند. اکثر دانشجویانی که در آموزشگاه های چاپ تحصیل می کنند، صرفاً به دلیل گرفتن مدرک و به دست آوردن شغل به سمت این رشته می روند، نه به دلیل علاقه به این صنعت. از سوی دیگر دانشی هم که به آنها آموزش داده می شود، کاربردی در چاپخانه ها ندارد. در این شرایط مدیران چاپخانه ها بیشتر ترجیح می دهند از کارگرانی که سال ها در این حوزه فعالیت کرده اند و برخلاف دانشجویان توقع دستمزد بیشتری ندارند، استفاده کنند.

اما همچنان که بخش خصوصی برای ارتقای صنعت چاپ از دولت انتظار حمایت دارد، برای توسعه این صنعت نیز باید از دانشجویانی که در سطح آکادمیک به یادگیری مشغولند، استفاده کند. این نکته را می پذیرید؟

ما که مخالف آموزشگاه های صنعت چاپ نیستیم، اما اگر بناسد، دانشجویانی در رشته چاپ پذیرفته شوند، شایسته است که مثل دانشجویان رشته های صنایع مختلف در دانشگاه ها آموزش ببینند. اصلاً چرا دانشگاه های ایران همانطور که مهندس ساختمان، مهندس مکانیک، متخصص روان شناسی و... تحویل جامعه می دهند، مهندس چاپ تربیت نمی کنند؟ این مسائل به دلیل ضعف مدیریت است. امروز، مهندس چاپی که زبان این صنعت را بلداند نداریم. از طرف دیگر در این آموزشگاه ها، از تجربیات ارزشمند مدیران چاپخانه ها، لیتوگراف ها و... استفاده نمی شود و صرفاً به تدریس یک سری تئوری هایی بسنده می شود که هیچ کاربردی در این صنعت ندارد. اگر قرار است دانشجویان وقتش را صرف آموزش این صنعت بکنند باید در دانشگاه ها باشد. برای این کار هم باید بستر سازی کرد و منابع درسی متناسب با نیازهای این صنعت تهیه شود. امروز در حوزه تالیف تعداد معدودی هستند که کتابی پدید آورده باشند، در حوزه ترجمه نیز بنده مترجمی که بتواند زبان صنعت چاپ را بفهمد سراغ ندارم.



اگر چاپخانه های دولتی راهنمای چاپخانه های امنیتی مثل چاپخانه وزارت دفاع زیاد به بخش خصوصی واگذار کنند، صنعت چاپ خیلی زود مسیر ترقی را طی می کند. امروزه ثابت شده که دولت تاجر خوبی نیست و در نتیجه لزومی ندارد که بعضی از سازمان های دولتی چاپخانه داشته باشند. در جاهایی که اسناد دولتی وجود دارد، وجود چاپخانه دولتی ضروری است اما بقیه این چاپخانه های دولتی را باید به دست بخش خصوصی بسپاریم. خدا رحمت کند شهید چمران را. ایشان در نظر داشت که در همان سال های ابتدای انقلاب، سازمان های دولتی را -غیر از ادارات امنیتی- از چاپخانه و چاپخانه داری منفک کند. احکام بنیادین آن زنده یاد، به طور قطع در اسناد ریاست جمهوری موجود است. ماشین آلات موجود آن زمان از کیفیت بالا و صنایع مرتبط با آن هم از امکانات خوبی برخوردار بودند و به همین خاطر بود که نیاز نشر آن روز و حتی ۱۰ سال بعد کشور را به خوبی جوابگو شدند. امروز نیز ارزی که بابت خرید ماشین آلات دولتی هزینه می شود، از آن بخش خصوصی است و بایستی با این ارز از بخش خصوصی حمایت می کردند تا این بخش فعال شود اما متأسفانه این ارز صرف خرید ماشین های چاپی شد که هیچ کارایی ای در صنعت ما ندارد. این عملکرد نشان دهنده مدیریت ناموفق است. وقتی که انگیزه بزرگداشت روز ۱۱ شهریور را پیش می کشیم و جایزه می دهیم، باید بدانیم به چه چیزی جایزه می دهیم. مدیریت باید بداند یک چاپخانه دار زمانی که با این بهره های بانکی ماشین مدرن می خرد، عاشق این صنعت است. اما متأسفانه کسی پیدا نمی شود از این چاپخانه دار بپرسد که مشکل چیست؟ چگونه ماشین را با خون جگر وارد کردی و حالا تولید می کنی؟ هزینه اش را چگونه فراهم کردی؟ انگیزه سرمایه گذاری ات چیست و چرا زمانی که سرمایه گذاری در حوزه های دیگر سود آور است، باز با انگیزه اجتماعی بالا در حوزه چاپ سرمایه گذاری می کنی؟ چرا مدیران سراغ این فرم نمی روند تا گوشه ای از درد او را بپرسند؟ پتانسیل هایی که هنرمندان صنعت چاپ دارند و تعداد آنها هم کم نیست و حتی به نظر من از همه دست اندرکاران صنعت چاپ دنیا بیشتر

باشد تا بتواند در جامعه آنطور که صنعت چاپ نفس می کشد، نفس بکشد. بنده برخلاف کسانی که صنعت چاپ را محدود به یکی از وزارتخانه ها می کنند، این دو وزارتخانه را برای صنعت چاپ مصداق تن و روح می دانم؛ تن وزارت صنایع است و روح وزارت ارشاد. از گذشته، وزارت ارشاد حامی این صنعت بوده اما نمی دانم چرا وزارت صنایع خودش را کنار می کشد و قبول نمی کند که این صنعت را به دامن حمایت خود بگیرد. امروز صنعت چاپ گرفتار مسائل مختلفی است که با حمایت وزارت صنایع می تواند از بند آنها رهایی یابد، اما با همه اینها هیچ حمایتی از این صنعت نمی شود. چه مشکلاتی؟

متأسفانه در ایران، تمامی دست اندرکاران با تجربه چاپ، سرمایه کافی ندارند؛ بدین ترتیب کارشناسان باید مرز بین سرمایه و تخصص را شناسایی کرده و در نهایت برای در کنار هم گذاشتن آنها راهکار و روش ارائه کنند. در بخش خصوصی نه تنها محدودیت آوردن سرمایه وجود دارد، بلکه انواع مختلف مغایرت های آیین نامه ای به ویژه هنگام روبه رو شدن با اداراتی مانند دارایی، شهرداری، وزارت کار و... به جای تشویق جواب تنبیه گرفته می شود و چون دولت صاحب سرمایه و از امکانات وسیعی هم برخوردار است، بنا به سیاست هایی که به وضوح دیده شده و می شود، با بخش خصوصی در افتاده و رقیب او شده است و با اختصاص دادن یارانه ها و کمک های مالی، بخش خصوصی را کم رنگ و بدون اثر کرده؛ به طوری که حمایت، معنی خود را سال ها است که از دست داده است. امروز حتی وقتی صحبت از شهرک چاپ می شود من خوشحال می شوم. به نظر من وجود شهرک چاپ خوب است، اما درد بی درمانی این صنعت نیست، چون برای رونق این حوزه تنها کاری که می توان انجام داد این است که چاپخانه های دولتی منحل شوند و در مدیریت کلان صنعت چاپ، نظرات و دیدگاه های خبرگان و استخوان خرد کرده های این صنعت را به کار بگیریم.

آیا بخش خصوصی ظرفیت و بسترهای لازم را برای به عهده گرفتن این صنعت دارد؟

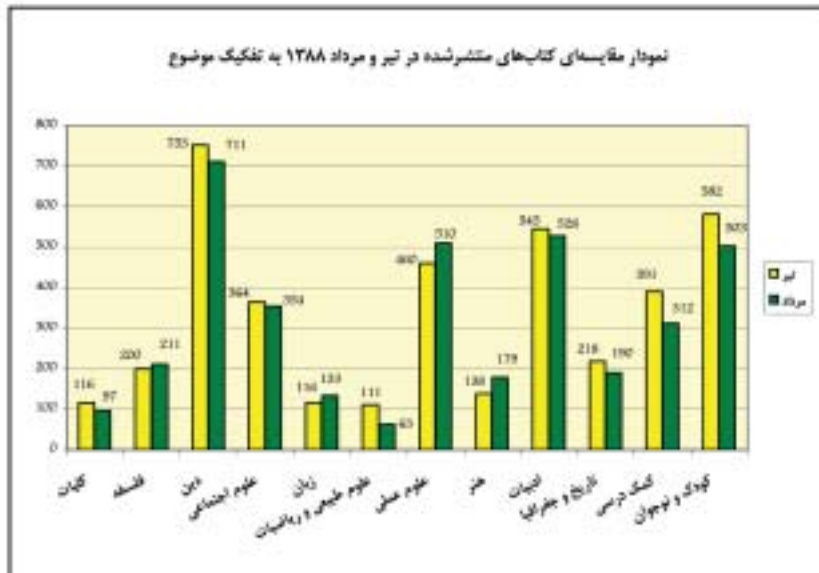
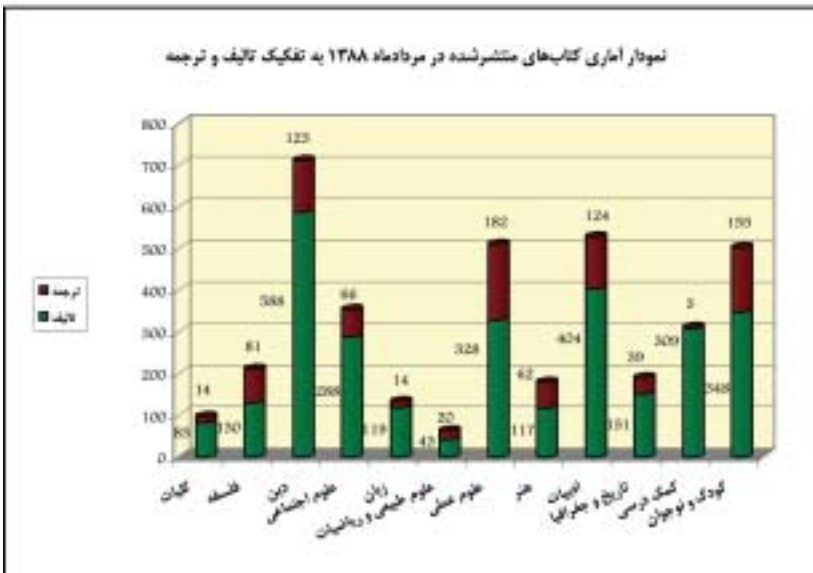
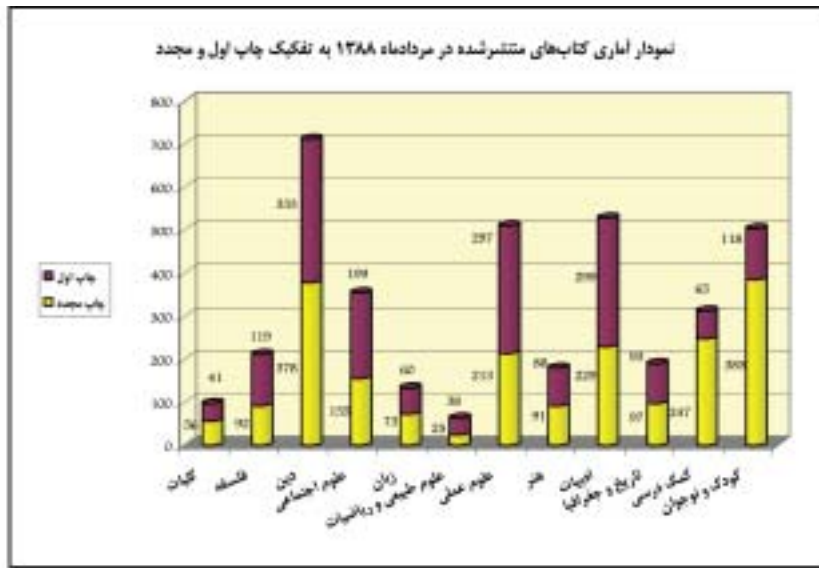
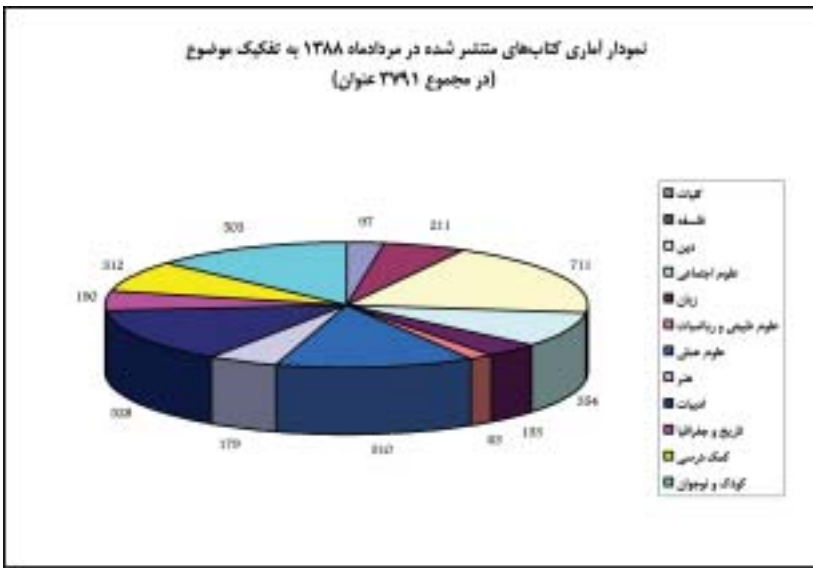
صنعت چاپ، یکی از صنایع کلیدی و موفق ایران است، اما با این وجود برخی معتقدند که مهم ترین موانع توسعه آن سرگردانی میان صنعت و فرهنگ است. به نظر شما این چند وجهی بودن برای این صنعت زیانبار نیست؟

ابتدا لازم می دانم درباره نام گذاری ۱۱ شهریور به عنوان روز صنعت چاپ نکته ای را یادآور شوم. ۱۱ شهریور در واقع انگیزه و بهانه خوبی است برای سوال از مدیران صنعت چاپ درباره کارهایی که انجام داده اند، انگیزه هایی که دارند و همچنین برنامه ها، تجربه ها و دیدگاه هایی که یک سال از طرح آنها می گذرد. در این روز نقاط ضعف و قوت صنعت چاپ می تواند به دست آید و نمایشگاه های چاپ دیده می شود. در این روز با بیان این انگیزه ها، تجربه ها و نقاط ضعف و قوت است که می توان برای سال آینده برنامه ریزی کرد. اما متأسفانه هر سال شاهدیم که این مسائل مدیریت نمی شود و برنامه مدونی از این نقاط ضعف و قوت به وجود نمی آید. چند سال است که ۱۱ شهریور را داریم، اما کارنامه ای از گذشته نداریم، در حالی که این روز، روز امتحان است و باید مدیران و دست اندرکاران بنشینند و محاسبه کنند که اوضاع ما در گذشته چگونه بوده، به کجا رسیده ایم و برای آینده چه برنامه هایی خواهیم داشت. اما درباره سوالی که مطرح کردید باید بگویم که ما نه تنها در منطقه از نظر چاپی و فهم چاپ قوی ترینیم، بلکه در جهان هم از نظر «فهم چاپ» بی رقیب هستیم.

عبارت «فهم چاپ» را می شود توضیح دهید؟ منظور از فهم چاپ این است که بزرگان صنفی ما، هنر چاپ را بهتر از همه دنیا می فهمند. چاپخانه داری که با مدرن ترین ماشین آلات، کار چاپی ارائه می دهد، به صنعت چاپ عشق می ورزد اما نمی تواند بگوید من هنرمندم؛ چرا که ماشین چاپ هنرمند است، یعنی محصولات چاپی از طریق نرم افزارها از دل ماشین آلات مدرن بیرون می آید. پس این ماشین است که هنر خود را ارائه می دهد و چاپخانه دار که عاشق سرمایه گذاری در صنعت چاپ است به عنوان کاربر مطرح می شود. پس هنرمند چاپ کیست؟ هنرمند چاپ آن فردی است که با ماشین آلات قدیمی که مربوط به سی یا چهل سال پیش هستند، محصولی تولید می کند که قابل رقابت با محصولات ماشین های مدرن چاپ است. این فرد هم هنرمند است و هم عاشق. ماشین های قدیم نرم افزار ندارند، اما مغز و چشم چاپخانه چی های قدیم، خودش یکپا، اسکنر و ماشین های چاپ تمام اتوماتیک است. البته تعداد این هنرمندان نسبت به گذشته انگشت شمار شده است.

برگردیم به سوال اول. آیا چند وجهی و سرگردان بودن صنعت چاپ میان فرهنگ و صنعت از موانع این توسعه نیست؟

این بحثی است که از سالیان گذشته وجود داشته است. معتقدم وزارت ارشاد و وزارت صنایع باید توأمان چتر گسترده حمایت و نظارت دائمی خود را بر صنعت چاپ و نشر داشته باشند. این که می گویم وزارت ارشاد هم نظارت داشته باشد به این دلیل است که هر کسی نمی تواند چاپخانه دار باشد. بنابراین چاپخانه دار به هر دوی اینها وابسته است و باید مجوز هر دو را داشته



در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات نسل نوآیند با بیست و سه عنوان کتاب پرکارترین ناشر مهری رحمانی با بیست عنوان پرکارترین مولف و محمد رحمانی با هشت عنوان پرکارترین مترجم بودند.

گزارش آماری هفته «گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتاب‌سازی و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۵/۲۳ تا چهارشنبه ۸۸/۵/۲۸، ۹۰۸ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع دین و سپس علمی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، علوم اجتماعی و آموزشی و کمک‌درسی سایر موضوعات قرار دارند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	بخای کبیر بن زیاد، ناشر: بین الملل نسیم، چاپ ۲۰۰۲، صفحه ۲۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۹۲۰۰۰ ریال	پرویس بلورن، چاپ ۰۱، ۶۹۰ نسخه، ۳۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۷۰ مرتبه	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و تعدیم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، ناشر: دوران، ۱۳۸، صفحه ۵۰۰۰، نسخه ۱۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	بهار زندگی: در حکومت حضرت مهدی (ع) ناشر: گلستان کورن، چاپ ۶۴، ۷۴، صفحه ۲۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	۱۳۲ صفحه، ۲۵۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۸۱۰ صفحه	مجموعه قوانین و مقررات جزایی: همراه با آراء وحدت رویه، نظریات شوری نگهبان، نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری، نظریات مجمع تشخیص مصلحت نظام، ... ناشر: دیوار، چاپ ۰۱، ۱۴۰۰ نسخه، ۲۲۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	اتوار الهی: دعای سماعت به همراه ساد دعا و زمان قرائت و شرح معانی دعا، ناشر: نسیم کورن، چاپ ۰۱، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ ریال

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تعداد چاپ	تیر	مرداد	شمارگان متوسط	صفحه متوسط
۱	ادبیات	۲۴	۱۹	۵	۹	۱۵	۲۰	۴	۱۹۰۸	۴۰۹
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۲	۲۲	۲۱	۲۷	۲۶	۴۷	۶	۲۶۷۴	۱۷۶
۳	دین	۱۴۰	۳۶	۹۱	۴۶	۸۵	۹۲	۸۴	۳۶۱۵	۲۹۸
۴	علوم انسانی	۱۰۸	۹۰	۱۸	۵۸	۵۰	۹۲	۱۵	۲۲۷۲	۲۸۶
۵	زبان	۳۶	۳	۳۳	۱۶	۲۰	۲۶	۱۰	۲۱۲۵	۹۵
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۹	۵	۴	۵	۴	۹	۰	۲۲۷۸	۲۲۲
۷	علوم عملی و آزمایشی	۱۲۷	۹۱	۳۶	۷۱	۵۶	۹۱	۳۶	۱۹۴۲	۲۲۲
۸	هنر	۵۲	۲۵	۱۸	۱۷	۳۶	۴۶	۷	۲۴۲۵	۲۰۸
۹	ادبیات	۱۲۶	۸۸	۳۸	۷۲	۲۴	۱۰۱	۲۵	۲۱۲۲	۲۵۹
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۴۲	۲۲	۱۰	۲۵	۱۷	۲۴	۸	۲۶۸۶	۳۱۹
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۸۱	۸۱	۰	۲۰	۶۱	۷۵	۶	۴۴۶۸	۲۶۹
۱۲	کودک و نوجوان	۷۳	۵۰	۲۳	۲۳	۵۰	۶۰	۱۲	۴۷۱۹	۹۸
جمع بندی		۹۰۸	۶۹۶	۲۱۲	۴۲۴	۴۷۴	۶۹۴	۲۱۴	۲۷۷۹	۲۹۰

\* تالیف: به تناسی اثری ایجاد می‌شود که ترجمه نشده اثری چون مصحح، توبین، گردآوری، تطبیق، نشر و نظائر آن  
 \*\* منظور از موضوع آموزشی و کمک‌درسی: کلیه کتاب‌هایی است که به عنوان راهنمای درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مطالب آنها دانش‌آموزان از پیش‌رتبتهایی تا دبیرستان هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۲۰۰۰ ریال	مهارت در نوشتن املا (هنگام با کتاب بخوانیم و بنویسیم) ویژه پایه اول ابتدایی، امیراله جدایی، ناشر: طوطی دانش، چاپ ۰۴، ۸۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۴۵۰۰۰ ریال	بانک سوالات پرستاری: پرستاری داخلی جراحی، پرستاری کودکان، پرستاری بهداشت روان، پرستاری بهداشت جامعه، پرستاری بهداشت مادر، فاضله گلاری، ناشر: نقطه، چاپ ۰۲، ۱۳۴۲ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۳۰۹ مرتبه	دفتر برنامه‌ریزی به روش تئوپی، کاتلانو لوسپی، ناشر: گلگون فرهنگس سازوش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۳۰۰۰ نسخه	دیکته‌ی سب اول دبستان: بر اساس کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم، تصرف کریمی، ناشر: فدایی، چاپ ۰۱، ۸۸ صفحه، ۱۲۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	فرهنگ مکاتیک، محسن عباسی، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی (کرگان)، چاپ ۰۱، ۲۱۸، ۱ صفحه، ۳۷۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	داوید المعارف چراهای شگفتانگیز: پاسخ به سوال‌های کودکان و نوجوانان، کارول استون، رومیا خونی، ناشر: محراب قلب، کتاب‌های مهتاب، چاپ ۰۱، ۱۰، ۴۱۰ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۲۲ مرتبه	داستان‌های شیرین ایرانی، ناشر: پیمان، چاپ ۰۲، ۱۴۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۷۵۰۰ نسخه	گیاهان و جانوران، آموزش علوم از راه سرگرمی (به روش مکش‌های ویژه کودکان، معلمان، اولیا و مربیان، روی‌موتور می‌سازیم، جشن انیمیرا، ناشر: سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، چاپ ۰۲، ۶۰، ۶۰ صفحه، ۱۲۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	ماد پانگن من میاد لکن، مشاهیر تاریخ و هنر، تحقیق برای دانش‌آموزان، میدسیلیان رفیعی‌شیرینان، ناشر: اثر ناشر، چاپ ۰۱، ۱۳۶، ۱ صفحه، ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۹۶ صفحه	آی سوزی در گرین گیلز، لوس‌مود مونگلمری، سارا لندیانی، ناشر: فدایی، چاپ ۰۲، ۲۲۰۰، ۲۲۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب‌های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان		
		مترجم	مؤلف*	مرد
۲۵۵	۷۶	۱۷۲	۶۰۱	۹۷

\* مؤلف: نامی پدیدآورگان (مکتب نویسنده، ناشر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم

کارلوس فوننتس، نویسنده مکزیکی از پنج منظر

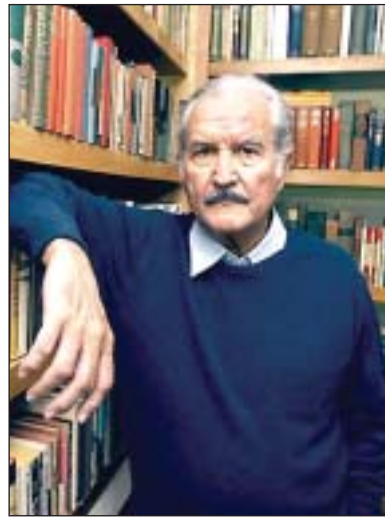
# بدون رویا، بدون ناامیدی

کارلوس فوننتس؛ نویسنده مکزیکی یازدهم نوامبر ۱۹۲۸ در پاناما به دنیا آمد. مادرش برتاماسیاس ریواس و پدرش رافائل فوننتس بوئه تیگر است. پدرش از دیپلمات‌های مشهور مکزیکی و سفیر مکزیکی در کشورهای هلند، پرتغال، پاناما و ایتالیا بود.

کارلوس فوننتس دوران کودکی اش را در واشنگتن دی.سی و سانتیاگو شیلی گذراند. تحصیلات مقدماتی را در آمریکا، شیلی و آرژانتین به پایان رساند و در سال ۱۹۵۰ آموزش خود را در انستیتو مطالعات عالی ژنو در رشته حقوق تکمیل کرد. مدتی سفیر مکزیکی در فرانسه بود و نخستین داستان بلند خود را با عنوان «larhaon mastrans parent» در سال ۱۹۵۸ منتشر کرد و پس از آن در سال ۱۹۵۹ داستان «آسوده خاطر» را نوشت. رمان‌های «مرگ آرتیمو کروز» و «آئورا» حاصل کار او در ۱۹۶۲ است. او نوشتن داستان «زمین ما» را در ۱۹۷۵ به اتمام رساند. وی همچنین در سال ۱۹۷۷ برنده جایزه بین‌المللی رومولو خایگاس و نژولا شد و سپس «خوشاوندان دور» را در سال ۱۹۸۲ و «گرینگوی پیر» را در سال ۱۹۸۵ به مخاطبان ادبیات داستان جهانی عرضه کرد. آخرین اثر این نویسنده با عنوان «اراده و اقبال» به چاپ رسید. فوننتس که در جایی، برای تعریف کشورش می‌گوید: «کشور مکزیکی هم درست مانند دست اندازهای خیابان‌ها و چاله چوله‌های پیاده‌رو هایش است» در این کتاب از خشونت سخن به میان می‌آورد. او معتقد است که در کشورش واقعیات فراتر از داستان است: کشتارهای وحشتناک، به ویژه سر بریدن - که هنوز در مکزیکی با وجود خرافه‌های گوناگون مرسوم است -، قتل با اسلحه و معنادار شدن کودکان از طریق تزیق از جمله اخبار رسانه‌های مکزیکی است.

## کتاب‌های فوننتس

«پوست انداختن» رمانی است که بر پایه نوعی هستی‌شناسی خاص نوشته شده. در این کتاب سفر خاویر (داستان نویس و شاعر مکزیکی)، الیزابت همسر خاویر و دو همسفرشان، فرانس و ایزابل (معشوقه جوان و عجالتاً خام‌فرانس) از مکزیکو سیتی به وراکروز (ساحل دریا) روایت می‌شود. در شهر چلولا اتومبیل فرانس خراب می‌شود و آنها ناچار شب را در هتل می‌گذرانند. جلد‌های میان خاویر و الیزابت به تدریج رنگ خشونت می‌گیرد. در واقع رمان در دل گفت‌وگو میان الیزابت «دراگونس» و نویسنده رند داستان یعنی «فردی لامبر» شکل می‌گیرد. در میانه این گفت‌وگو، دراگونس چندین بار خود را خسته و کلافه از سوال‌های لامبر جلوه می‌دهد. فردی لامبر با تیزنگری و نوعی رندی که برخاسته از هوش و درایت داستان‌نویسی اوست، دراگونس را دوباره و چندباره وامی‌دارد تا تجربه‌ها و تأملات زندگی خویش را به شیوه‌ای واضح بیان کند. لامبر چند بار به دراگونس می‌گوید: «بگو از فلان چیز برایم بگو. نکنه خیال می‌کنی می‌خواهم از صحبت‌هایت رمان بنویسم؟! لامبر در تمام این مدت (۷-۶ صفحه‌ها) بسیار سنجیده و گزیده‌سخن می‌گوید. در برش‌هایی که لازم می‌بیند، به موضوعات اساسی و محوری اشاره می‌کند. در آخر هم این شکر در پنهان عیان می‌شود که فردی لامبر مجموع گفت‌وگوها و شنودهایش را با دراگونس در قالب داستانی بازآفرینی کرده است. فوننتس در پوست‌انداختن از روایتگری به شیوه‌ی راوی دانای کل می‌پرهیزد و همچنین شخصیت‌های رمان را هر لحظه در رویارویی با نوسان‌ها و دگرگونی‌های بیرونی و درونی نشان می‌دهد. در این میان، شخصیت‌های داستان به تجربه‌هایی نودست می‌زنند و انگار مدام در حال پوست‌اندازی هستند. قابل ذکر آن‌که در میان رمان، نزاع میان دراگونس و



خاویر چنان زیبا خلق شده است که خواننده از این تلقی که خود نیز پوست انداخته در آخر رمان رها نمی‌شود.

## سرهدیرا: رمانی سیاسی - اجتماعی

رمان «سرهدیرا» به اعتباری یک رمان سیاسی-تاریخی است. این رمان از سوی راوی، سرگذشت غریب شخصیت اصلی رمان، فلیکس مالدونادو را در شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مکزیکی روایت می‌کند. فوننتس در این رمان به شکلی ظریف و غیرمستقیم از رذالت‌های سیاستمداران به ظاهر بزرگ اما در واقع فرومایه و حقیر مکزیکی پرده برمی‌دارد و این که چگونه یک شهروند به اصطلاح محترم (کارمند عالی رتبه وزارت صنایع مکزیکی) را با دسیسه چینی، اسیر موقعیتی موحش می‌کنند و در مقیاسی بزرگ‌تر، چگونه یک جامعه مستعبر برای رشد و توسعه همه جانبه را عقب مانده و حرمان زده نگه می‌دارند. همراه با حرکت رمان به سوی نقطه پایان، هویت و کنش‌های فلیکس مالدونادو که قبلاً منفعل، سرگردان و آشفته بود، آرام آرام تغییر می‌کند. او حالا دیگر صبر می‌کند، خونسردانه و با دو چشم باز، زیر کانه نگاه می‌کند، ابهام را درمی‌یابد و نهایتاً اگر لازم باشد تصمیم می‌گیرد و دست به عمل مستقل می‌زند. «آئورا» اما نسبت به دیگر آثار فوننتس ضعیف‌تر به نظر می‌رسد و اگر بخواهیم به شکلی دقیق و عمیق ابعاد درونی و بیرونی این رمان را بررسی کنیم درمی‌یابیم که آئورا در حد و اندازه‌های یک اثر جهانی نیست و با تأمل بیشتر، آن را یک داستان کوتاه به جای می‌آوریم که بیهوده کش آمده است!

«لائورادیاس» یکی دیگر از آثار این نویسنده به لحاظ ساختار درونی و مفهوم مرکزی، پیوندی نهانی با پوست‌انداختن دارد. راوی پنهان داستان سانتیاگو لوپس الفارو، عکاس حرفه‌ای است - همچون لائورا، مادر بزرگش که به این حرفه روی آورد و به شهرت رسید - سانتیاگو در سال ۱۹۹۰ به دیترویت می‌آید تا درباره آثار دیوان‌نگاران مکزیکی در ایالات متحده مستندی‌تولیز یونی‌بلسازد. یکی از دلایل عظمت دیترویت این است که در سال ۱۹۳۲ دیه‌گو ریبرا، نگارگر مکزیکی را دعوت کردند تا دیوارهای موسسه هنرهای دیترویت را تزئین کند و حال سانتیاگو لوپس می‌گوید: «دوربین قلم‌موی قرن ماست». لوپس وقایع را که برای سانتیاگو می‌ارشد (برادر ناتنی لائورادیاس، که به خاطر عقاید انقلابی و روحیه انتقادی شدیدش تیرباران شد) و سانتیاگو دوم (که در نوجوانی به سبب بیماری جان سپرد) رخ داده، همراه با بسیاری حوادث دیگر برای همسرش انه‌دینا بازگو می‌کند. سانتیاگو لوپس روایتش را از ۱۹۰۵ زمانی که لائورادیاس کودکی کوچک بوده آغاز می‌کند

## یادداشت

کاوه میرعباسی

مترجم برخی آثار فوننتس

## جادوی شاعرانگی یک دیپلمات



کارلوس فوننتس، نثری شاعرانه دارد که از هرگونه تکلف‌گویی و فخر فروختن جدایی می‌جوید. هنرش این است که ساده‌ترین جملات را از دل شاعرانه‌ترین مفاهیم بیرون بکشد و جلال و جبروتی را شبیه به ادبیات قرن‌های ۱۷ و ۱۸ در نهایت سادگی بیان کند.

او خودش را نویسنده‌ای پسامدرن لقب داده که هنوز از جوهر و خودکار برای نوشتن بهره می‌جوید. سواس در نوشتن، کلیدی‌ترین توانایی نویسنده‌اش اوست. انتخاب دقیق کلمات، فوننتس حین نوشتن نگران است. نگران تکرار کلمات. نگران بیهودگی آنها. نگران فخر فروشی آنها. درونمایه پر مغز آثار او در نوشتاری ساده و بی تکلف، ترکیبی شیوا ساخته‌اند.

دیپلمات بودن ویژگی بسیاری از نویسندگان آمریکای لاتین است و طبعاً این فعالیت‌های سیاسی روی آثار آنها بی‌تأثیر نیست. کارلوس فوننتس نویسنده مکزیکی تبار که در سال ۱۹۲۸ به دنیا آمد، توانسته در نوشته‌هایش تعادل خوبی میان لطافت ادبیات و خشونت سیاسی برقرار کند. در آثارش به جز رمان «جایی که هوا صاف است» که گرایش‌های چپ سیاسی دارد، سمت و سوی سیاسی آنچنان که از یک دیپلمات انتظار می‌رود، وجود ندارد. وی در نوشته‌هایش بیشتر به مضامین فلسفی می‌پردازد.

پدرش دیپلمات بود و همین امر سبب شد که در سانتیاگو شیلی، بنیوس آیرس آرژانتین و واشنگتن آمریکا تحصیل کند و فرهنگ‌های گوناگون را بیازماید.

بی‌چون و چرا باید این نویسنده را در میان ابرنویسندگان سبک «رنالیسم جادویی» قرار داد. منابع الهام او برای نوشتن داستان در این سبک بسیارند. عبدالله کوثری - مترجم بسیاری از آثار این نویسنده - در مقدمه‌ای منحصراً به فرد که برای رمان «آئورا» نوشته است برخی از این منابع را برشمرده که از تکرار آن می‌پرهیزم.

برخی رمان «ترا نوسترا» یا «سرزمین ما» را شاهکار این نویسنده می‌دانند. پیچیدگی این اثر که سراسر آن را دربر گرفته، موجب شده مترجمان کمتر سراغ این کتاب بروند. تصویرسازی‌های این اثر با هنر سینما برابری و علاقه بی‌پایان فوننتس به سینما را آشکار می‌کند. شاید همین بوده که فیلم «گرینگوی پیر» با نقش آفرینی جین فوندا، از این کتاب اقتباس و در زمان خود استقبال بسیار آفرید.

هر چند کارلوس فوننتس در همه‌جانبه‌شناخته شده است، اما به هر حال جزو نویسندگان دیرپاب است و این از پیچیدگی در ساختار معنایی نوشته‌ها و دغدغه‌های فلسفی کتاب‌های او که با رنالیسم جادویی درهم آمیخته‌اند ناشی می‌شود. چنین است که خواننده یا به سراغ اثر نمی‌رود، یا اگر رفت دیگر در دنیای آن رها می‌شود. ارجاعات فرهنگی فراوان هم دیگر علت خاص پسندی این نویسنده است. در ایران هم همین‌ها باعث شده تا این نویسنده جایگاهی متفاوت از دیگر نویسندگان آمریکای لاتین بیابد. او در جایی می‌نویسد: «در ابتدای نوشتنم، همیشه از خودم می‌پرسم که برای چه کسانی می‌نویسم؟ و تنها پس از پاسخ به این سوال است که جوهر روی کاغذ جاری می‌شود.»

و وقایع را تا ۱۹۷۲ برای همسرش شرح می‌دهد. لائورا ۷۴ سال زندگی می‌کند و لحظه‌لحظه‌های زندگی‌اش را برایش تجربه‌هایی تازه دربردارد که همراه‌هاش، بازتاب‌دهنده وقایعی اساسی از تاریخ معاصر مکزیکی است. رمان لائورادیاس ساختاری پست‌مدرن و منسجم دارد و به رغم حجم ۶۸۶ صفحه‌ای اش، با نهایت ایجاز نوشته شده است. در لائورادیاس، فوننتس، مکزیکی بلاخوره و مردم شگفت‌انگیزش را در گذر از یک قرن بحران و حادثه‌باز می‌گوید. این دریافت با سنجش و ارزیابی کل رمان همراه است. نویسنده در فصل آخر کتاب می‌گوید: «کوسه هیچ‌گاه بی‌حرکت نمی‌ماند. ساکن بودن برای کوسه حکم‌مرگ‌رادر دارد» و ذهن خواننده جست‌وجوگر را به یافتن پاسخی قانع‌کننده برمی‌انگیزد که پس کوسه چگونه استراحت می‌کند؟ آیا انسان می‌تواند مانند کوسه سرشت خویش را در تحرک بی‌وقفه به پیش براند و حفظ کند؟ گویا نویسنده کلید رمز را در عمق ساختار بدیع رمان پنهان کرده است. با پایان هر فصل از لائورادیاس، ذهن خواننده به گونه‌ای با تپش‌های رمان درگیری می‌شود و نویسنده در بازی‌ای شگفت‌انگیز، موضوعی جدی‌تر و عمیق‌تر را مطرح می‌کند. مطالعه لائورادیاس روش و شیوه خاصی را می‌طلبد.

لائورادیاس یک رمان چند صدایی است. فوننتس وظیفه روایتگری را به لطف شگردی خاص برعهده سانتیاگو لوپس افارو می‌گذارد. در حقیقت اوست که آنچه را بر آن وقوف دارد به همسرش انه‌دینا می‌گوید و در گام نخست وقایع را باز تولید می‌کند و در آخر هم به یاری انه‌دینا به بازآفرینی آدم‌ها، مکان‌ها و رویدادها می‌پردازد. در صفحه آخر رمان می‌خوانیم:

«دوستت دارم سانتیاگو. دوستت دارم انه‌دینا. لائورادیاس را دوست دارم. چه خوب می‌شود که دوتایی مان بتوانیم زندگی او را بازآفرینی کنیم. سالیان دراز. در گذر سالیان بالا لائورادیاس.»

این رمان نویسنده بزرگ مکزیکی معاصر به شکلی شخصیت‌ها را توصیف می‌کند که نمی‌توان روی هیچ‌یک از آنها، انگ بهترین و بدترین را نهاد در مورد شخصیت و زندگی هیچ کدام از آدم‌های این رمان نمی‌توان قضاوت قطعی و کاملی داشت؛ درباره زندگی خاله هیلدا که می‌خواست پیانیست شود و نشد، خاله ویرجینیا که می‌خواست شاعر بزرگی شود و مجالش را نیافت، خاله ماریا دولویو، دیه‌گو ریبرا و همسرش ... و حتی فرانسیسکو لوپس، همسر نخست لائورا. کارلوس فوننتس در عمق کلام پدر بزرگ فلیپه - که اصالتاً اروپایی است - این مطلب را به کنایه بازمی‌گوید: «نهایتاً مثل اروپایی‌ها زندگی کرد چون آمریکایی‌ها بدون اشتباه‌های اروپاییان، بدون رویا و ناامیدی که حاصل حذف و دور خارج کردن دیگران است، تاریخ فردی خودشان را در لحظه می‌سازند و از تاریخ گذشته نیز بهره می‌گیرند. اما اروپایی‌ها همواره در گذشته یا در آینده سیر می‌کنند. حاصل نگاشتن تاریخ در لحظه، آرامش و دست یافتن به قدرت و توانایی ذهنی است. آنگاه می‌توان از هیچ شروع کرد. تحمل سختی‌ها، بدبختی‌ها و خطاها آسان می‌شود چون بخشی از سر نوشت خودمان به حساب می‌آید و بخشی از وقایع تاریخ قدیم.

فوننتس در فصلی دیگر از لائورادیاس می‌نویسد: «نهایتاً در گذشته و آینده زندگی کرد که حال واقع و زنده را از دست خواهیم داد.» همچنین معتقد است که بدون شک کردن، ایمان‌پدیدار نمی‌شود. (صفحه ۴۹۲) سخن کوتاه، هنگامی که ۴۸۲ صفحه از داستان را پشت سر می‌گذاریم، یکی از شخصیت‌های فردی رمان به لائورامی‌گوید: «به فرصت‌های آزادی‌ایمان‌نیآوریم، یادتان باشد که سیاست فرع بر وحدت شخصی است.»



## روایت اول شخص

### چاپ اولی ها در راهند

■ علی موسوی گرمادوی، شاعر



در هفته گذشته سه کتاب از من منتشر شد؛ یکی چاپ دوم «دگرخند» که در آمدی است بر طنز، هزل و هجو در ادبیات فارسی از آغاز تا گل آقا. کتاب بعدی ۴۰ داستان کوتاه

تاریخی را شامل می شود. این داستان ها برگرفته از مآخذ اسلامی و مبتنی بر روایات هستند؛ روایاتی که جنبه داستانی داشته اند و داستان پردازی شده اند. چاپ نخست آن پیش تر با عنوان «در مسلخ عشق» منتشر شده بود، اما در چاپ دوم با ویرایش جدیدی با عنوان «صلیب نخل» منتشر شد.

کتاب سوم «غوطه در مهتاب» نام دارد که در ۶۰۰ صفحه به نقد و بررسی شعر چند تن از شاعران کلاسیک و برخی شعرای حوزه فرهنگی ایران در کشورهای همسایه، از جمله تاجیکستان، افغانستان و پاکستان و برخی از شاعران معاصر اختصاص دارد. ابوالقاسم فردوسی، عرفی شیرازی، اوحدالدین محمدبن محمد انوری، اقبال لاهوری، بیدل دهلوی و حافظ، شاعران کلاسیکی هستند که شعر آنها در این کتاب بررسی شده است.

همچنین شعر حدود ۲۰ تن از شاعران غزلسرای معاصر و سایر شاعران معاصر در این کتاب بررسی شده که از جمله آنها می توان قیصر امین پور، طاهره صفارزاده، سید حسن حسینی، حسین منزوی، مشفق کاشانی و محمدرضا عبدالملکیان را نام برد.

از سوی دیگر کتاب تاریخی «زندگی حاج شیخ محمدتقی باقی» برای چاپ دوم توسط انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در دست اقدام است. در ماه رمضان انتشارات سوره مهر دو کتاب چاپ اولی را از من منتشر خواهد کرد. یکی از این کتاب ها «آسمانی ها» نام دارد که مجموعه شعرهای آیینی شامل اشعار منتشر شده و منتشر نشده من تاکنون است و در ۳۰۰ صفحه چاپ می شود.

ترکیب بند ۱۵ بندی در توصیف سیدالشهدا(ع) همراه پنج نقد از پنج منتقد درباره همین ترکیب بند و با سه مقدمه کامل از من در کتابی با عنوان «آغاز روشنایی آیین» دومین کتابی است که به زودی منتشر خواهد شد. در مقدمه این کتاب به طور مفصل به دیدگاهم درباره شعر آیینی پرداخته ام و همچنین در مقدمه های بعدی بررسی شعر آیینی قیصر امین پور و سید حسن حسینی که متناسب با موضوع کتاب بوده، آمده است.

بهاءالدین خرمشاهی، مرتضی امیری اسفندقه، محمد یزدان پرست، حمیدرضا شکارسری و سید صدرالدین شهیدی پنج منتقدی هستند که دیدگاه آنها را درباره این ترکیب بند در کتاب آورده ام.

### با همسر در قلمرو اندوه

■ پریرا رضایی، مترجم

آخرین کتابی که از من منتشر شد، اثری است از هرمان هسه با عنوان «در ستایش سالخوردگی» که توسط انتشارات مروارید روانه بازار کتاب شده است. این کتاب، گزیده ای از نامه ها، قطعات کوتاه و بلند و اشعار هسه با همان موضوع سالخوردگی و تمجید این دوران از زندگی است که به رغم تمام ضعف های جسمی و روحی که به دنبال دارد، دوران منحصر به فردی از زندگی و پختگی انسان به حساب می آید.

مطالب این اثر را فولکر میشلز از هسه شناسان سرشناس گردآوری و در آلمان در قطع جیبی منتشر کرده است.

از دیگر ویژگی های این کتاب آلبوم عکسی است که به شکل پراکنده، لابه لای فصول کتاب گنجانده شده و در انتهای کتاب به صورت کامل تصاویر میانسالی به بعد هسه را شامل می شود. این تصاویر فضای کار و زندگی هسه را به خوبی نشان می دهد. اما این روزها ترجمه کتابی که زندگی نامه یونگ است را به پایان رسانده ام و در حال حاضر در مرحله ویراستاری است. این کتاب در مجموعه بزرگان اندیشه و تاریخ نشر کتاب پارسه به دبیری رضانجفی منتشر خواهد شد.

ویژگی کتاب های این مجموعه مصور بودن آنهاست و در هر یک از این کتاب ها به طور کامل به زندگی یکی از بزرگان اندیشه و افکار و عقاید او می پردازد. در انتهای کتاب که نتیجه یک کار تحقیقی کامل است، سالشمار زندگی این افراد نیز آمده است. همچنین کتابی را آماده انتشار دارم که با همکاری همسر من رضانجفی ترجمه کرده ام؛ سه گانه ای که عنوان جلد نخست آن «در قلمرو مرگ» است و مجموعه داستان های کوتاه گوتیک یا ترسناک را شامل می شود. در این مجموعه حدود ۳۰ داستان از بهترین نویسندگان سبک گوتیک مانند ادگار آلن پو، توماس مان و چارلز دیکنز گردآوری شده و مضمون تمام این داستان ها «مرگ» است.

مجموعه داستان های تراژیک با عنوان «در قلمرو اندوه» و مجموعه داستان های طنزگونه با عنوان «در قلمرو طنز» جلد دوم و سوم این مجموعه را تشکیل می دهند. ناشر این مجموعه، نشر چشمه معتقد است اکنون فروش کتاب بالا نیست و در نتیجه هنوز آن را روانه بازار کتاب نکرده و منتظر زمان مناسبی برای این کار است.

### قصه دیو و بهار

■ محمدرضا شمس، نویسنده کودک و نوجوان



این روزها چندین کتاب از من توسط ناشران گوناگون آماده انتشار است. از جمله انتشارات شبابویز سه کتاب را آماده انتشار دارد که یکی از آنها «راز و نیاز و گل پیاز» بازنویسی از افسانه ای کرمانی برای کودکان و نوجوانان است.

«قصه بهار» داستانی نوشته شده در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ بوده که به تازگی تصمیم به انتشار آن گرفتم و داستان آن ماجرای صیادی است که فصل بهار را تنها برای خود می خواهد.

اما دو سالی می شود که منتظر انتشار کتاب «قصه های دیو» هستم و انتشارات شبابویز به دنبال فرصت مناسبی برای انتشار این اثر است.

کتاب دیگری توسط انتشارات افق آماده انتشار دارم که مطمئن هستم تا چند ماه آینده منتشر می شود. عنوان آن «من من کله گنده» داستانی برای نوجوانان است که در سه اپیزود نوشته شده، به عبارت دیگر در کنار داستان اصلی دو شاخه وجود دارد که هر یک قصه ای مجزا هستند و به پیشبرد داستان اصلی کمک می کنند.

همچنین مجموعه داستانی با عنوان «فاصله ای که پیر شد» شامل قصه هایی از سال ۱۳۷۰ تا امروز برای گروه سنی نوجوان توسط نشر پیدایش در ۸۰ صفحه را در دست انتشار دارم، البته این کتاب مراحل اولیه انتشار را می گذراند.

در مجله «رشد نوآموز» نیز با همکاری شکوه قاسم نیا، لاله جعفری و دیگر همکاران به صورت موضوعی در زمینه قصه کار می کنیم. موضوعاتی مانند سنگ، چاقو، نمکدان، بستنی و... دستمایه داستان های ما هستند و قرار است بعدها درباره هر موضوع ۱۰ داستان از ۱۰ نویسنده انتخاب و در کتابی منتشر شود.

نمایشنامه «تبل پهلوان» هم، به تازگی توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده و باید

سه نمایشنامه دیگر هم برای این مرکز بنویسم، اما هنوز نوشتن آنها را شروع نکرده ام.

این نمایشنامه ها براساس داستان های شاهنامه فردوسی هستند. «رستم و سهراب»، «هفت خوان رستم» و «گاوه آهنگر» سه داستانی هستند که انتخاب شده اند و در صورت موفقیت این کار سایر داستان های شاهنامه را هم در قالب نمایشنامه تحریر خواهم کرد.

### رفت و آمد در «جنگل پنبیر»



■ فرشته احمدی، نویسنده

دومین رمانم را که حدود ۲۲۰ صفحه است، با عنوان «جنگل پنبیر» برای نشر به انتشارات ققنوس سپرده ام.

مضامین این کتاب با نخستین رمانم بسیار متفاوت است و اتفاق در قصه، جایگاه مهم تری نسبت به روایت های ذهنی دارد. فضاها در این داستان کاملاً متفاوت و در رفت و آمد است و طیف گسترده ای از افراد را از نظر گروه های سنی و اقشار مختلف جامعه پوشش می دهد.

اگر رمان نخستم با عنوان «پری فراموشی» را که اردیبهشت امسال توسط نشر ققنوس به چاپ دوم رسید در گروه رمان های روان شناختی جای دهیم، رمان «جنگل پنبیر» در جرگه رمان هایی قرار می گیرد که اجتماعی تر به حساب می آیند.

از آنجا که در فعالیت روزنامه نگاری نیز دارم، این روزها در حال تدوین ویژه نامه ای برای «ریموند کارور» برای یکی از روزنامه ها هستم و در این ویژه نامه به تاثیر این نویسنده بر ادبیات داستانی از منظری تازه می پردازم.

### انگلیسی و فرهنگ ایرانی

■ علیرضا ربانی، مدیر نشر غزال جوان

بخش عمده فعالیت های دفتر انتشارات غزال جوان در حوزه آموزش زبان انگلیسی و تطبیق فرهنگی کتاب های آموزشی در این زمینه با مسائل فرهنگی ایران است.

کتاب هایی که منتشر می شوند در مراکز و موسسات آموزش زبان قابل استفاده و مورد تایید وزارت آموزش و پرورش هستند و تطبیق فرهنگی این کتاب ها بر اساس یک سری شاخص هایی که از سوی آموزش و پرورش اعلام شده انجام می شود.

۱۲ جلد از این کتاب ها را با عنوان «تابناک» روانه بازار کرده ایم که با استقبال خوبی از سوی موسسات و مراکز آموزشی زبان انگلیسی مواجه شده و تاکنون بیش از ۱۵۰ هزار جلد از این مجموعه توسط موسسات آموزشی خریداری شده است.

مزیت دیگر این کتاب ها تهیه آنها به صورت مجموعه کاملی است که تمام امکانات آموزشی مورد نیاز دانشجویان و مدرسان را در اختیار آنها قرار می دهد.

یکی دیگر از کتاب هایی که توسط انتشارات غزال جوان تهیه و منتشر می شود فرهنگ لغت «Longman» است که از محبوب ترین فرهنگ لغت ها به حساب می آید. این فرهنگ لغت به صورت کامل در ایران با شمارگان ۲۰ هزار نسخه در سال منتشر و توزیع می شود.

انتشارات غزال جوان در بخش ترجمه کتاب های پزشکی نیز فعالیت گسترده ای دارد به گونه ای که کتاب های مرجع در زمینه علوم پایه پزشکی را ترجمه و تحت نظارت ناشر توزیع می کنیم و هدف از انجام این کار متقاعد کردن ناشران ایرانی برای خرید حق نشر (کپی رایت) چنین کتاب هایی است، چراکه در این صورت فایل های اصلی کتاب را قبل از انتشار دریافت کرده و امکان ترجمه و ویرایش کامل آن را دارند. از سوی دیگر فایل های کتاب های مصوری که در حوزه پزشکی منتشر می شوند را می توانند در اختیار داشته باشند تا این کتاب ها را با کیفیت بالاتری نسبت به نسخه های افست موجود منتشر کنند.

### یادداشت

اکبر اکسیر

شاعر



### شعرهای شورشی دهه هشتاد



شعر دهه ۸۰ یا به اصطلاح شعر امروز روی مولفه های شعر دهه ۷۰ بنا شده و تازه خود وامدار تلاش شاعرانی است که در دهه ۶۰ و با توجه به شعر روز جهان فعالیت داشته اند. شاعرانی که با

درک زمان و زبان توانستند جرات و جسارت را به شاعران جوان دهه ۷۰ منتقل کنند تا آنها سقوط امپراتوری شعر معاصر را که به شعر معیار در زبان فارسی معروف است، بشکنند.

این عده با توجه به مولفه های شعر روز جهان و با جسارت و نوگویی توانستند به شکلی از شعر دست یابند که گرچه موزون نبود، اما روح نوجویی شاعران جوان را بیدار ساخت و مسوولان صفحات ادبی را شایسته نوگرایی و ماجراجویی های ادبی در حیطه زبان کرد.

زبان شعر به شگفتی خاصی رسید و آن چیزهایی را که شعر معیار قادر به بیان آنها نبود بیان کرد. دهه ۷۰ با تمام گرد و خاک خود توانست تغییر بزرگی در زبان شعر، زاویه دید، فرم و لحن شاداب و پویای آن به ارمغان آورد و به مهم ترین مولفه آن یعنی طنز نهمان در شعر امروز برسد.

اما شعر دهه ۸۰ شعری است که سادگی زبان در آن، حرف نخست را می زند. شاعر دهه ۸۰ بازی های زبانی را به ساده نویسی همراه با مهندسی کلمات تغییر داده است. آنچه را می بیند و باور می کند، می نویسد و از رویا و مایخیولیا کنار کشیده است.

در د انسان مضطرب امروز را با زبان همان انسان بیان می کند. این شعر از فرط سادگی خود نوعی ایهام و استعاره دارد؛ چراکه در زمانه ای خلق می شود که مخاطبان آن همه ارباب استعاره اند. طنز زیرپوستی و نهمان، دیگر ویژگی شعر دهه ۸۰ است. شاعر در این دهه حتی اگر طنزپرداز نباشد می تواند در جابه جایی کلمات با سادگی زبان به شیدایی خاص برسد. این طنز، طنزی خودآزار است و از خود مایه می گذارد تا مخاطب تحقیر نشود.

شعر این دهه جزئی نگر است و با کلان روایت ها، کاری ندارد. از چیزهایی می نویسد که همه می بینند اما نمی دانند که می بینند. جزئی نگری به شاعر این مجال را می دهد تا متنی صمیمی به مخاطب امروز عرضه و او را با شعر آشتی دهد. گذشته از این مولفه ها شعر دهه ۸۰ در اختیار و انحصار نام های بزرگ نیست، سلطان شکن است و شورشی بر سلطنت شعر و زبان فاخر.

شعر این دهه را می توان شعر مردمی نامید؛ شعری که حاصل یک جرعه است و از ابتذال دور. تریبونی برای شعارهای حزبی و سالن آرایش نیست، بلکه شعری بی نقاب و بی دروغ است.

این شعر در حال حاضر دوره گذار را طی می کند و در دهه ۹۰ شاعران نامدار خود را ثبت خواهد کرد و در نهایت به حرکتی شکوهمند می رسد که این سخن نیما پوشیچ را: «شعر من رودخانه ای است که از هر جای آن می توان آب برداشت» به اثبات برساند.

اما یادمان باشد شعر دهه ۸۰ با هر نامی که منتشر شود تنها زمانی می تواند دنباله واقعی و اصیل شعر نیمایی باشد که از هزار سال ادب پارسی بگذرد و شعر شاعران گذشته و معاصر را فهمیده باشد تا شعرش سرودماندگاری در ادبیات نوین ما باشد.